

حسین آباد ده بنه

دهی است جزء دهستان غار بخش ری  
شهرستان تهران واقع در ۱۱ هزار گزی  
باختر ری و ۲ هزار گزی جنوب زاهد کریم  
ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل  
دارای ۱۸۸ تن سکنه میباشد فارسی زبانند  
از قنات مشروب میشود - محصولانش  
غلات - میوه - چند برشته اهالی بکشاورزی  
گذران میکنند راه مالرو است و از طریق  
بیار دانگ میتوان حاضر برد (فرهنگ  
جغرافیایی ایران ج ۱)

**حسین آباد مجد پله** [ح'س'دج] [ل'خ]  
دهی است از دهستان دره قاضی بخش حومه  
شهرستان نیشابور واقع در ۲ هزار گزی  
خاور نیشابور ناحیه بیست کوهستانی ولی  
معتدل دارای ۵۰ تن سکنه میباشد فارسی  
زبانند از قنات مشروب میشود محصولانش  
غلات - اهالی بکشاورزی گذران میکنند -  
راه اریه رو است (فرهنگ جغرافیایی  
ایران ج ۱)

**حسین آباد جرفندق** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است جزء دهستان قافان بخش ضیاء آباد  
شهرستان قزوین واقع در ۱۲ هزار گزی شمال  
ضیاء آباد متصل جاده شوسه زنجان ناحیه بیست  
واقع در دامنه ولی معتدل دارای ۲۸۸ تن  
سکنه میباشد ترکی و فارسی زبانند از  
قنات و چشمه مشروب میشود محصولانش  
غلات - حبیب زمینی - بونجه انگور  
لبیات - اهالی بکشاورزی - کیم - حاجیم باقی  
گذران میکنند (فرهنگ جغرافیایی  
ایران ج ۱)

**حسین آباد جنگل** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است از دهستان روتیز جنگل  
بخش مرکزی شهرستان قضا واقع در سی  
هزار گزی شمال باختر نما و چهار هزار گزی  
شوسه قضا با سطوانات ناحیه بیست واقع در  
جلگه ولی معتدل دارای ۱۴۰ تن سکنه  
میشود فارسی زبانند از قنات مشروب  
میشود محصولانش غلات - حبوبات -  
میوه جات اهالی بکشاورزی - غالی باقی  
گذران میکنند راه فرعی دارد (فرهنگ  
جغرافیایی ایران ج ۷)

**حسین آباد جنگل** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است از دهستان عشق آباد بخش  
قدیمه شهرستان نیشابور و شش هزار گزی  
شمال خاوری قدیمه ناحیه بیست واقع در  
جلگه ولی معتدل دارای ۲۲۰ تن سکنه  
میشود فارسی زبانند از قنات مشروب  
میشود محصولانش غلات - اهالی  
بکشاورزی - مال داری گذران میکنند راه  
مالرو میباشد (فرهنگ جغرافیایی  
ایران ج ۱)

**حسین آباد حاجی قلی** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است جزء دهستان قنات برد که بخش  
گرمسار شهرستان دامغانه واقع در چهار هزار  
گزی شمال باختر گرمسار و یک هزار گزی جنوب

ایستگاه گرمسار و راه شوسه ناحیه بیست  
واقع در جلگه ولی معتدل دارای ۱۶۴  
تن سکنه میباشد فارسی زبانند از رودخانه سبله  
رود مشروب میشود محصولانش غلات - بن شن -  
پنبه - انار - خربزه - انگور است اهالی بکشاورزی  
گذران میکنند راه مالرو میباشد بشی دو  
اماره آن نسبتاً قدیمی است (فرهنگ  
جغرافیایی ایران ج ۱)

**حسین آباد حاجی خلیلی** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است از دهستان مرکزی بخش  
طلبس شهرستان فردوس در سه هزار گزی جنوب  
باختری طبس و ۵ هزار گزی جنوب شوسه  
صوملی طبس به یزد ناحیه بیست واقع در  
جلگه گرمسار دارای ۲۷ تن سکنه  
میشود فارسی زبانند از قنات مشروب  
میشود محصولانش غلات - پنبه - خرما  
اهالی بکشاورزی گذران میکنند راه مالرو  
میشود (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۱)

**حسین آباد خاکستری** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است از دهستان القورات بخش  
حومه شهرستان بیرجند واقع در ۲۷ هزار  
گزی شمال بیرجند ناحیه بیست کوهستانی ولی  
معتدل دارای ۲۰ تن سکنه میباشد فارسی  
زبانند از قنات مشروب میشود محصولانش  
غلات است اهالی بکشاورزی گذران میکنند راه  
مالرو میباشد از نزدیک بستران میتوان انومیل  
برد (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۱)

**حسین آباد خان** [ح'س'دج] [ل'خ] دهی  
است از دهستان دستگردان بخش طبس  
شهرستان فردوس واقع در ۹ هزار گزی  
شمال طبس ناحیه بیست واقع در دست گردوس  
دارای ۲۳ تن سکنه میباشد فارسی زبانند  
از قنات مشروب میشود محصولانش غلات  
اهالی بکشاورزی گذران میکنند راه  
مالرو میباشد (فرهنگ جغرافیایی  
ایران ج ۱)

**حسین آباد خان** [ح'س'دج] [ل'خ] ده  
کوچکی است از بخش حومه شهرستان نائین ۲۰  
هزار گزی باختر نائین متصل بر اماره دهستان  
به نائین جلگه سکنه ۴۱ تن زبان فارسی  
(فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۱۰)

**حسین آباد خره سر** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است جزء دهستان اگراند ساوجیلاغ  
بخش کرج شهرستان تهران واقع در ۵۷ هزار  
گزی شمال باختر کرج و شش هزار گزی جنوب راه  
کرج بقزوین ناحیه بیست واقع در جلگه ولی  
معتدل دارای ۱۴۴ تن سکنه میباشد  
فارسی زبانند از قنات ورود گردان مشروب  
میشود محصولانش غلات - بن شن - میوه  
چند برشته - لوبات - اهالی بکشاورزی  
گله داری گذران میکنند راه مالرو از  
طریق آبیگ ماشین میرود (فرهنگ  
جغرافیایی ایران ج ۱)

**حسین آباد خیر آباد** [ح'س'دج] [ل'خ]  
ده از بخش حومه شهرستان نائین ۲۷ هزار گزی

باختر نائین - هزار گزی شوسه اردستان به  
نائین - جلگه - معتدل سکنه ۲۶۴ تن  
زبان فارسی آب از قنات محصول غلات  
شکل زراعت راه فرعی (فرهنگ  
جغرافیایی ایران ج ۱۰)

**حسین آباد کنگه** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است از دهستان چچال بخش  
سحنه شهرستان کرمانتاهان واقع در ۱۲  
هزار گزی باختر سحنه در تنگ رودخانه  
دینور - کنار شوسه کرمانشاه به سقز  
ناحیه بیست کوهستانی سرد معتدل دارای  
۶۰ تن سکنه میباشد کردی و فارسی زبانند  
از رودخانه دینور مشروب میشود محصولانش  
غلات - برنج - آوتون - چند برشته اهالی  
بکشاورزی گذران میکنند (فرهنگ  
جغرافیایی ایران ج ۵)

**حسین آباد کوهی** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است از دهستان شهاباد بخش حومه  
شهرستان بیرجند در ۳۰ هزار گزی جنوب  
خاوری بیرجند ناحیه بیست کوهستانی ولی  
معتدل دارای ۱۹ تن سکنه میباشد فارسی  
زبانند (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۱)  
**حسین آباد دقتری** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است جزء بهام وسط بخش ورامین  
شهرستان تهران ناحیه بیست واقع در جلگه ولی  
معتدل دارای ۲۰۰ تن سکنه میباشد  
فارسی زبانند از قنات مشروب میشود  
محصولانش غلات - میوه - چند برشته  
اهالی بکشاورزی گذران میکنند راه  
مالرو میباشد (فرهنگ جغرافیایی  
ایران ج ۱)

**حسین آباد صحرایی** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] ده کوچکی است از دهستان کرانی  
شهرستان بیجار ناحیه بیست واقع در ۱۸  
هزار گزی حسن آباد سوگند و ۲ هزار گزی  
سید حسین ناحیه بیست کوهستانی سرد سرد  
دارای ۳۵ تن سکنه میباشد از صنایع دستی  
زبان قالیچه و حاجیم باقی است راه مالرو  
میشود (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۵)

**حسین آباد دولاب** [ح'س'دج] [ل'خ]  
ده از دهستان دامنه کوه بخش حومه شهرستان  
دامغان ۲۱ هزار گزی خاوردامغان سه هزار  
گزی جنوب شوسه دامغان یک هزار گزی ایستگاه  
زردین - جلگه معتدل سکنه ۷۵ تن زبان  
فارسی قنات غلات - پنبه - سبزه - شغل زراعت  
راه فرعی دارد (فرهنگ جغرافیایی ایران  
ج ۴)

**حسین آباد ده بنه** [ح'س'دج] [ل'خ]  
[ل'خ] دهی است از دهستان نعله کوه بخش سقز  
نکلیای شهرستان کرمانشاهان واقع در ۲۷  
هزار گزی شمال خاوری سقز و سه هزار گزی  
شمال خاوری چوگان ناحیه بیست کوهستانی  
سرد سرد کردی و فارسی زبانند از قنات  
و چشمه مشروب میشود محصولانش غلات  
حبوبات - آوتون - اهالی بکشاورزی گذران

میکنند، از صنایع دستی، قالیچه، بیاجیم، یلان پالی، (فرهنگک جنراقیایی ایران - ج ۵) :

**حصین آباد دهل کوه**، [ح س دره] (ج ۵) (ا.خ) دهی است از دهستان شهاباد بخش جنوبی شهرستان مشهد، واقع در ۸ هزار گزی شمال باختری مشهد، ناحیه بیست کوهستانی ولی معتدل دارای ۷ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند (فرهنگک جنراقیایی ایران ج ۹) .  
**حصین آباد زرکلی**، [ح س دره] (ا.خ) دهی جزء دهستان پشاوران بخش آبیگ شهرستان فرورین واقع در شش هزار گزی جنوب آبیگ، معتدل، دارای ۲۹۰ تن سکنه میباشد، کردی، ترکی، فارسی زبانند، از قنات مشروب میشود، محصولاتش، غلات، چغندر قند، اهالی بکشاورزی گذران میکنند، راه فرعی از آبیگ دارد ساکنین این ده از طایفه مانی هستند و تیر مکان نمکنند (فرهنگک جنراقیایی ایران ج ۱) .

**حصین آباد رودخانه**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است جزء دهستان کنارودخانه و قرغان بخش حومه شهرستان ساوه واقع در ۹ هزار گزی جنوب شازرود و ۱۲ هزار گزی راه عمومی معتدل، دارای ۲۶ تن سکنه میباشد فارسی، ترکی زبانند، از رودخانه و قرغان و قره چای مشروب میشود، محصولاتش: غلات، بن شنبه، چغندر قند، یونجه است، اهالی بکشاورزی، گله داری گذران میکنند راه مالروست، این ده تعلق چند خانوار از ایل شاهسون خدای است، (فرهنگک جنراقیایی ایران - ج ۱) .

**حصین آباد زواره**، [ح س دره] (ا.خ) ده از دهستان گرمسیر شهرستان اردستان ۱۸۵۰۰ گزی شمال خاور اردستان ۱۱۵۰۰ گزی شمال راه اردستان به شهر آب جلگه معتدل، سکنه ۲۲۱ تن، زبان فارسی، آب از قنات، محصول، غلات، بنه، شغل، زراعت، راه فرعی و دهستان دارد، (فرهنگک جنراقیایی ایران ج ۱۰) .

**حصین آباد سادات**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است از دهستان شهاباد بخش حومه شهرستان بیرجند واقع در شش هزار گزی جنوب باختری بیرجند، ناحیه بیست واقع در جلگه گرمسیر، دارای ۱۹۷ تن سکنه میباشد، فارسی زبانند، از قنات مشروب میشود، محصولاتش، غلات، بنه، ابریشم، میوه جات، اهالی بکشاورزی، کرباس بافی گذران میکنند، راه اتومبیل دو است، از امیر آباد میتوان اتومبیل برد، اهالی جهت کارگری به بیرجند میروند، (فرهنگک جنراقیایی ایران ج ۹) .

**حصین آباد ساروئی**، [ح س دره] (ا.خ) دهی از دهستان خرغان فرعی بخش آوج شهرستان فرورین واقع در ۴ هزار گزی شمال

باختر آوج و ۹ هزار گزی راه عمومی، ناحیه بیست واقع در دامنه ولی معتدل، دارای ۱۰۲ تن سکنه میباشد، ترک زبانند، از چشمه سار مشروب میشود، محصولاتش، غلات، اهالی بکشاورزی گذران میکنند از صنایع دستی، جاجیم، عالی است باقی است، راه مالرو میباشد، (فرهنگک جنراقیایی ایران ج ۱) .

**حصین آباد ساغری**، [ح س دره] (ا.خ) ده از دهستان زیر استان بخش مرکزی شهرستان شاهرود، ۹ هزار گزی جنوب شاهرود، چهار هزار گزی ایستگاه شاهرود، جلگه، معتدل، سکنه ۲۰۰ تن فارسی، قنات، غلات، بنه، انواع میوه جات، شغل، زراعت و مختصر گله داری راه مالرو و از طریق دیوان اتومبیل میتوان برد، (فرهنگک جنراقیایی ایران - ج ۳) .

**حصین آباد سر آبی**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است از دهستان بیضا بخش اردکان شهرستان شیراز واقع در ۶۰ هزار گزی جنوب خاور اردکان و ۲ هزار گزی راه فرعی زرغان بیضا ناحیه بیست واقع در دامنه ولی معتدل و مالارایی دارای ۶۵ تن سکنه میباشد، فارسی زبانند، از چشمه مشروب میشود محصولاتش: غلات، برنج، چغندر، اهالی بکشاورزی گذران میکنند، راه مالرو میباشد، (فرهنگک جنراقیایی ایران - ج ۷) .

**حصین آباد سر فره**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است از دهستان نوارجات بخش حومه شهرستان بیرجند واقع در ۴۹ هزار گزی جنوب خاوری بیرجند، ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل، دارای ۱۰۰ تن سکنه میباشد، فارسی زبانند، از قنات مشروب میشود محصولاتش، غلات، اهالی بکشاورزی، مالدارای گذران میکنند، راه مالرو میباشد، (فرهنگک جنراقیایی ایران - ج ۹) .

**حصین آباد سر کمار**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است از دهستان قیس آباد بخش خوسف شهرستان بیرجند واقع در ۵ هزار گزی جنوب خوسف سر راه مالرو عمومی قیس آباد ناحیه بیست واقع در جلگه گرمسیر، دارای ۳۰ تن سکنه میباشد، فارسی زبانند، از قنات مشروب میشود، محصولاتش، غلات، اهالی بکشاورزی، مالدارای گذران میکنند، راه مالرو میباشد، (فرهنگک جنراقیایی ایران - ج ۹) .

**حصین آباد سر کلان**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است از دهستان خزل شهرستان نهبندان واقع در ۲۹ هزار گزی شمال باختری شهر نهبندان کنار رودخانه کوه سیاب، ناحیه بیست واقع در جلگه ولی سردسیر، دارای ۶۸ تن سکنه میباشد، لری و فارسی زبانند از قنات و رودخانه مشروب میشود، محصولاتش، غلات، دمی، توتون، حبوبات و لبنیات، اهالی از تلاوت گله داری، جاجیم بافی گذران میکنند، راه مالرو میباشد، ابل تراشوند

برای تکلیف احتساب این ده میباشد، (فرهنگک جنراقیایی ایران ج ۵) .  
**حصین آباد سر گل**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است از دهستان نهبندان بخش خوسف شهرستان بیرجند واقع در ۳۶ هزار گزی جنوب خاوری خوسف و هفت هزار گزی شمال راه محصلی، ناحیه بیست واقع در دامنه ولی گرمسیر، دارای ۱۹ تن سکنه است، راه مالرو میباشد، (فرهنگک جنراقیایی ایران - ج ۹) .

**حصین آباد سلطان نصیر**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است از دهستان نهبندان بخش حومه شهرستان ناین، سی هزار گزی شمال ناین، سه هزار گزی شوسه اردستان، ناین، سکنه ۴۰ تن، زبان، فارسی، (فرهنگک جنراقیایی ایران - ج ۱۰) .

**حصین آباد سورمق**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است از دهستان رستان بخش نوری شهرستان قساو واقع در ۱۱ هزار گزی باشتز نیر بروده هزار گزی شمال شوسه نیر و شیراز، ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل، دارای ۱۴۸ تن سکنه میباشد، فارسی زبانند، اوقات مشروب میشود محصولاتش، غلات، سیفی جات، اهالی بکشاورزی گذران میکنند، راه فرعی، مزرعه رحیم آباد جزو این ده است، (فرهنگک جنراقیایی ایران - ج ۷) .

**حصین آباد سه پرده**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است از دهستان کربال بخش زرغان شهرستان شیراز واقع در ۲۸ هزار گزی جنوب خاوری زرغان، کنار راه فرعی بند امیر به خرامه، ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل و مالارایی، دارای ۲۰۰ تن سکنه میباشد فارسی زبانند، از رودخانه کر و چاه مشروب میشود، محصولاتش، غلات، چغندر، اهالی بکشاورزی گذران میکنند، (فرهنگک جنراقیایی ایران - ج ۱) .

**حصین آباد سیاه آب**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است جزء دهستان قار بخش ری شهرستان تهران واقع در ۲۰ هزار گزی باختری و یک هزار گزی جنوبی راه دیما کریم، ناحیه بیست در جلگه ولی معتدل، دارای ۱۸۴ تن سکنه میباشد، فارسی زبانند، محصولاتش: غلات، سیفی میوه جات، چغندر قند، اهالی بکشاورزی گذران میکنند، راه فرعی دارد (فرهنگک جنراقیایی ایران ج ۱) .

**حصین آباد سیدان**، [ح س دره] (ا.خ) دهی است از دهستان نهبندان بخش خوسف شهرستان بیرجند واقع در ۷۲ هزار گزی شمال باختری خوسف و ۹ هزار گزی شمال خاوری بصیران، ناحیه بیست واقع در دره ولی معتدل، دارای ۱۲ تن سکنه میباشد، فارسی زبانند، (فرهنگک جنراقیایی ایران ج ۹) .

حسین آباد قانی

**حسین آباد شاهانوه** [ح س د] (راخ) دهی است از دهستان آذر زمان بخش شهرستان ملایر واقع در سی هزار گزی شمال شهر ملایر - کنار راه شوسه ملایر به تویسرکان ناحیه بیست واقع در جنگله ولی معتدل مالاریایی دارای ۲۰۵۴ تن سکه میباشد . فارسی زیانته، از قنات مشروب میشود، محصولانش غلات، حبوبات، صیفی، سبزی، میوه، آبی، اهالی بکشاورزی قالیبافی گذران میکنند . راه ماشین رو میباشد . یک دهستان در این ده وجود دارد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۵)

**حسین آباد شاهدان** [ح س د] ده کوچکی است از دهستان کرون تپه - آباد شهرستان اصفهان ۹۲ هزار گزی باختر تپه آباد شش هزار گزی شوسه تپه آباد دامنه سکه ۹۳ تن، زبان فارسی . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۱)

**حسین آباد شاه نظر** [ح س د] (راخ) دهی است جزء دهستان دشتایی بخش بوئین شهرستان قزوین . ناحیه بیست واقع در سی هزار گزی شمال باختر بوئین . و هجده هزار گزی راه صومی، ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل دارای ۱۳۰ تن سکه میباشد . ترک زیانته . از قنات مشروب میشود، محصولانش غلات، چغندر، میوه، حبوبات، اهالی بکشاورزی، قالی، گلیم بافی گذران میکنند . راه مالرو میباشد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۱)

**حسین آباد شاهینی** [ح س د] (راخ) دهی است از دهستان یلوار بخش کامپادان شهرستان مستندج واقع در ۲۴ هزار گزی شمال باختر کامپادان و ۵ هزار گزی جنوب باختر شاهینی . ناحیه بیست واقع در دامنه ولی سردسیر . دارای ۱۰۸ تن سکه میباشد کرد زبانته . از چشمه مشروب میشود . محصولانش غلات، حبوبات، اهالی بکشاورزی و گلهداری گذران میکنند . راه مالرو میباشد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۵)

**حسین آباد شش دهنه** [ح س د] (راخ) در کشر از شش فرسخ در شرقی شهر همدان است . **حسین آباد شجاع السلطنه** [ح س د] در شرق سوسان [راخ] دهی است جزء دهستان غار بخش ری شهرستان تهران واقع در ۲ هزار گزی شمالی سرداه شوسه تهران ری ناحیه بیست در جلگه ولی معتدل، دارای ۲۲۹ تن سکه میباشد . فارسی زیانته، از قنات مشروب میشود . محصولانش غلات، صیفی، سبزیجات، چغندر، قند، اهالی بکشاورزی گذران میکنند . راه ماشین رو میباشد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۱)

**حسین آباد شکرانی** [ح س د] (راخ) دهی است جزء دهستان شرا - پائین بخش وفس شهرستان اراک . ۲ هزار گزی جنوب باختری کبیران . ۹ هزار گزی راه مالرو صومی . کوهستانی، سردسیر، سکه ۷۵۲ تن، زبان

ترکی . فارسی، نهر میلانورد، غلات، پونه انگور، شلر، ذراعت، گلهداری، قالیچه، بافی - راه مالرو از ورز آباد اتومبیل میزبان برد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۲)

**حسین آباد شیبانی** [ح س د] (راخ) ده کوچکی از دهستان سوسه بخش مرکزی شهرستان کاشان، ۳۶ هزار گزی شمال باختری کاشان . کنار شوسه چشمان قم سکه ۵۰ تن (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۴)

**حسین آباد ظله خوب** [ح س د] (راخ) دهی است از دهستان چهار دولی بخش قروه شهرستان سنندج واقع در ۱۸ هزار گزی خاور قروه و هفت هزار گزی جنوب شوسه قروه همدان، ناحیه بیست واقع در دامنه سردسیر، دارای ۲۲۰ تن سکه میباشد . کردی زیانته . از چشمه مشروب میشود . محصولانش غلات، حبوبات، اهالی بکشاورزی، گلهداری گذران میکنند . راه مالرو میباشد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۵)

**حسین آباد عاشقی** [ح س د] (راخ) دهی است از دهستان شهرستان نائین . ۲۰ هزار گزی شمال باختری نائین . سه هزار گزی راه اردستان به نائین، جلگه معتدل سکه ۱۳۴ تن، زبان فارسی، آب از قنات - محصول غلات، شلر، ذراعت، راه فرعی . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۱۰)

**حسین آباد عرب** [ح س د] (راخ) دهی است از دهستان عشق آباد بخش قدیشه شهرستان نیشابور واقع در ۲۱ هزار گزی باختر قدیشه . ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل دارای ۱۰۶ تن سکه میباشد . فارسی زیانته از قنات مشروب میشود محصولانش غلات، اهالی بکشاورزی گذران میکنند . راه مالرو میباشد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۹)

**حسین آباد علی رضاخان** [ح س د] (راخ) دهی است از دهستان پائین ولایت بخش فریمان شهرستان مشهد . واقع در ۹۰ هزار گزی شمال فریمان و ۱۰ هزار گزی شمال شوسه عمومی مشهد بر سرخس ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل . دارای ۱۱۶ تن سکه میباشد . فارسی زیانته از قنات مشروب میشود، محصولانش غلات، حبوبات، اهالی بکشاورزی قالیچه بافی و مالهداری گذران میکنند . راه اتومبیل رو میباشد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۹)

**حسین آباد عین الدوله** [ح س د] (راخ) ده کوچکی از دهستان غار، بخش ری شهرستان تهران واقع در هشت هزار گزی جنوب باختر شهری و چهار هزار گزی باختری راه شوسه قم - تهران . دارای ۱۹ تن سکه میباشد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۱)

**حسین آباد غلامرضاخان** [ح س د] (راخ) دهی است از دهستان آبادکان بخش حومه شهرستان مشهد واقع در ۲۵ هزار گزی شمال خاوری مشهد به کلات، ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل دارای ۲۳۰ تن سکه میباشد . فارسی زیانته از قنات مشروب میشود، محصولانش غلات، حبوبات، اهالی بکشاورزی، قالیچه بافی و مالهداری گذران میکنند . راه فرعی شوسه دارد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۹)

**حسین آباد فرما نقرما** [ح س د] (راخ) دهی است از دهستان نعله گزی بخش سنقر کالیایی شهرستان کرمانشاهان واقع در هشت هزار گزی جنوب سنقر و شهریار گزی باختر شوسه کرمانشاه، ناحیه بیست کوهستانی سردسیر، حاوی ۲۹۵ تن سکه میباشد کردی و فارسی زبانند، از چشمه سار مشروب میشود . محصولانش غلات، صیفی، اهالی بکشاورزی - قالیچه و جاجیم، پلاس بافی گذران میکنند، و سه ای از ماسکین در تابستان برف به سنقر حمل میکنند، راه مالرو میباشد، تقود این محل بطوری معروف است . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۵)

**حسین آباد فستق** [ح س د] (راخ) دهی است از دهستان گریش بخش زرگان شهرستان شیراز واقع در ۶۹ هزار گزی جنوب خاور زرگان و سه هزار گزی راه فرعی بند امیر به سلطان آباد ناحیه بیست واقع در جلگه - معتدل مالاریایی، دارای ۱۴۷ تن سکه میباشد . فارسی زیانته از رودخانه کر مشروب میشود، محصولانش غلات، برنج، چغندر، اهالی بکشاورزی گذران میکنند . راه مالرو میباشد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۷)

**حسین آباد قونان** [ح س د] (راخ) ده سردسیر است از بخش حومه شهرستان نائین (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۱۰)

**حسین آباد قاجار** [ح س د] (راخ) دهی است جزء دهستان بهنام یازگی بخش ورامین شهرستان تهران، ناحیه بیست واقع در ۳ هزار گزی شمال ورامین و ۳ هزار گزی جنوبی راه خراسان، ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل، دارای ۱۰۹ تن سکه میباشد، فارسی زیانته از رودخانه چابگرد مشروب میشود، محصولانش غلات، صیفی، چغندر، اهالی بکشاورزی گذران میکنند . راه مالرو میباشد . (فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۱)

**حسین آباد قاضیان** [ح س د] (راخ) دهی است در دو فرسخ و نیم میان شمال و غرب قاضیان است . **حسین آباد قانی** [ح س د] (راخ) دهی است از دهستان آبادکان بخش حومه

شهرستان مشهد. واقع در دشت هزار گزی جنوب خاوری مشهد. سر راه شوشه عمومی مشهد حضورش. ناحیه بیست واقع در جلگه ولی متصل. دارای ۱۸۳ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند. از قنات مشروب میشود. محصولاتش غلات. اهالی بکشاورزی و دامداری گذران میکنند. راه اتومبیل رو میباشد. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۹)

**حسین آباد قبادی**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان کلیایی بخش سنقر کلیایی شهرستان کرمانشاهان واقع در ۳۶ هزار گزی شمال سنقر. چهار هزار گزی باختر کردستانه بالا. ناحیه بیست کوهستانی. سردسیر دارای ۱۹۵ تن سکنه میباشد. کردی فارسی زبانند. از چشمه مشروب میشود. محصولاتش غلات. حبوبات. توتون. اهالی بکشاورزی. قالیچه. جاجیم. پلاس باقی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۵)

**حسین آباد قدیم**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان رستاق بخش نیریز شهرستان فسا واقع در ۱۲ هزار گزی باختر نیریز ناحیه بیست واقع در جلگه ولی متصل دارای ۱۶۵ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند. از قنات مشروب میشود. محصولاتش غلات. حبوبات. صیفی جان. اهالی بکشاورزی و زالیبایی گذران میکنند. راه فرعی است. مزرعه مین آباد و حسین آباد جزو این ده است. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۷)

**حسین آباد قرق**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان رامجرد بخش اردکان شهرستان شبراز واقع در ۶۳ هزار گزی جنوب خاوردان و هشت هزار گزی راه فرعی زرقان به بیضا. ناحیه بیست واقع در جلگه ولی متصل و مالاریایی. دارای ۴۰ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند. از چشمه مشروب میشود. محصولاتش غلات. برنج اهالی بکشاورزی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۷)

**حسین آباد قیصار**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان خوسف شهرستان بیرجند واقع در ۶۵ هزار گزی شمال باختری بیرجند و چهار هزار گزی شمال شوشه عمومی خوسف به خور. ناحیه بیست واقع در جلگه و گرمسیر. دارای ۵۰ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۹)

**حسین آباد کاظم**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان اسفراین بخش شوشه شهرستان چنود واقع در ۱۰۲ هزار گزی جنوب باختری اسفراین و ۱۳ هزار گزی جنوب شوشه عمومی میان آباد به جاجیم

ناحیه بیست واقع در جلگه ولی متصل. دارای ۸۴ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند. از قنات مشروب میشود. محصولاتش غلات. حبوبات اهالی بکشاورزی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۹)

**حسین آباد کاظم**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان آزاد ولد بخش چنتای شهرستان سبزوار واقع در ۵ هزار گزی شمال باختری چنتای و شش هزار گزی شمال راه آهن. ناحیه بیست واقع در جلگه ولی متصل. دارای ۱۵۰ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند. از قنات مشروب میشود. محصولاتش غلات. حبوبات. صیفی. جاجیم. پلاس باقی گذران میکنند. راه اتومبیل رو است. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۹)

**حسین آباد کبودخانی**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان سنجاب شهرستان کرمانشاهان واقع در ۱۴ هزار گزی خاور گوزدان. و یک هزار گزی رودخانه مرگه ناحیه بیست واقع در دشت ولی سردسیر. دارای ۱۴۰ تن سکنه میباشد. کردی و فارسی زبانند. از سراب بویور مشروب میشود. محصولاتش غلات. حبوبات. لبنیات. چندغذ. اهالی بکشاورزی گله داری گذران میکنند. راه مارو میباشد. در تابستان اتومبیل میتوان برد. در زمستان گله داران بگرمسیر حدود نسر شهرین میروند. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۵)

**حسین آباد کدخد**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان بهنام و سطر بخش درامین شهرستان تهران واقع در ۲۲ هزار گزی جنوب خاوردرامین و چهار هزار گزی راه نیه شوشه درامین بمبار که. ناحیه بیست در جلگه ولی متصل. دارای ۱۴۹ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند. از قنات مشروب میشود. محصولاتش غلات. صیفی. اهالی بکشاورزی اشتغال دارند. راه مارو و از طریق قلعه بلند ماشین میروند. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۱)

**حسین آباد کردها**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است جز. دهستان باطری بخش گرمسار شهرستان دماوند واقع در ۱۲ هزار گزی خاورد گرمسار و ۲ هزار گزی جنوب نیم. ایستگاه باطری. ناحیه بیست واقع در جلگه ولی متصل. دارای ۲۰۰ تن سکنه میباشد. ترکی و فارسی زبانند از جلع رود مشروب میشود. محصولاتش غلات. حبوبات. صیفی. جاجیم باقی است. مزارع امامزاده عبدالله و امامزاده و حاجی آباد جزو این ده است. بنای امامزاده عبدالله و امامزاده ذوالفقار و نیه که سابقاً آبانی بود از آثار قدیم است. یک باب

دهستان بابد. نصف سکنه از جایزه اصافلو و الیکایی هستند در تابستان به بیلاق میروند. کوه میروند. راه مارو است و از طریق حاجی آباد باطری ماشین میروند. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۱)

**حسین آباد گرون**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان گرون بخش نجف آباد شهرستان اصفهان. ۴۵ هزار گزی باختر. نجف آباد. ده هزار گزی شوشه نجف آباد بمادام. جلگه. متصل. سکنه ۳۶۲ تن زبان فارسی. آب از رودخانه و چاه محصول غلات. حبوبات. صیفی. بادام و انگور. شال. ذراعت. صنایع دستی زنان کرباس. باقی راه فرعی. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۱۰)

**حسین آباد گرشه**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است جز. دهستان خار بخش ری شهرستان تهران واقع در ۲ هزار گزی جنوب باختری و ۲ هزار گزی خاوردی راه قم. ناحیه بیست واقع در جلگه ولی متصل. دارای ۱۸۳ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند. راه فرعی دارد. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۱)

**حسین آباد گرجان**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان خسرو آباد شهرستان بجاو واقع در ۳۱ هزار گزی شمال باختری خسرو آباد و ۲ هزار گزی جنوب خاوردی. ناحیه بیست تپه ماهور و سردسیر دارای ۱۵۰ تن سکنه میباشد. کردی و فارسی زبانند از چشمه مشروب میشود. محصولاتش غلات. لبنیات اهالی بکشاورزی گله داری گذران میکنند. از صنایع دستی زنان قالیچه. کتیم. جاجیم باقی. راه مارو میباشد. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۵)

**حسین آباد حقو اهی**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان نهادجات بخش حومه شهرستان بیرجند واقع در ۴۴ هزار گزی جنوب خاوردی بیرجند. ناحیه بیست واقع در جلگه ولی متصل. دارای ۷۰ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند. از قنات مشروب میشود. محصولاتش غلات. لبنیات. اهالی بکشاورزی. دامداری باقی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۹)

**حسین آباد لور**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان ماروسک بخش سرولایت شهرستان نیشابور واقع در سی هزار گزی جنوب چکنه بالا. ناحیه بیست کوهستانی ولی متصل دارای ۲۵ تن سکنه میباشد. کرد زبانند. از قنات مشروب میشود. محصولاتش غلات. اهالی بکشاورزی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۹)

**حسین آباد ماروسک**. [ح. سرد. ق.] (راخ) دهی است از دهستان ماروسک بخش سرولایت

حسن آباد میریگ

میشین پرو (فرهنگ جغرافیایی ایران ۱ ج)

حسن آباد هیان قیغ [ح س د]

(راخ) دهست از دهستان در بقاضی بخش حومه شهرستان نیشابور واقع در هیجده هزار گزی جنوب خاوری نیشابور ناحیه بیست واقع در دهه ولی معتدل دارای ۱۰۰ تن سکنه میباشد فارسی زبانند. از قنات مشروب میشود. محصولات غلات اهالی بکشاورزی و مالدارانی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگ جغرافیایی ایران ۹ ج)

حسن آباد هیان [ح س د] [راخ]

دهی است از دهستان سیاه منصور شهرستان بجار واقع در ۶ هزار گزی جنوب باختر حسن آباد سوگند و چهار هزار گزی جنوب میدان ناحیه بیست کوهستانی سردسیر دارای ۱۰۰ تن سکنه میباشد. کرد زبانند از چغنه مشروب میشود محصولات غلات لبنیات اهالی بکشاورزی و کله داری - ذابچه و چاجیم بافی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگ جغرافیایی ایران ۵ ج)

حسن آباد میر آباد [ح س د] [راخ]

از دهستان برخواست بخش حومه شهرستان اصلهان ۱۷ هزار گزی شمال اصلهان متصل براده عمومی جلگه معتدل سکنه ۴۰۰ تن. زبان فارسی آب از قنات محصول غلات پنبه صیفی شقله زراعت صنایع دستی زنان کرباس بافی راه ماشین پرو (فرهنگ جغرافیایی ایران ۵ ج)

حسن آباد میران [ح س د] [راخ]

دهی است از دهستان قیس آباد بخش شوسف شهرستان بیرجند واقع در ۶ هزار گزی جنوب خوسف و سه هزار گزی باختر مارو عمومی شوسف به بصران ناحیه بیست کوهستانی ولی معتدل دادای ۳۱ تن سکنه میباشد فارسی زبانند از قنات مشروب میشود محصولات غلات بن سن اهالی بکشاورزی مالدارانی کرباس بافی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگ جغرافیایی ایران ۹ ج)

حسن آباد میر ابوطالب [ح س د]

دهی است از دهستان قیس آباد بخش شوسف شهرستان بیرجند واقع در ۴ هزار گزی جنوب خاوری شوسف و ۸ هزار گزی خاور مارو عمومی قیس آباد ناحیه بیست کوهستانی ولی معتدل دارای ۱۲ تن سکنه میباشد فارسی زبانند (فرهنگ جغرافیایی ایران ۹ ج)

حسن آباد میریگ [ح س د]

(راخ) دهی است از دهستان میریگ بخش دلفان شهرستان خرم آباد واقع در ۴۳ هزار گزی جنوب باختری نورآباد و ۳۷ هزار گزی باختر راه شرم آباد بکرمانشاه ناحیه بیست واقع در جلگه ولی سردسیر مالدارانی دارای ۲۴۰ تن سکنه میباشد. لکی و فارسی

جنوب خاوری کرج کتاروه فرعی دشتخاورد به کرج ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل دارای ۱۵۳ تن سکنه دارد ترکی و فارسی زبانند از قنات مشروب میشود محصولات غلات بن سن چند وقتند میوه جات اهالی بکشاورزی گذران میکنند. راه لرعی دارد (فرهنگ جغرافیایی ایران ۱ ج)

حسن آباد هزاره [ح س د] [راخ]

دهی است از دهستان شریفان بخش شوسف شهرستان بیرجند واقع در ۶۹ هزار گزی شمال باختری شوسف و شش هزار گزی شمال خاوری گرگان ناحیه بیست کوهستانی ولی گرمسیر دارای ۵۴ تن سکنه میباشد فارسی زبانند از قنات مشروب میشود محصولات غلات اهالی بکشاورزی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگ جغرافیایی ایران ۹ ج)

حسن آباد هزاره [ح س د] [راخ]

ده کوچکی است از بخش شهرستان نائین ۲۲ هزار گزی باختر نائین هفت هزار گزی شوسه اردستان به نائین سکنه ۴۱ تن. زبان فارسی (فرهنگ جغرافیایی ایران ۱۰ ج)

حسن آباد مسیله [ح س د] [راخ]

(راخ) دهی است جزو دهستان قمرود بخش حومه شهرستان قمرود واقع در ۲ هزار گزی شمال خاوری قم ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل دارای ۴۰ تن سکنه میباشد فارسی زبانند از رودخانه قره جای مشروب میشود محصولات غلات لبنیات اهالی بکشاورزی کله داری و شترداری گذران میکنند. راه مارو میباشد. سکنه از حیاطه کن کوهستانند. (فرهنگ جغرافیایی ایران ۱ ج)

حسن آباد معموری [ح س د] [راخ]

(راخ) دهی است از دهستان در بقاضی بخش حومه شهرستان نیشابور واقع در ۱۲ هزار گزی جنوب خاوری نیشابور ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل دارای ۷۰ تن سکنه میباشد فارسی زبانند از قنات مشروب میشود محصولات غلات اهالی بکشاورزی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگ جغرافیایی ایران ۹ ج)

حسن آباد موهو [ح س د] [راخ]

بنج فرسخی میان شمال و مغرب شهر قه است. (حسن آباد منصور [ح س د] [راخ]) دهی است جزء دهستان به نام عرب بخش ورامین شهرستان تهران واقع در ۲ هزار گزی جنوب خاور ورامین و سه هزار گزی راه جواد آباد ناحیه بیست واقع در جلگه ولی سردسیر دارای ۳۶۴ تن سکنه میباشد فارسی زبانند از قنات مشروب میشود محصولات غلات صیفی چند وقتند اهالی بکشاورزی گذران میکنند. راه مارو میباشد. از طریق ظاهر آباد میتوان

شهرستان نیشابور - ۲۴ هزار گزی خاوری جلگه بالا کوهستانی معتدل سکنه ۲۵ تن مشبه کرد آب از قنات محصول غلات نریان شغل زراعت راه مارو (فرهنگ جغرافیایی ایران ۹ ج)

حسن آباد هالی بان [ح س د] [راخ]

دهی است از دهستان یلواز بخش کامیاران شهرستان سنندج واقع در ۱۲ هزار گزی شمال باختر کامیاران و ۲ هزار گزی مایران ناحیه بیست واقع در دامنه سردسیر دارای ۷۱ تن سکنه میباشد کردی زبانند از چغنه و رودخانه آفریان مشروب میشود محصولات غلات اهالی بکشاورزی گذران میکنند. راه مارو میباشد. (فرهنگ جغرافیایی ایران ۵ ج)

حسن آباد مانی [ح س د] [راخ]

کوچکی است از دهستان بشاریات بخش آیتک شهرستان قرین ۴۶ هزار گزی باختر آیتک - ۱۲ هزار گزی راه عمومی سکنه آن ۲۵ نفر از طایفه مانی هستند و تغییر مکان نمیکند. (فرهنگ جغرافیایی ایران - جلد ۱ استان مرکزی)

حسن آباد محمد حسن [ح س د] [راخ]

(راخ) ده کوچکی است از دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان آباده واقع در ۱۲ هزار گزی شمال آباده و ۱۲ هزار گزی شوسه آباده به اصلهان دارای ۱۲ تن سکنه میباشد (از فرهنگ جغرافیایی ایران ۷ ج)

حسن آباد محمد نظر [ح س د] [راخ]

(راخ) دهی است از دهستان چهار نوبی بخش قره شهرستان سنندج واقع در ۳ هزار گزی جنوب خاوری قره و شصت هزار گزی باختر شوسه قره میدان ناحیه بیست واقع در جلگه ولی سردسیر دارای ۲۲۰ تن سکنه میباشد کردی و فارسی زبانند از چغنه مشروب میشود محصولات غلات لبنیات اهالی بکشاورزی گله داری گذران میکنند. راه مارو میباشد تا استان انومپیل میتوان برد از صنایع دستی زنان ذابچه چاجیم کفیم بافی است. (از فرهنگ جغرافیایی ایران - جلد ۵)

حسن آباد مختاری [ح س د] [راخ]

دهی است از دهستان دیوانه بخش حومه شهرستان نیشابور واقع در ۹ هزار گزی جنوب باختری نیشابور ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل دارای ۷۴ تن سکنه میباشد فارسی زبانند از قنات مشروب میشود محصولات غلات اهالی بکشاورزی گذران میکنند. (فرهنگ جغرافیایی ایران ۹ ج)

حسن آباد هر ۵ آباد [ح س د] [راخ]

(راخ) دهی است جزو دهستان حومه بخش کرج شهرستان تهران واقع در ۲۲ هزار گزی

زبانند، از چشمه مشروب میشود، محصولات  
غلات، لبنیات، پشم، اهالی بکشاورزی و  
گلهداری گذران میکنند، از صنایع دستی  
زنان سیاه چادر وقالی بافی، راه مارو میباشد  
در زمستان بقتلای میروند. (فرهنگک  
جغرافیایی ایران - ج ۶).

**حسین آباد صیر سهندی.** [ح س ر د س] (راخ)  
دهی است از دهستان قیس آباد بخش  
خوسف شهرستان بیرجند واقع در ۵۴ هزار  
گری جنوب خاوری خوسف ده هزار گری  
خاورد مارو عمومی قیس آباد، ناحیه بیست  
واقع در: امانه ولی معتدل، دارای ۳۰ تن  
سکه میباشد. فارسی زبانند، از قنات مشروب  
میشود، محصولاتش، غلات، لبنیات، اهالی  
بکشاورزی گذران میکنند، راه مارو  
میباشد. (از فرهنگک جغرافیایی ایران -  
ج ۹).

**حسین آباد صیر سهندی.** [ح س ر د س]  
ده کوچکی است از دهستان قراغان یابند،  
بخش قراغین شهرستان لارک، ۹۰ هزار گری  
جنوب قراغین، سه هزار گری راه مارو عمومی  
سکه ۴۰ تن. (فرهنگک جغرافیایی ایران  
ج دوم).

**حسین آباد میش مستی.** [ح س ر د س] (راخ)  
دهی است جزء دهستان قنات بخش  
حومه شهرستان قم واقع در ۴۰ هزار گری  
جنوب خاور قم و ۵ هزار گری راه آهن  
شوسه قم - کاشان، معتدل، دارای ۲۰۰  
تن سکه میباشد. فارسی زبانند، از  
قنات مشروب میشود و نیزه قنات مغروبه  
دارد، محصولاتش مختصر جو، لبنیات، اهالی  
بکشاورزی، گلهداری، قالچه، گلیم، جوال،  
بافی گذران میکنند، مزارع گبری حصار  
قیح آباد - حسن آباد که خرابه هستند جزء  
این ده منظور میشود، ساکنین این ده از  
نظایف عرب میش مست هستند در زمستان  
تاوسط بهار ساکن روستا به بیلاقات ذرتبیر  
مکن میباشد - از طریق ایستگاه شوراب  
میتوان ماشین برد. (فرهنگک جغرافیایی  
ایران - ج ۱).

**حسین آباد ناظر.** [ح س ر د س] (راخ)  
دهی است از دهستان در بقاضی بخش حومه  
شهرستان نیشابور واقع در ۱۸ هزار گری  
جنوب خاوری نیشابور، ناحیه بیست واقع  
در جلگه ولی معتدل، دارای ۲۲۸ تن سکه  
میباشد. فارسی زبانند، از قنات مشروب  
میشود، محصولاتش غلات، اهالی بکشاورزی  
و مالداری گذران میکنند، راه مارو میباشد.  
(فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۹).

**حسین آباد ناظم.** [ح س ر د] (راخ)  
دهی است از دهستان آورد زمین شهرستان  
ملایر واقع در ۲۴ هزار گری شمال باختر شهر  
ملایر و ۱۰ هزار گری باختر شوسه ملایر به  
پروچرد ناحیه بیست واقع در جلگه ولی معتدل  
مالارایی، دارای ۲۲۱ تن سکه میباشد  
فارسی زبانند، از قنات مشروب میشود.

محصولاتش، غلات انگور آبی دام، اهالی  
بکشاورزی، قالی بافی گذران میکنند - راه  
انومیل رو میباشد، یکدهستان چهار کلاسه  
پسران در این ده وجود دارند. (فرهنگک  
جغرافیایی ایران - ج ۶).

**حسین آباد کرک.** [ح س ر د س] (راخ)  
دهی است از دهستان یابند شهرستان نیشابور  
واقع در ۱۰ هزار گری جنوب باختری شهر  
نیشابور، هزار گری گیلان، ناحیه بیست واقع  
در دامنه سردسیر، دارای ۲۲۰ تن سکه  
میباشد، لری و فارسی زبانند، از رودخانه  
مغلی مشروب میشود محصولاتش، غلات،  
لبنیات، توتون، حبوبات، اهالی بکشاورزی  
و گلهداری گذران میکنند، راه مارو میباشد،  
ایل حسنوند و فولادونه در تابستان برای  
تعطیلات احشام یابند میآیند. (فرهنگک  
جغرافیایی ایران - ج ۵).

**حسین آباد کمال.** [ح س ر د س] (راخ)  
دهی است از دهستان تفت جلگه بخش  
قدیشه شهرستان نیشابور واقع در ۱۸ هزار  
گری شمال قدیشه ناحیه بیست واقع در جلگه  
ولی معتدل دارای ۱۹۹ تن سکه میباشد،  
فارسی زبانند از قنات مشروب میشود  
محصولاتش، غلات اهالی بکشاورزی و  
گرباس بافی گذران میکنند، راه ارابه رو  
میباشد. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۹).

**حسین آباد کمر زرد.** [ح س ر د س] (راخ)  
ده کوچکی است از دهستان نجف آباد  
شهرستان بیجاورد واقع در ۲۹ هزار گری شمال  
خاوری نجف آباد کنار رودخانه قزل آوزن  
دارای ۴۰ تن سکه میباشد. (فرهنگک  
جغرافیایی ایران - ج ۵).

**حسین آباد کوه خضر.** [ح س ر د س] (راخ)  
دهی از دهستان توابع ارسنجان بخش  
زرقان شهرستان شیخ از واقع در ۸۰ هزار  
گری خاور زرقان چهار هزار گری راه فرعی  
خضرتک به توابع ارسنجان، ناحیه بیست  
واقع در جلگه ولی معتدل و مالارایی، دارات  
مشروب میشود، محصولاتش، غلات، چغندر،  
اهالی بکشاورزی، قالی بافی گذران میکنند  
راه مارو میباشد. (فرهنگک جغرافیایی  
ایران - ج ۷).

**حسین آباد کوشکک.** [ح س ر د س] (راخ)  
(راخ) (دجوع به کوشکک بائین شود،  
حسین آباد کاشیها. [ح س ر د س] (راخ)  
دهی است جزء دهستان قراغین حومه شهرستان  
قم واقع در بیست هزار گری شمال باختری قم  
کنار راه آهن قم به تهران، ناحیه بیست واقع  
در دامنه معتدل، دارای ۱۲۰ تن سکه  
میباشد فارسی، کردی زبانند، از قنات لب  
شود مشروب میشود محصولاتش، غلات،  
لبنیات، اهالی بکشاورزی، گلهداری  
جوال، گلیم بافی گذران میکنند راه مارو  
میباشد، سکه این ده از نظایف کاشیها  
هستند. (فرهنگک جغرافیایی ایران - ج ۱).

**حسین آباد وزیر.** [ح س ر د س] (راخ)  
ده کوچکی است از بخش جعفر آباد -  
شهرستان ساوه، دارای ۱۳ تن سکه  
میباشد. (از فرهنگک جغرافیایی ایران  
- ج ۱).

**حسین آباد هیشلو.** [ح س ر د س] (راخ)  
دهی است جزء بخش زردند شهرستان ساوه  
واقع در ۲۲ هزار گری شمال زردند و ۲۰ هزار  
گری راه عمومی، سردسیر، دارای ۵۸۰ تن  
سکه میباشد ترک زبانند از قنات لب مشروب  
مشروب میشود، محصولاتش، غلات، چغندر  
قند، پنبه، بستن کاری، اهالی بکشاورزی و  
گلهداری و قالچه و جاجیم بافی اشتغال  
دارند، راه قرهی است، ساکنین از ایل  
اینالو هستند. (از فرهنگک جغرافیایی  
ایران - ج ۱).

**حسین آباد هیزم داشت.** [ح س ر د س] (راخ)  
دهی است از دهستان القودات بخش  
حومه شهرستان بیرجند واقع در ۱۸ هزار  
گری جنوب باختری بیرجند، ناحیه بیست  
کوهستانی ولی گرمسیر، دارای ۸۲ تن  
سکه میباشد، فارسی زبانند، از قنات  
مشروب میشود، محصولاتش، غلات، پنبه،  
اهالی بکشاورزی گذران میکنند، راه  
مارو میباشد. (از فرهنگک جغرافیایی  
ایران - ج ۹).

**حسین آباد هی.** [ح س ر] (راخ) حیدرین  
شریف احمد سریری صفوی، ساکن موصی  
(۱۰۳۶-۱۱۲۹ ق)، نوراست حاشیه بر  
حاشیه مبرز جان پانوی بر اتمات الواجب  
دوانی و حاشیه دیگر بر تعلیقات میرسد  
شریف (هدیه السوفین ۳۴۳۱).

**حسین آباد یان چشمه.** [ح س ر] (راخ)  
(راخ) ده مشروب است از دهستان چادگان  
بخش داران شهرستان فریدن. (فرهنگک  
جغرافیایی ایران - ج ۵).

**حسین آباد یسججه.** [ح س ر د] (راخ)  
شهرستان تهران، واقع در ۱۰ هزار گری جنوب  
علیشاهوس و ۱۰ هزار گری شمال ایستگاه راه آهن  
رواط کریم، ناحیه بیست واقع در جلگه ولی  
معتدل، دارای ۱۲۴ تن سکه میباشد،  
ترکی و فارسی زبانند، از قنات مشروب  
میشود، محصولاتش، غلات، باغات انگور  
اهالی بکشاورزی گذران میکنند، راه  
قرهی دارد. (فرهنگک جغرافیایی ایران  
- ج ۱).

**حسین آباد سکونی.** [ح س ر] (راخ)  
ایل محمد مکنی بابوعلی، از ابو عبدالله  
محمد بن بندر سماج دوست احمد بن ابوطیبه  
روایت میکند.

ابوعبدالله بن هدی، ناظر سیل اجازت در کتابت  
از ابن ابشکونی روایت میکند. (سمانی).  
**حسین آزاد.** [ح س ر] (راخ)  
پا میرزا حسین خان آزاد، از طایف  
غزل السلطان، سلطان مسعود میرزا

سرگردم ناصرالدین شاه بود و وی پسر مرحوم میرزا یوسف خان مستشار پستخانه بود که از آزادیخواهان و مطالبین اصلاح عصر خود بقلم میرفت بر او رساله پست در باب لزوم اصلاح خط کتبی فارسی باسم در سانه در وجوب اصلاح خط اسلامیه که بخط نستعلیق چاپ سنگی شده است ولی اسم مؤلف در خود رساله نیست.

امام مرحوم میرزا حسین خان از مدتهای مدیده باین طرف از خدمت عظمی السلطان استعفا داده و یازویا آمد و در یاریس متوطن گردیده بود و من [محمد فروزی] آن مرحوم را در اولیانی که در یاریس اقامت داشتیم از دور می شناختم زیرا که گاهی گاهی بکتابخانه ملی یاریس می آمد و یادگار بلوچه (۱) کتابدار قسمت شرقی کتابخانه یاریس بیامع منجبت مشرب که هر دو باقی درجه از نوع بشر بغایت متفکر و گریزان بودند (دقیق بود).

صاحب ترجمه باصطوخان خود یعنی ایرانیان بوجهن الوجوه معاشرت نمی کرد و هیچکس از ایشان را حتی آقای محمد خان ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران را نه بغایت خود راه میداد و نه یخانه آنها میرفت و اگر اتفاقاً در کوچه یکی از اینها وطن خود را میشد میگرفت.

آقای ممتاز السلطنه حکایت میکند که برای امری ضروری فوری لازم بود که با او ملاقات کنم و چون مطلقاً کسی را بمنزل خود راه نمیداد ندیبری بخاطر من رسید و صبح زود ساعت هشت که او این توزیع نامه های ریشی باشخاص شروع میشود یخانه او رفتم و در آبادستان او را بدست برسم فراموشی پست گویدم از داخل منزل صدای او را که می شناختم شنیدم که فریاد زد: کیست؟ من صدای خود را برای اینکه مرا شناسد تغییر داده گفتم: «فاکتور» (پستو فرایش پست) او فوراً در را باز کرد و من فرصت ندم که در را دوباره بعد از شناختن من ببندد و فوری خود را داخل آبادستان افکنم و تغییر عجیب حال او را از این شیره که خورده بود محسوس مشاهده کردم ولی خود را هیچ بیان راه ندم و او را هم شرم حضور و ادب مانع شد که کراحت قلبی خود را از حضور یکی از ایرانیان در منزل خود آن هم باین حیل و تزویر ظاهر سازد و دست بهم ندادم و مسئول صحبت شدیم باری من بملت همین نقره که روی از ایرانیان گریزان بود و بنا وجود بیستنهاده محکوم بلوچه که مرا با او آشنا سازد و بمنزل او برده بچوقت تقواستم با او آشنا شوم.

صاحب ترجمه در یکی از دو تألیف آنرا که خود از هر شبام و دیاهنش او و از اینکه انگلیسیها ترجمه رباعیات خیام را در تمام اروپا و امریکا از پرتو ترجمه قیتر جلال

منتشر و مشهور کرده اند بدست انتقاد کرده و در حق آن حکیم و شاعر بزرگکلمن زده است.

مرحوم آزاد در مجموعه از منتخبات اشعار و رباعیات فارسی یکی باسم «گنزار میرفت» دیگر باسم «صیغ امید» با ترجمه جداگانه هر یک از دو کتاب مزبور برانسه در سنوات ۱۹۰۶ و ۱۹۰۹ م. در لیسن از بلاد هلند بطبع رسانیده است که در غایت نفاست است.

وی در ماه مارس هزار و نهصد و سی و شش میلادی مطابق ۱۳۰۵ ق. در نتیجه تصادم اتومبیلی وفات یافت و کتابخانه بسیار جامع نفیسی هدیم الغضیر او را بتوسط کتابفروشی معروف (کولریج) در لندن بخرید متفرقی کردند.

(وقایع معاصرین بقلم آقای محمد فروزی در مجله یادگار سال سوم شماره چهارم) باید توجه داشت که کسی که در آغاز در شمار آزادیخواهان اصلاح طلب بوده و در پایان مجموعه اشعار فارسی خود را چاپ میکند نمیتواند از همه ایرانیان منتظر باشد پس شاید از مأمورین دولت و وابستگان بایشان در خارج دوری می جست است. رجوع به حاشیه شد الا از ارمی ۲۱۶ شود.

**حسین آزاد** [ح س ن] (رخ) دهلی (محمد ... ) ملقب به شمس العلماء در گذشته ۱۳۲۰ ق. اوراست «آب سبات» که تذکره شرای هند است. (ذریعه ۱: ۳۹-۴۰: ۱۱۱)

**حسین آلان** [ح س ن] (رخ) دهلی است از دهستان چهار اویاق یعنی قره آقاج شهرستان مراغه واقع در ۴۹ هزار کیلومتر شمال خاوری قره آقاج و ۸ هزار کیلومتر جنوب شوسه مراغه بعیانه ناحیه پست کوهستانی ولی مثل «الاربابی» دارای ۱۷۵ تن سکه میباشد ترکی زیاتند از رودخانه قرانقو مشروب میشود محصولاتش غلات قند و بزرگ اهلی بکشاورزی گذران میکنند صنایع دستی حاجیم بافی راه مازرو است (الا فرهنگ جغرافیایی ایران - ج ۴)

**حسین آل عصفور** [ح س ن] (رخ) دهلی (رخ) رجوع به حسین صفوری شود.

**حسین آلی** [ح س ن] (رخ) این عبدالله چلبی آذربوئی حقی متخلص به آلی در گذشته ۱۰۵۰ ق. یک تاریخ صومی بترکی نگاشته در روان شر ترکی دریاش انتراجم و جز آن بزرگی دارد (هدیه المنقوشین ۱۱: ۲۲۲)

**حسین آملی** [ح س ن] (رخ) این سعد بن حسین بن محمد آمدی شاعر

تذکراتش در آمد مولد شد و بغداد آمد و به نام رؤف و باصفهان بازگشت ساکن شد و در آنجا در ۴۴۱ ق. ۲۰۵۴ م. در گذشت مؤلفاتی دارد (معجم الاصبیا یا ثروت ۲۹۹۹ و معجم المؤلفین)

**حسین آملی** [ح س ن] (رخ) رجوع به حسین آملی شود.

**حسین آملی** [ح س ن] (رخ) رجوع به حسین خلیفه سلطان شود.

**حسینان** [ح س ن] (رخ) شهرست از هندوستان گرمسیر بر ساحرا نهاده (حدود العالم).

**حسین آوی** [ح س ن] (رخ) این محدثین اثرضا آوی طبری شاعر آخرسنه هتم و آغاز هشتم ادیب مترجم بود و اوراست ترجمه معاصران صفهان از مفضل بن سعد مازرونی که بسال ۷۲۹ ق. بیابان رسانیده و مستریر آنرا در ۱۹۰۱ م. بانگلیسی ترجمه چاپ کرد و عباس اقبال ترجمه فارسی آوی را در سال ۱۳۲۸ ش. در تهران بخش کرده است اشعار آوی در صفحات ۷۰۶-۲۵۰۲۴-۲۳۰۳۱-۲۴۱-۱۵۸-۱۹۹-۹۰۳-۱۱۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۰ آن کتاب درجه میشود.

**حسین آیلدینی** [ح س ن] (رخ) این علی رومی متکلم حقی در مغنیسا در ۱۳۱۴ ق. ۱۲۹۸ م. در گذشت حاشیه بر حاشیه شریفی بر شرح صفدی دارد (معجم المؤلفین و هدیه المادین ۱: ۲۲۸)

**حسین آیلدینی** [ح س ن] (رخ) رجوع به حسین قره تپانی شود.

**حسین آفری** [ح س ن] (رخ) این کمان الدین علی رجوع به حسین علی شود.

**حسین ابرش** [ح س ن] (رخ) رجوع به حسین ابن موسی بن محمد شود.

**حسین** [ح س ن] (رخ) این ابراهیم ابن حمزه بن خلیل شری بر صله ابن سینا در نفس و روح و الالی و «نمایه الامانی» در شرح تصریف هری زنجانی دارد که در رمضان ۱۰۰۰ ق. نگاشته است (هدیه المنافع ۳۲۰۱ و کشف الظنون)

**حسین** [ح س ن] (رخ) این ابراهیم ابن احمد رجوع به حسین نظری شود.

**حسین** [ح س ن] (رخ) این ابراهیم بن خلیل مناوی عمام الدین اوراست و شرح ارجوزة سوطی موسوم به التبیات عند النبیت (کشف الظنون)

**حسین** [ح س ن] (رخ) این ابراهیم بن زولاق متوفی در ۳۸۴ ق. رجوع به ابن زولاق در همین المانام و کشف الظنون شود.

**حسین** [ح س ن] (رخ) این ابراهیم ابن منصور رجوع به حسین فروزی شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن ابراهیم  
تفلیسی رجوع به حبش تفلیسی و مقعده  
این گفتله در ۲۸۵ هجری.

حسین [ح س] (راخ) ابن ابراهیم بلوچ  
ابو سهل مدینی محدث اصفهانی است  
(ذکر اخبار اصفهان ۱: ۳۸۰).

حسین [ح س] (راخ) ابن ابراهیم  
غواص مکنی با ابو منصور سنجری سجری  
رجوع به حسین سنجری و کشف الظنون در  
ذیل «هون التماسیر» شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن ابوبکر لغز  
الدین اشعری مکنی با ابوالکلام و ملقب به  
عین الملک ممدوح محمد کاتب بلاغی است  
رجوع به فهرست لیاق الالباب جلد دوم چاپ  
ارویه شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن ابوبکر نعوی  
رجوع به اسکندری شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن ابو  
الربیع رجوع به حسین کلایی ابن عبد  
الرحیم شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن ابو سعید  
الزلزال رجوع به حسین کلایی ابن عبد  
الرحیم شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن ابوسید  
از جناب مأمون عباسی بوده است رجوع  
به التاج جلد ۱ ص ۱۹ شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن ابوغنبر  
کوفی اولاد امام صادق روایت دارد در  
صفوان بن یحیی از وی - (ذریعه ۲: ۱۴۷)

حسین [ح س] (راخ) ابن ابی  
منصور رجوع به حسین بن علی بن ابومیسر  
شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
بطویه مکنی با ابوعبدالله نعوی اشعار وی  
در معجم الادب ۴: ۲۵ آمده است و رجوع  
بهروضات الجنات خوانساری ص ۲۳۸  
شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
جعفر مکنی با ابوعبدالله کوسج محدث  
اصفهانی است (ذکر اخبار اصفهان ۱: ۲۸۵)

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
حجاج رجوع به ابن حجاج شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
حسین رجوع به ابن جزری و نامه دانشوران  
۲۲۸: ۲ و زر کلی ۲: ۲۴۶ چاپ اول شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
حسین زوزنی رجوع به حسین زوزنی و مقعده  
تتنامه ص ۲۶۶ شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
خلویه رجوع به ابن خلویه و معجم الادب  
۱: ۱۱۴ شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
حیران بغدادی مصنف علی طبری در

بشارة السعفی از وی روایت کرده که  
از حوزه دزهره دزد و سیوطی در بنیه نیز  
و بر ایاد کند (ذریعه ۲: ۲۱۰).

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
سعدان شیرازی مکنی با ابوعبدالله

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
طیان صوفی مصیعی اصفهانی محدث است  
(ذکر اخبار اصفهان ۱: ۲۸۳ و ذریعه  
۲: ۲۶۶).

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
مصعب بن جعفر بغدادی شاعر متوفی ۳۹۶ ق  
رجوع به ابن حجاج و کاتب بغدادی و  
هدیه المارقین ۱: ۲۰۷ و معجم الادب  
۱: ۶ و زر کلی ۱: ۲۴۵ و بیمة الدهر  
تعالی شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
محمد بن زکریا مکنی با ابوعبدالله شیعی  
رجوع به ابوعبدالله مستب و زر کلی ۱: ۲۴۵  
شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
محمد بن محمد محدث اصفهانی است و در  
۳۵۹ ق درگذشت (ذکر اخبار اصفهان  
۱: ۲۸۲).

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
یعقوب یا حسن بن احمد از بنی همدان حکیم  
و فیلسوف و جنرال و ادیب و سبستان است  
از اهالی رمن بود در زندان همدان در ۴۴۳ ق  
۹۴۰ م درگذشت رجوع به ابن حاکم و  
زر کلی ۱: ۲۴۵ و حسن بن حاکم شود و  
در جانی او را ابن ذی الدین نوشته اند.

حسین [ح س] (راخ) ابن احمد بن  
رجوع به حسین مادرانی شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن اسحاق بن  
ابراهیم بن زید کاتب معروف با ابن کزیم  
و ابواحمد و درگذشته ۳۰ ق (هدیه المارقین  
۱: ۳۳۲ و نامه دانشوران ۳: ۲۸۳ و عبون  
الالباب ابن ابی اسویه و اخبار الحکامی فقهی)  
و رجوع به ابن کزیم شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن اسحاق بن  
صباح شازلی محدث اصفهانی است و پس از  
۲۰۰ ق درگذشت (ذکر اخبار اصفهان  
ج ۱ ص ۲۷۹).

حسین [ح س] (راخ) ابن اسحاق  
اصفهانی محدث است (ذکر اخبار اصفهان  
ج ۱ ص ۲۸۰).

حسین [ح س] (راخ) ابن اسد  
دهستانی مؤیدی رجوع به حسین دهستانی  
شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن اسکندر  
دومی حنفی درگذشته ۱۰۸ ق اود است  
الجوهرة المنيرة في فروع و الجوهرة المنیقة و  
مقدمة فی الفروع و جز آنما (هدیه المارقین  
۱: ۳۲۲).

حسین [ح س] (راخ) ابن اسد  
رجوع به حسین معامنی شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن اشکب  
مرزوی سرکندی کشی استاد هیاشی و کشی  
بود و هیاشی او را در فهرست معرفی کرده  
است اود است فاردهلی من زعم ان اللی  
کان علی دین قومه و جز آن (ذریعه ۱: ۲۰۰  
و ۲۲۷).

حسین [ح س] (راخ) ابن اویس  
(شیخ ..... ) یا (سعدان ..... ) یکی از  
فرمانروایان آل جلازیر است که از ۲۷۶ تا  
۲۸۴ ق فرمانروا بود رجوع به آل جلازیر  
مرآت البلدان ۱: ۳۹۹ و تاریخ گریسه  
۷۱۵ - ۷۲۱ و تاریخ مفضل ایران اقبال  
آشتیانی ص ۴۶۵ چاپ اول شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن اهدل  
رجوع به حسین بنی و حسین اهدل شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن اهوازی رجوع  
به حسین اهوازی شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن ایاز رجوع  
به حسین بن یزید بن ایاز شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن ایوب اود است  
کتاب حدیث که حسن بن محمد بن سعید  
متوفی ۲۶۲ ق از وی نقل کنند (ذریعه ۱: ۲۲۴  
بنقل از فهرست طوسی و عبون الانبار  
۲: ۱۲۵).

حسین [ح س] (راخ) ابن ابوبه قسی مکنی  
با ابوعبدالله ابن علی بن حسین بن موسی بن  
ابوبه قسی حسین بن القشیری از وی  
روایت کنند اود است «التوحید و تنی التشیه»  
و دارد علی الواقعه و جز آن (ذریعه ۱: ۱۰۰)  
وی در ۲۷۸ ق = ۹۷۸ م زنده بوده است  
رجوع به اصفهان التشیه ۲۷: ۲۸ و معجم المؤلفین  
روضات ۱۸۳ و نامه دانشوران ۱: ۲۱۶ و  
به ابن ابویه در معجم الفتنه شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن باقر ابن محمد  
بنی (صاحب حاشیه معالم) معروف با  
نجفی اصفهانی (۱۲۶۶-۱۳۰۷ ق) اود است  
امانة البرائة (ذریعه ۱: ۱۱۴ و ۲۷۹).

حسین [ح س] (راخ) ابن یزید بن  
عبدالله بغدادی نعوی ملقب به جمال الدین و  
مکنی با ابومحمد و درگذشته ۶۸۱ ق اود است  
مسائل الخلاف فی البحر و جز آن (هدیه  
المارقین ۱: ۳۱۳ و روضات ۸-۳).

حسین [ح س] (راخ) ابن یسار آمدی  
اود است الموازنة بین العلافین ابوتام و  
البحری وی در ۲۷۱ درگذشت (کشف  
الظنون).

حسین [ح س] (راخ) ابن یلال ابن اذهر  
مکنی با ابواحمد از اهالی سیستان بوده است  
رجوع به تاریخ سیستان ۲: ۳۱۳ و احوال  
رودکی ص ۴۸۲ و ۴۸۳ شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن یویه برادر  
سرالدوله بن یویه دیشی ملقب بر کن الدولة  
حاکم اصفهان و امواز بود رجوع به آل یویه  
وز کن الدولة شود.



حسین . [ح س] [راخ] بن شیب مکتب .  
محدث اصفهانی است . (ذکر اخبار اصفهان  
۲۸۱۱)

حسین . [ح س] [راخ] ابن جانداز . رجوع  
به حسین جانداز شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن جید . مکتبی  
با پوز عبدالله . کوراسته و الاعتیاره و و نقیب  
المتاقب . وی از این شهر آشوب م ۵۸۸ ق .  
پواسنه نجیب الدین علی بن فرج سوزاری  
روایت کند . (ذریعه ۲۲۱۰۲ و ۲۲۱۰۳ و ۴۱۰ و  
۶۱۰۳)

حسین . [ح س] [راخ] ابن جعفر بن احمد  
زیرقان ممدله محدث اصفهانی است . (ذکر  
اخبار اصفهان ۲۸۱۰۱)

حسین . [ح س] ابن جعفر مراغی . رجوع  
به حسین مراغی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن جمال . رجوع  
به حسین قهستانی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حجاج . رجوع  
به ابن حجاج و حسین بن احمد بن محمد شود .  
حسین . [ح س] [راخ] ابن حساب . رجوع به  
حسین غیانی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حسن . رجوع  
به حسن و ابوالحسن عتباتی و حسین حبیبی  
و حسین موسوی و حسین دمیاطی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حسن بن علی  
عطاروی محدث است . از طبرستان باصفهان  
آمده است . (ذکر اخبار اصفهان ۲۸۰۰۱)

حسین . [ح س] [راخ] ابن حسن بن محمد  
غضائری . رجوع به غضائری شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حسن بن مهران  
شیاط مکتب در گذشته ۲۵۴ ق . محدث  
است . (ذکر اخبار اصفهان ج ۱ ص ۲۷۸)

حسین . [ح س] [راخ] ابن حسن فارسی .  
اوراست . کتاب تعدیت و برقی لازوی روایت  
دارد . (ذریعه ۲۲۲۰۶) و رجوع به ابو  
عبدالله و حسین حبیبی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حسن هروی .  
رجوع به حسین امیر حسینی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حسین ملقب  
به اختصار امیر المؤمنین عم شمس الدیالی و  
بر اندر مسعود بن حسین یوخته است .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حسین ملقب به  
نظام الدین شاه مسعود پناه الدین کریمی  
سمرقندی است . (کتاب الالباب ۳۶۹۰۲)

حسین . [ح س] [راخ] ابن حسین . زنده  
بیراهن ۱۸۶۸-۱۸۳۸ م . آخرین دایه  
(حاکم) الجزایر بود . در ازمیر متولد شده  
است . با انگلیسها و فرانسویان جنگیده و  
مقلوب گردید و الجزایر به دست فرانسویان  
افتاد . (العاجد)

حسین . [ح س] [راخ] ابن حسین قهستانی .  
رجوع به حسین قهستانی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حفص بن فضل  
نواده عطاء تشک [ح] است که معله می در

اصفهان بنام وی بوده است . وی در ۲۶۲ ق .  
در گذشت . حدیثی در ذکر اخبار اصفهان  
ج ۱ ص ۳۷۴ و مصنف سبستانی ص ۱۶۷ از  
وی آورده اند . این ندیم گویا وی را وی  
و جامع کبیر . سفیان توری میباشد .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حمدان . رجوع  
به حسین حمدانی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حمزه . رجوع  
به حسین بن ابراهیم بن حمزه و نیز به حسین  
بالی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حمید . رجوع به  
حسین خزاز شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حمید بن قمر  
کرکی هاملی . رجوع به حسین کرکی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حیدر علی  
شوشرقی . شاکر در اصلاح ملائذاتی است  
و از وی در ۱۰۷۶ ق . اجازت دارد . اوراست  
اعمال السنة (ذریعه ۲ = ۲۴۴)

حسین . [ح س] [راخ] ابن خالو به همدانی .  
مکتبی با یوم عبدالله پنداری نحوی . متوفی در  
حلب در ۳۷۰ ق . صاحب جبل و انصار و  
جز آنها . رجوع به هدیه المارقین ص ۶۰۹  
و اعلام و زر کلی ص ۲۴۵ و مجمع الادب  
و نامه دانشوران ص ۶۹۱ و ابن خالویه در  
مدینه اختتامه شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن خرمیل ملقب  
به عزالدین . از ارکان دولت قوری . رجوع  
به تاریخ جهانگشای جوتی ج ۲ ص ۶۵ و  
۶۲ و عیون الانبیا ابن ابی اصیبه ج ۲  
ص ۶۳ و کشف القوریان در این تشتمه شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن خسرو . رجوع به  
حسین بلخی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن خصب . یا حسن بن  
خصب . از اعلام علم نجوم و در علم تبدیل  
کواکب قوی بود . اوراست . فرجی مشهور و  
کتابی در موالید . (از طایفه الامم قاضی ماهد  
اندلسی)

حسین . [ح س] [راخ] ابن خضر نسفی .  
رجوع به حسین نسفی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن خطیر نامه اتی .  
مکتبی با یوعلی متوفی ۵۹۸ ق . اوراست  
> اخلاق الصحابة و التابعین و اتفقها >  
(کشف الظنون)

حسین . [ح س] [راخ] ابن خلیل (حجاج  
میرزا) . رجوع به حسین خلیلی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن خبیب . رجوع  
به حسین موصلی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن خوجه . ادیب  
و نویسنده و مورخ و فقیه بود در ۱۲۶۶ ق .  
در گذشت . اوراست . خلاصه انقول در سمیرت  
رسول و جز آن (مجموع المؤلفین از التریا  
یتوس)

حسین . [ح س] [راخ] ابن داود حلی .  
صاحب رجال معروف با ابن داود . اسماعیل  
پاشا در هدیه المارقین و محمد بن سلیمان

تنگابنی در قصص العلماء اورا حسین الحیده اند  
ولیکن حسن دوست بیتانکه خودش در رجال  
خود یاد میکند رجوع به حسن حلی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن حیدر . رجوع به  
حسین حلی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن دهبل بن دزین  
ابن سلیمان خزاعی شاعر معروف با ابن دهبل  
(ذریعه ۲۳۰۹) و دیوانش ص ۳۰ و در فقه  
بوده است . (ابن القسیم)

حسین . [ح س] [راخ] ابن دندار حلی عتقی .  
رجوع به حسین نصیر آتشی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن ذکریه . رجوع  
به حسین بن ذکریه شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن دسمن رومی .  
رجوع به حسین کفوی و حسین حبیبی  
شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن رشید رجوع به  
حسین نقوی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن رشیدی . رجوع  
به حسین تعلبی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن روح نویسنده .  
رجوع به حسین توبختی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن زکریه و مفر معلی  
ملقب صاحب الشاه (المصرح ص ۸۸) در ایام  
مکتبی بر پیش از بلاد شام استیلا یافت و  
بلوازم قتل و غارت قیام نمود و در بیان بدست  
محمد بن حسین کشته شد و پدرش ذکریه  
مدتها پس از وی در راه مکه به قوام خود  
ادامه میداد تا در ۲۹۴ ق . کشته شد و  
بعینی بن ذکریه کلاوی دنبال همی کرد .  
(حسب السیر ج ۲ ص ۲۸۷ و تاریخ الخلفاء  
ص ۲۵۱ و فهرست تجارب الامم و غیر البتاهه  
ص ۲۲) و در حسیب السیر ج ۲ ص ۱۰۴ ذکر کرده  
با ذال دره میشود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن زیاد . رجوع  
به ابوعلی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن زید الشیبه  
ابن علی ابن الصوفی بن علی بن ابی طالب (۷۳۲  
۸۰۶-۱۱۴-۱۹۰) ملقب به حسین فی النعمه  
مدنی کوفی . از مؤلفان شیعه به حساب آمده  
است (اعیان الشیعه ج ۲ ص ۸۱-۹۳ مجمع  
المؤلفین و ذریعه ص ۲۲۳) و رجوع به ابو  
عبدالله شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن زینب علی .  
رجوع به حسین فارسی شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن زینب [ذکر]  
رجوع به حسین بن طاهر بن زینب شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن زینب العابدین  
رجوع به ابن ابیوب و تاریخ گزیده ص ۲۰۴  
شود .

حسین . [ح س] [راخ] ابن سام فوری .  
رجوع به غوریان در همین لغتنامه و حسیب السیر  
و تاریخ گزیده ص ۲۰۷ و قاموس الاعلام  
ترکی شود .

حسین. [ح س] [راخ] ابن محمد بن حسین بن محمد آمدی مکتبی یا بوهلی. رجوع به معنی آمدی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن سید اهوازی رجوع به معنی اهوازی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن سکره رجوع به حسین صفتی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن سلیمان رجوع به حسین رشیدی و حسین حکیم و حسین طائی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن سید بن همره اوراست کتاب الحدیث. (ذریعه ۳۲۴، ۶)

حسین. [ح س] [راخ] ابن سینا. رجوع به ابوعلی ابن سینا شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن شیبین بشر مکتبی یا بومحمد نسوی محدث اصفهانی است و پس از ۲۰۰ ق. در گذشت. (ذکر اخبار اصفهان ۲۸۳، ۱)

حسین. [ح س] [راخ] ابن شدم. شعرو احوال در سالتالصر ص ۲۵۳ آمده است وی با علی بن حسن بن شدم است. (ذریعه ۲۴۸، ۶)

حسین. [ح س] [راخ] ابن شعل. رجوع به حسین شعل شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن شیبان محمد سنجی مکتبی یا بوهلی. رجوع به حسین سنجی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن شهاب الدین گیلانی شافعی معروف باین قانون و لقب به پدر الدین او است شرح خطب انوار التنزیل وی در ۸۸۹ ق. = ۱۴۸۴ م در گذشت. (معجم المؤلفین از ایشاح المکتون و هدیه المارون ۴۱۶، ۶)

حسین. [ح س] [راخ] ابن شهاب الدین جاندار رجوع به حسین خاندار و حسین کرکی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن صالح خاتون آبادی. رجوع به حسین خاتون آبادی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن صالح بن خیران رجوع باین خیران و صفوة الصفوة ۲۵۴، ۲۲ شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن صالح از ندرانی داماد مجلسی. اوراست حاشیه بر من لایحصره الفقه (ذریعه ۶ = ۲۲۴).

حسین. [ح س] [راخ] ابن صبی. کسی است که بشرین المشر کتابی درود بردی نوشته است. (ابن الندیم).

حسین. [ح س] [راخ] ابن ضحاک ابن یا سر بصری معروف بخلج. رجوع به حسین خلیج شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن ضاهر بن زیه [ز س] اصفهانی متولد اصفهان و مکتبی یا بومصروف معروف باین زینه. دانشمند ریاضی و طبیعی و موسیقی دان، شاگرد ابن سینا است و طبعیات شفا را مختصر کرده و سی بن حفظان

را شرح کرده و اوراست «الکافی» در موسیقی (معجم المؤلفین و تاریخ الحکمی تفسی ص ۹۹ و کتاب سوان الحکمه ۹۲ و شهر ذری ۶۲ و کشف الظنون و اعلام زر کلی ۲۷۸، ۲ و پرو گمان ۱۰۶، ۱۵۸ و تاریخ علوم عالی) و رجوع به ابن زریله شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن ظاهر ابن محمد بن عمرو ابن لیث صفار. از خاندان صفاری. رجوع به آل صفار و صفاریان و تاریخ سیستان و ترجمه تاریخ رشتی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن طلحه صالحی بندهانی دورا در کله صالحی (ص ۳۴۶) یاد کرده است.

حسین. [ح س] [راخ] ابن طنجرازی اوراست عدایه در نرسل (کشف الظنون).

حسین. [ح س] [راخ] ابن هالم حسینی رجوع به حسین امیر حسینی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن هبام. رجوع به حسین خاقانی و حسین رومی.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالحق رجوع به حسین اردبیلی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالحق رجوع به حسین بنی و حسین مدالی و حسین رومی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالرحیم برادر عمران بن عینا رحیم محدث اصفهانی است (ذکر اخبار اصفهان ۲۸۳، ۱).

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالسلام شاعر عرب رجوع به جمل و رجوع به ابو عبدالله شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالعزیز فهری. رجوع باین ابوالاحوس و حسین شالوسی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله لام رقانی. رجوع به حسین صباوی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالعلی رجوع به حسین تبریزی. شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالقادر رجوع به حسین کوهانی و حسین صفهانی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالکریم جزائری. رجوع به حسین جزائری شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالشهبان احمد بن عبدالجبار مکتبی یا بوالفتح معری و معروف باین ابن حسین شاعر عرب و در سروج در شعبان ۲۷۴ ق. در گذشت. اشعار وی در معجم الادب ۱۰۴، ۶۴ - ۲۵ آمده است.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن جعفر الصادق دوازدهمین امام اسماعیلیه است.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن احمد خرمی رجوع به حسین خرمی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن

الجصاص. رجوع به جصاص در حسین لکنانه و الجواهر ص ۲۲ شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن حمدان ملک بناصر الدوله و مکتبی یا بومحمد از ملوک سغدانی است. رجوع به حمدانیان و ناصر الدوله شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن حبران رقی. ابوعلی اصفهانی. حدیثی از وی آمده است. (ذکر اخبار اصفهان ص ۱ ص ۴۷۷).

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن رواحه. رجوع به حسین خموی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن سینا. رجوع به ابن سینا.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن عبدالعزیز فهری بنی. رجوع به ابوعلی حسین ... و حسین فهری شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن تراز اسواری محدث اصفهانی است (ذکر اخبار اصفهان ۲۸۳، ۱).

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن یوسف بن احمد بن شبل مکتبی یا بوهلی بندهای رجوع به حسین بندهای شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله رومی. رجوع به حسین سعدی و حسین دافقتانی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بن محمد بن ایشویخ ارموی مکتبی یا بوعبدالله ساکن مصر بوده و منقاد در ۴۶۰ ق. در گذشت (نیاب و انساب سغانی).

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله بصری رجوع به حسین بصری شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله و اصفهانی محدث اصفهانی است. (ذکر اخبار اصفهان ص ۱ ص ۲۷۸).

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالوهاب شخص ناشناس است که «مبوت الحجرات» را تألیف کرده است و این کتاب مختصر است از کتاب «مبوت الحجرات» و گویند در قرن پنجم جزبسته است. (ذریعه ۱۲۴، ۲) و اعیان الشیعه و معجم المؤلفین و روایات ۴۸۳).

حسین. [ح س] [راخ] ابن عبدالله. رجوع به حسین فضایری.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عتیق رجوع به حسین تنلیوی شود.

حسین. [ح س] [راخ] ابن عثمان بن رواسی. کتاب الحدیث دارد (ذریعه ۱۶ ص ۲۲۱).

حسین. [ح س] [راخ] ابن عثمان بن زیاد شریک عاصری کوفی و حینی. کتاب حدیث دارد (ذریعه ۱۰۶، ۳۲۴).

حسین. [ح س] [راخ] ابن عثمان الاحمسی. کتاب الحدیث دارد (ذریعه ۶ ص ۲۲۴).

حسین [ح س] (راخ) ابن همدان در ۹۰ ق. پشاکردن خود، شیخ حمزه اجازه روایت تألیفات خویش داده است (ذریعه ۱۸۶۱). حسین [ح س] (راخ) ابن عربیه رجوع به حسین بن ولید بن عمر شود. حسین [ح س] (راخ) ابن عثمان بن محمد ابن عبد المنعم ابن هاشم برآز واسطی قرشی، خطیب بقاء دوزی روایت کرد در ۷۶ ق. در گذشت. شعر او در معجم الادباج ۱ ص ۷۸ آمده است.

حسین [ح س] (راخ) ابن علاء اللؤلؤ ابن سلطان احمد جلایز از ۸۳۷ تا ۸۳۶ ق. حکومت کرد. رجوع به آل جلایز و مرآت البندان ۱، ۴۹۹ و تاریخ مفصل اقبال ج اول ص ۴۶ شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن علوان کلی کوفی کتاب حدیث دارد (ذریعه ۳۲۴۱۶).

حسین [ح س] (راخ) ابن ضی مکنی بابو هلی محدث است و از احمد خلیل روایت دارد. و تألیفی در حدیث دارد. (مسجد المؤلفین از طبقات العنایة ۱۰۱ - ۱۰۲).

حسین [ح س] (راخ) ابن علی مثنوی حدود ۸۳ ق = ۱۴۲۷ م. اوراست منصف المداری فی شرح القصدی (معجم المؤلفین و ایضاح المکتون ۱۲، ۵۸۰).

حسین [ح س] (راخ) ابن علی آل کاشف الغطاء رجوع به کاشف الغطاء شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن علی ابن ابی طالب هاشمی قرشی مکنی بابو عبدالله امام سوم شیعه اثنی عشریه و پنجمین زن از اصحاب کساء. وی در مدینه بسال چهارم هجرت در سوم شعبان از فاطمه دختر پیغمبر (س) متولد گردید و دومین پسروی بود. دشمنی شدید میان بنی امیه و بنی هاشم پس از قتل وی پدیدار گشت و منتهی با تراض امویان شد. زیرا که چون معاویه پسرخویش یزید را بولایت مهد منصوب کرد حسین ابن امر را خلاف دستورات اسلام تشییع داد و پس از مرگ معاویه و جانشینی یزید با وی بیعت نکرد و با گروهی از بزرگان از مدینه بسکند و چند ماه ماند. پس همگراان پدرش از کوفه وی را دعوت بقیام بجلافت کردند و خود را با لشکری آماده یاری او در سرنگون ساختن امویان اعلام کردند.

پس حسین نخست پسرخویش مسلم بن عقیل را برای گرفتن بیعت پیشاپیش خود بسکوفه فرستاد و خود با زنان و کودکان و نزدیک همتادان از بزرگان بدرنگی وی بطرف عراق حرکت کرد. اما یزید چون از حرکت حسین آگاه شد این زیاد را از بصره با لشکری بطرف کوفه فرستاد و او کوفه را گرفته و مسلم را بتفصیلی که در کلمه «مسلم» میآید بکشت و سپس لشکری بجلو گیری از حسین فرستاد این لشکر با سرداری امر این سید

در زمینی که بعداً بنام بخار و کربلا و حاضر به سر دوشه راه بر حسین پیگر فتند و پس از زد و خورد و هلاک حسین و حدود هفتاد و دو تن از یارانش را کشتند و این در روز جمعه دوم محرم سال ۶۱ هجرت بود و سپس یازماندگان وی را اسیر کردند. باسر او پشام نزد یزید فرستادند و یزید پس از بیعتی دستور داد زنان و کودکان امیر را ببنده بازگردانید و سر حسین را دقت گردید مدفن سر حسین را برخی در شهر دمشق برخی در قاهره و برخی در کربلا همراه جسد او نوشته اند و تا کنون چندین مرقده و زیارتگاه در آن اماکن بنام وی شهرت دارد. فرزندان وی را سادات حسینی نامند چون نکمندان منسوب به برادرش حسن را سادات حسنی نامند. در ادبیات شیعی وی را بلقب شهید و سید الشهداء و غمناک آنجا و شیر و سبد شبای اهل الجنة خوانند. حسین بن علی در ادبیات قدیم فارسی نمونه شجاعت و پایداری و نشانه مظلومیت و بردباری و ایستادگی در برابر ظلم است.

خون حسین آن چشیده در صبوح دین بخورد ز اشک صالح کباب ناصر خسرو.

ازین حور عین و قرین گشت پیدا حسین و حسن شین و سیم معصوم ناصر خسرو.

حسین و حسن را شتاب حقیقت بدو جهان گل و با سبزه محمد همان نصیب.

ز سده از خلف یک خلف بود چو حسین که اندک احمد بختی رام لوزید خاقانی.

لقب شیر بر ای حسین بن علی هم در اشعار زیر دیده میشود.

ای ناصی اگر تو مقری بدین خویش جیگر امام تست شیر آنگهی شیر ناصر خسرو.

من یانوتیم که شرم دارم از فاطمه و شیر و شیر ناصر خسرو.

چنگویی بمحشر اگر بر سبت بر آن عهد محکم شیر یا شیر ناصر خسرو.

از کلمات آنحضرت است :

الناس عیبه الدنیا والدین لبق علی الستمم شیخ حسین خلیفای اشعاری منسوب بحسین بن علی را جمع کرده و خیابانی در دیوان المعصومین آنهارا چاپ کرده است.

کتاب زیر در باره زندگانی حسین (ع) نگاشته شده است «ابوالشهادت حسین بن علی» از عباس محمود عفا و «حسین بن علی» از عمر ابوالنصر و «الحسین علیه السلام» از علی جلال حسینی و پیش از ایشان «ماربوع» فیضوف آلغانی کتابی بنام «الساسة الاسلامیه» در گزارش تفصیلی داستان شهادت

سیدالشهدا حسین نگاشته که بر بانهای دیگر و الاجله بر بی و فارسی ترجمه شده است. برای احوال وی تاریخ طبری و تاریخ ابن اثیر و تاریخ الخلفین ۲، ۲۹۷ و تاریخ یعقوبی ۲، ۲۱۶ و صدوق الصنوعه ۱، ۳۳۶ و ذریع المذنبین ۱۶ و حین الصحابة ۸۷ و بنیاد این صاحبزادگان ۳۱۲، ۴ و شعلط مبارک ۱، ۹۳ و مقال الطالیبین ۴، ۶۷ دیده شود و رجوع به دیوان خاقانی و دیوان ناصر خسرو صفحعات ۲۹، ۳، ۸۷، ۳۲۲، ۱، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۱۶، ۵۰، ۵۱، ۵۸، ۶۱، ۶۹، ۱۲۲، ۱۹۲، ۱۹۶، ۲۸، ۱۹۲، ۱۰۰، ۲۲۳، ۶، ۲۹، ۵، ۱۴، ۶۴ شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن علی ابو منصور سوفی (۵۹۵، ۶۸۲ ق.). اوراست الرساله (مدیه العارفین ۳۱۳۰).

حسین [ح س] (راخ) ابن علی بن احمد اسوادری قسطنطین است در ۸۱ ق. در اسقهان در گذشت. (ذکر اخبار اصهبان ۲۸۵۱).

حسین [ح س] (راخ) ابن علی بن بابویه رجوع بحسین بابویه شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن علی بن جعفر بن ماکول رجوع به حسین جرفادانی شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن علی بن حسن بن محمد رجوع به حسین هاشمی شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن ضی بن حسن بن حسن مثنوی رجوع بحسین بن محمد شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن علی بن حسین رجوع بحسین مغربی و حسین طبری و حسین قصبی و حسین اولی و حسین حاسینی و حسین واسطی و حسین بن بابویه شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن علی بن عبدالرحمان حسینی یا خصیبی لقب بجمال الدین مغربی نقوی شاعر اوراست «الجوهرة» در قرأت و دیوان شعر و جز آنهار در ۹۶۳ ق = ۱۵۵۶ م. زنده بوده است. (کشف القلوب و معجم المؤلفین و هدیه العارفین ۱۹، ۳۱۸).

حسین [ح س] (راخ) ابن علی بن علی ابن حسین رجوع بحسین صیرفی شود.

حسین [ح س] (راخ) ابن علی بن محمد بن عبدالعزیز بن عون از فرزندان ابونوی ابن ابوالبرکات هاشمی شریف مکه (۱۸۵۴ = ۱۲۷۰ ق - ۱۹۲۱ م = ۱۳۵۰ ق.) در سالهای (۱۹۱۶ - ۱۹۲۴ م) پادشاه حجاز بود و ابن سمود او را شکست داد. حسین نخستین کس بود که از جنگ بین الکلیز اول استفاده نموده استقلال وجدانی امرا را از ترسهای عثمانی اعلام کرد و آخرین حاکم از هاشمیان بر مکه بود. وی هنگامیکه پدرش در استانبول تبعید بود و در آنجا بدینا آمد و در سه سالگی ایدر مکه بازگشت و چون صوبش عون الرفیق از تندروی وی میترسید او را در ۱۳۰۹ ق. باندانبول

تجدید کرده و چون هون و برادرش عبدالاه در گذشته دوات عثمانی حسین را در ۱۲۲۶ ق. بجای وی امریکه نمود و چون جنگ بین انگلیس و ایران در گرفت انگلیسها با او وارد مذاکره شدند و بتشویق آنان استقلال عرب را اعلام کرده و در ۹ شعبان ۱۳۴۴ ق. = ۱۹۹۶ م. نخستین حکومتی را در مکه بمنوان اعلام استقلال و هانومو سرش فیصل را یا لشکریان انگلیس بسوریه فرستاد و در ۱۹۹۶ م. فرانسویان پادان رژیم جمهوری مردم سوریه را بسوی خود خواندند و فیصل را بیرون کردند حسین پسر دیگر خود عبدالله را برای کمک برادر بسوریه فرستاد. انگلیسها که بافرانسه سازش کرده بودند عبدالله را پادارت عمان و شرق اردن قانع کردند و چون مردم عراق بسیرستی میرزا محمدتقی شیرازی برحکومت مستقیم انگلیس شوریده بودند ایشانرا بیادشاهی عربی چون فیصل ماکت و فیصل را چشم پوشی از سوریه داضی کردند پس این سود از نجه شروع بجهاد کرد و حسین در ۱۳۴۳ ق. = ۱۹۲۴ م. بستور انگلیسها از تخت سباز کنار رفت و پسرش ملک علی بجایش نشست و در ۱۹۲۵ م. انگلیسها حسین را مجبور باقامت در جزیره قبرس کردند و شش سال در آنجا بود و چون بیمار گردید با اجازه انگلیسها بمیان آمد و در آنجا در گذشت و در مسجد الاقصی خاک سپرده شد.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی بن محمد ابن وید متکلم اسماعیلی در گذشته ۶۶۷ ق. = ۱۲۶۸ م. اوراست «عقیقه السوحنین» (بروکلان زیوست ۶۱۶ و معجم المؤلفین).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی بن محمد رجوع به حسین و قائلی و حسین نقوی و حسین عاملی و حسین خراسانی و حسین سیمری و حسین خزاسی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی بن موسی الرضا یکی از پنج پسر امام هشتم شیعه است که بقرون متقدمون است. (تاریخ کریمه ص ۲۰۷ و نزهة القلوب ۵۸۰۳).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی بن موسی ابن بابویه رجوع به حسین بن بابویه شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی بن مهرا ن اصفهانی از محدثان اصفهان است رجوع به اخبار اصفهان ج ۱ ص ۳۷۷ و فهرست المصاحف سجستانی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی بن برید رجوع به حسین کریمسوی و حسین مایع شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن ضی اسواری محدث اصفهانی است. (ذکر اخبار اصفهان ۱: ۲۸۱).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی باغری صاحب درمیه انصاری رجوع به باغری شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی بصری رجوع به حسین جعل شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی بیهقی رجوع به حسین کاشفی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی جهمی مکتبی بابو عبدالله نایب و از روایت حدیث است. (عبون الاخبار ۱۲: ۲۷۸ و مغرور الامم ۱۰۴: ۱۰۴).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی حسینی رجوع به حسین بن علی بن عبدالرحمان شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی حسینی مذهب یثقی الدین اوراست الشریف فی نظم انصاری که بمطابق ۹۴۶ ق. نگاشته است و الشافعی که در ۵۳۲ م. نگاشته است. (کشف الظنون).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی خلال محدث اصفهانی است. (ذکر اخبار اصفهان ج ۱ ص ۲۲۹).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی رجوی رجوع با بوعلی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی صبری رجوع به ابن صبری شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی فارسی اوراست «المجاهد الملاحده».

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی منجم رجوع به حسین قیانی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی نوری رجوع به حسین نوری شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن علی بیهقی رجوع به حسین بیهقی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن عمران رجوع به ابوعلی ... شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن همر بن محمد بن یوسف قاضی حمادی در ۲۶۸ باصفهان آمده حدیث گفت و مدعی قاضی یزدشد و در آنجا در گذشت. (ذکر اخبار اصفهان ۱: ۲۸۱).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن عمر رجوع به حسین حلی و حسین بیهم شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن عیاش بن صری رجوع با بوعلی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن غنم نجدی در گذشته ۱۲۲۵ ق. اوراست المذاهب السنیة در اصول الدین و جز آن (هدیه العارفين ۲۲۸: ۱).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن غیاث الدین محمد اوراست «احیاء الملوك» در تاریخ سیستان که در ۱۰۲۲ ق نگاشته است. (قدیه ۳۸۱: ۱).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن غیاث الدین رجوع به حسین تریبی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن قنبر رجوع به حسین تفتی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن فراد رجوع

به حسین بن محمد شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن فرج اصفهانی یزیدی ابوعلی معروف با ابن خیاط از محدثان اصفهان بوده است رجوع به ذکر اخبار اصفهان ج ۱ ص ۲۷۶ شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن فضل اصفهانی رجوع با راغی و حسین سرخسی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن قتیبه رجوع به حسین سمری شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن فیروز شاه امیر غیاث الدین رجوع به غیاث الدین سلطان حسین شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن قزاقی در حال شناس غیبی اوراست «بضاعة الزجاة» در رجال و شرح روضة کافی و جز آن (قدیه ۱۰: ۱۱۳).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن ناسم بن عبدالله مکتبی به ابوعلی و ملقب به عبدالعزیز وزیر مقتدر بالله عباسی بود و پسر او قاسم نائب ولی الملوک داشت در تجارب الامم مسکویه آمده است که خلیفه اورا بسیار دوست گرفت چنانکه بدست خویش اورا طعام میفرستاد و هم فرمان کرد تا نام او بردارم و دلالت بر نقش کردند و رجوع به فهرست خاندان نویختی و تجارب الامم ج ۲: ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۹ - ۲۴۴، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۹ تا ۳۶۷ - ۲۷۳، ۲۷۳، ۲۷۳ شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن ناسم طبری مکتبی با بوعلی متوفی ۳۵۰ ق. اوراست الانصاح در شرح منظر منزلی و جز آن. (کشف الظنون).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن قاسم عیانی رجوع به حسین عیانی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن قاسم مدنی رجوع به حسین مدنی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن قاسم کاتب رجوع به حسین کاتب و ابو عبدالله کاتب شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن قاضی عسکر علوی معروف بابی الر کب و ابن ابی الر کب وی پسر محمد بن حسین بن حسن بن زید بن حسین خطیب شاهر بود در ۱۹۸ ق = ۱۲۹۹ م. متولد و در ۱۷ شعبان ۷۶۲ ق = ۱۳۶۱ م. در گذشت در بیان خطب بنام «القتال المعبر» مقام العزیزه دارد (معجم المؤلفین از در الکاتبه ۶۷۱۳ والید و انصاح ۲۲۸: ۱ و هدیه العارفين ۳۱۵: ۱).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن قنوان رجوع به حسین بن شهاب الدین کلبانی شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن خطیب حسینی محدث است. (تاریخ کریمه ۲۸۷ - ۲۹۲).

**حسین** [ح س] (راخ) ابن کریم رجوع به حسین بن اسحاق بن ابراهیم شود.

**حسین** [ح س] (راخ) ابن کمال الدین ابن

محمد بن حسین بن محمد بن حمزه معروف با این  
 القتیب شاعر متولد ۱۰۳۱ ق. = ۱۶۲۳ م.  
 و متوفی ۱۰۷۲ ق. = ۱۶۶۲ م.  
 او راست تذکرة حسنة نثر شعر و شعراء  
 (معجم المؤلفین از خلاصة الاثر ۱۰۵۰۲  
 وهدیه المازنین ۶۱ ۳۶۲) وایضاح المکتون  
 وزیر کتب (۲۰۷-۲۰۶).

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن کوران . از  
 متکلمان جبری (مجرب) است (ابن الندیم) .  
 حسین . [ح'س'] (راخ) ابن ماکولا .  
 رجوع به حسین جرجان دقانی شود .  
 حسین . [ح'س'] (راخ) ابن مبارک .  
 رجوع به حسین موصلی و حسین زبیدی و  
 حسین صیرفی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد ضوی .  
 رجوع به حسین سیرازی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد معروف  
 بابن القراءه . مکنی بابوعلی . از جهان سیاسی  
 قرن چهارم هجری و دهم میلادی است .  
 او راست «رسال الملوك ومن يصلح لرسالة  
 والسفارة» (معجم المؤلفین از فهرست مکتبه  
 ظاهره دمشق) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 احمد غسانی جانی حافظ غبه . ابوعلی .  
 او راست «ما اختلف طعمه واختلف منامه» .  
 (کشف الظنون) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 اسحاق مکنی بابوعلی حیدر بن محمد ابن نهانی  
 است . (ذکر اخبار اصفهان ۲۸۴۱) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 سلمان شافعی منقب به سائین الدین از بیروان  
 حارقت شهاب میروردی شده وخرقه پوشیده  
 چهل بار بجزاز رفت . او راست ۵۰ تاریخ  
 مشایخ قلاس روی در ۶۶۶ ق. = ۱۲۶۶ م.  
 در گذشت . (هدایا از رس ۱۷۶) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 شریک مکنی بابوعلی منقلب . متوفی ۳۸۰ ق.  
 محدث است . (ذکر اخبار اصفهان ۱۰۱  
 ۲۸۵) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن عبد  
 الوهاب . رجوع به حسین پارغ شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن عبیدالله  
 بغدادی . رجوع به ابن شیل شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 غیر انصاری محدث اصفهانی ساکن بغداد  
 (ذکر اخبار اصفهان ۲۸۱۰۱) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن علی  
 زعفرانی اصفهانی بنادر شهر و محدث بود و  
 در ۳۶۹ ق. در گذشت (ذکر اخبار اصفهان  
 ۲۸۲۱۱) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 علی بن حسین . پدرش صاحب مدارک است  
 و خودش حاشیه بر الفیه شهید دارد . (ذریعه .  
 ۲۲۰۶) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 فضل . مکنی بابوالقاسم است .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 قاسم ابن علی بن محمد بن احمد بن ابراهیم  
 طبا طبیب . نیاپه معروف با ماویزاهد او راست  
 تهدیب الانساب و «تیر اذنه ابا یوز» (ذریعه  
 ۲۰۵-۲۰۴-۲۰۳) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 متوجه اصفهانی محدث است (ذکر اخبار  
 اصفهان ۲۸۲۰۱) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 مفضل اصفهانی . رجوع به زاین اصفهانی  
 شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد اصفهانی .  
 رجوع به حسین خوانساری و حسین زعفرانی  
 شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بارغ .  
 رجوع به حسین بارغ شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بهرینی .  
 رجوع به حسین بهرینی و حسین عثمان و حسین  
 صفوری شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد تقی .  
 رجوع به حسین نوری شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد ثمالی .  
 رجوع به حسین مرثی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد ثقی .  
 رجوع به حسین ثقی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد حساب .  
 رجوع به حسین حساب شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد حرانی .  
 رجوع به حسین حرانی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد حضر .  
 مکنی . رجوع به حسین بارشود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد  
 خالدی . رجوع به حسین خالدی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد بن  
 خالص و رجوع به حسین خالص شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد دیار .  
 بکری . رجوع به حسین دیار بکری  
 شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد ذوقانی  
 رجوع به حسین ذوقانی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد  
 ساداتی و رجوع به حسین ساداتی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد سهرابی .  
 رجوع به حسین سهرابی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد شافعی  
 ملقب به سادالدین متوفی ۷۷۷ ق. = ۱۳۷۰ م.  
 او راست «احکام ائمتی» (معجم المؤلفین از  
 کشف الظنون) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد شرف  
 رجوع به حسین همری شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد  
 شرفانی . رجوع به حسین مقری شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد طبری .  
 رجوع به حسین طبری شود .

رجوع به حسین طحاطلی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد طیبی .  
 رجوع به حسین طیبی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد قسائی .  
 رجوع به حسین قسائی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد قزوینی .  
 رجوع به حسین صفقی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد  
 القدائی . رجوع به حسین قباتی و ابوعلی حسین  
 شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد قرطبی .  
 رجوع به حسین تجیبی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد قطان .  
 رجوع به حسین قطان و ابو عبدالله حسین  
 شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد  
 کتوری . رجوع به حسین کتوری  
 شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد  
 کوتاهی . رجوع به حسین قره چلیبی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد کبالی .  
 رجوع به حسین کبالی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد لاری  
 رجوع به حسین لاری شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد لا کودی .  
 رجوع به حسین یونانی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد مجاهد .  
 رجوع به حسین مجاهد شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد مهرشی  
 آملی . رجوع به حسین شلیقه سلطان  
 شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد  
 مروزی . رجوع به حسین مروزی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد مصری .  
 رجوع به حسین محلی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد مقری  
 ابن خسرو یغلی . معروف با ابن مقری حافظ  
 و مکنی بابو عبدالله . در گذشته ۵۲۴ ق. =  
 ۱۱۲۹ م. او راست «تسیر الرؤا» . (معجم  
 المؤلفین از کشف الظنون و ایضاً المکتون  
 وهدیه المازنین ۱۰۱ ۳۱۲) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد مقاره  
 رجوع به حسین مقاره شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد مؤدب  
 جردانی . مکنی بابو عبدالله . محدث اصفهانی  
 است . (ذکر اخبار اصفهان ۲۸۴۱۱) .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد نهانی  
 رجوع به حسین عباسی شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد نجار  
 بغدادی . رجوع به حسین نجار شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد نصیب .  
 رجوع به حسین نصیب شود .

حسین . [ح'س'] (راخ) ابن محمد ناماری .  
 رجوع به حسین ناماری شود .

حسین [ح س] [راخ] ابن محمد نیشابوری  
رجوع به حسین فہانی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن محمد نیشابوری .  
رجوع به حسین ماسر جسی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن محمد بن موسی .  
رجوع به حسین صاحب شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن محمد بن زدی .  
رجوع به حسین بن زدی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن محمود  
جزائری . رجوع به حسین جزائری  
شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن محمود بن موسی .  
رجوع به حسین قسی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن محمود زیدالی .  
رجوع به حسین زیدانی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن محمود نقیب .  
رجوع به حسین نقیب شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن محمد .  
مهر دار  
متر کرامی بود کہ اموال بختبر طیب  
را پس از مصاندہ مهر و موم کرد . (ازہیونہ  
الانبا ج ۱ ص ۱۴۱ و اخبار الحکام قفطی ص  
۱۰۳ و ۱۰۴) . رجوع به ابن محمد بن  
حسین [ح س] [راخ] ابن مدرس . رجوع  
به حسین توفانی ابن ہدایت شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مرتضی زدی .  
رجوع به حسین زدی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مسعود بن حسن  
بن عزروم بن ابوالقاسم حسینی حائری .  
اوراست در تصدق الارار فی مناقب الائمة کہ  
کتب و مجلسی از آن نقل کنند . و صاحب  
ذریعہ نسخہ ازہدہ الطالب بخط آوریدہ کہ  
در ۸۹۳ ق : نوشته و ۹۱۷ ق : بر آن  
حاشیہ ما نوشته است . (ذریعہ ۳ : ۴۰۵ و  
۱۵۰ : ۱۶) .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مسعود بن موسی .  
رجوع به حسین بن موسی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مسعود بن  
محمد ملقب به محبی الدین و مکنی بابو محمد  
بودہ است .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مصطفی آبدینی .  
رجوع به حسین قرہ تہالی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مصطفی بن  
عبدالرحمان . رجوع به حسین حسینی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مصطفی ابن  
ہودہ . رجوع به حسین ہودہ شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مصعب بن مسلمہ  
بجلی کوفی . کتاب حدیث دارد . (ذریعہ ۶ :  
۳۲۵) . رجوع به تاریخ بیہقی ص ۱۳۱ و  
الوزراء و الکتاب ص ۳۳۸ شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مطر جزائری  
معاصر شیخ حر عاملی بود او ترجمہ احوال  
وی را در اہل الآمال و نجوم نامہ ۱۴۳  
آورده است . تصدیق قرآن داکر (ذریعہ ۴ :  
۲۴۸) .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مطر اسدی

ابن مکمل مولای بنی اسد . احوال او در  
معجم الادباء ۶۷۴ و الموشح ص ۲۳۰ و  
ذکر کلی و البیان و التبین ج ۲ ص ۱۳۹ و  
آمدہ است و در فهرست ابن الندیم گوید اشعار  
وی نزدیک صد ورقہ است .  
حسین [ح س] [راخ] ابن منقذ طغیانی  
امیر دوزی متوفی باستانبول ۱۱۰۹ ق .  
ص ۶۹۷ م اوراست در کتاب التبیان (ہدیۃ  
العارفین ۱ : ۳۲۴) و ایضاح المکنون و  
فہرست دارالکتب .  
حسین [ح س] [راخ] ابن معین المدین  
یزدی . رجوع به حسین مدینی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مفلح بن حسن  
بصری . رجوع به حسین بصری شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مقلہ بن  
ابوعلی محمد بن مقلہ است . رجوع به ابن مقلہ  
شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن منصور . رجوع  
به حسین حلاج و حسین باقر شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن منصور .  
اوراست کتاب الحادی . کہ آرایہ کن الدین  
محمد بن علی جزائری نیز نسبت دادہ اند .  
(ذریعہ ۶ : ۳۳۴) .  
حسین [ح س] [راخ] ابن موسی بن محمد  
بن موسی بن ابراہیم بن موسی بن جعفر  
علیہ السلام . پسر سید مرتضی و سید زینبی  
مکنی بابو احمد الابراہیم سیدی عظیم السمرقہ  
و جلیل القدر در دولت بنی عباس و بنی ہودہ و  
از اہمیان زمان شورش و نقب علویان در بغداد  
بود . (روضات ص ۵۷۳ و ۷۵۰)  
حسین [ح س] [راخ] ابن موسی صاحب .  
رجوع به حسین ہرمزی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن موسی بن ہبیر اللہ  
رجوع به حسین جلیس شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مہدی بن حسن .  
رجوع به حسین قرظینی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن مہران ابو محمد .  
رجوع به ابو محمد حسین درہین لغتنامہ و  
باب الالیاب ج ۱ و ۲ ص ۲۵ شود و در  
معجم الادباء ۱ : ۶۱۳ و دوزخ تہذیبی رایتام ہای  
احمد بن حسین متوفی ۳۸۱ و محمد بن حسین  
متوفی ۳۵۸ یاد کردہ است .  
حسین [ح س] [راخ] ابن میکائیل مکنی  
بابو عبد اللہ چنانکہ در تاریخ بیہقی ج ۱  
کتاب ص ۲۵۸ آمده است . و نام صحیح او  
ابوالفضل حسن است . رجوع به ابوالفضل  
شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن عبدالمنظف .  
رجوع به حسین مہلا شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن ناصر العمولہ .  
رجوع به حسین عمدانی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن النضر . رجوع  
به حسین قرظلی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن نجف بن محمد  
نجفی . رجوع به حسین تبریزی شود .

حسین [ح س] [راخ] ابن نصر ابن شمس  
رجوع به شمس شوزہ .  
حسین [ح س] [راخ] ابن نصر بن محمد بن حسین  
رجوع به حسین خمیس شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن نصر ابن محمد  
کبری . مکنی بابو عبد اللہ متوفی ۵۵۲ ق .  
اوراست تحریم القبیۃ و التزاج الموشح .  
(کشف الظنون) .  
حسین [ح س] [راخ] ابن نصر باری از  
مردم یازدہمی نیشابوری . وی از فضل بن احمد  
رازی حدیث کرد و بعد از ۳۳۰ ق .  
در گذشت .  
حسین [ح س] [راخ] ابن نصر بصری  
مکنی بابو عبد اللہ . اوراست : اخبار المتامات  
(کشف الظنون) .  
حسین [ح س] [راخ] ابن نصر ضریر رجوع  
به حسین شقانی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن نظام الملک  
(خواجہ ...) یکی از وزرای سلجوقی است  
و ابو عبد اللہ کنیت او بودہ است . (تجارب  
السلف ص ۲۸۲) و رجال حبیب السیر ص  
۲۸۰) .  
حسین [ح س] [راخ] ابن التقیب رجوع  
به حسین بن کمال الدین شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن نوح قری  
مکنی بابو منصور . اوراست مجامع العطب .  
(کشف الظنون) .  
حسین [ح س] [راخ] ابن واقد . رجوع  
به ابوعلی حسین ... شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن ولید بن نصر  
معروف باین صریف و مکنی بابو القاسم  
تعدی شاعر از ولان بصری آمد و بصر  
سکنی گزید و بر این رشیق تلمذ کرد پس  
باندلس باز گشت و در ۳۹۰ ق ۱۰۰۰ م  
در طلیحہ در گذشت . اوراست شرح کتاب  
جمل زجاج و کتاب الرد علی النعاس فی  
کتاب الکافی . (معجم المؤلفین از الوائلی  
بالوفیات ۱ : ۱۱۴ و معجم الادباء ۱۰ :  
۱۸۳ و بذریعہ الوفاء ۲۳۷ و روضات ۲۱۸ و  
کشف الظنون و ہدیۃ العارفین ۱ : ۳۰۶ -  
۳۰۷) .  
حسین [ح س] [راخ] ابن ہدای ابن محمد  
ابن ثابت دہری نوری منسوب بیکی از قرای  
حلہ سببہ است و در ۱۲۲ رجب ۵۶۲ ق .  
در گذشت نوری : لغوی قاری شاعر بود و  
شعری در معجم الادباء ج ۱ مرگبوت ج ۴  
ص ۱۰۳ آمده است .  
حسین [ح س] [راخ] ابن ہارون بن جعفر .  
رجوع به حسین ضبی شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن ہبیر اللہ رجوع به  
حسین سوائی و حسین دہن اعضاض شود .  
حسین [ح س] [راخ] ابن ہشام مدنی  
ابوعلی در گذشتہ بہ . از ۳۸۰ ق . محدث

اسفهان است. (ذکر اخبار امیریهان ج ۲ ص ۲۷۹)

حسین [ح س] [رخ] ابن یاسین بن محمد رجوع به حسین کتاب شود

حسین [ح س] [رخ] ابن یحیی بن ابراهیم بن یحیی رجوع به حسین دینی شود

حسین [ح س] [رخ] ابن یحیی بن یحیی سلطان مکنی ابو عبدالله رجوع به سلطان شود

حسین [ح س] [رخ] ابن یحیی منوی مکنی ابو عبدالله است رجوع به منوی شود

حسین [ح س] [رخ] ابن یحیی بخاری مکنی ابوعلی زندوستی اوراست: «متعین لا القاضی و درویشانه»

حسین [ح س] [رخ] ابن یحیی دیوری بستانان محدث اسفهان است. (ذکر اخبار - اسفهان ج ۱ ص ۲۷۹)

حسین [ح س] [رخ] ابن یوسف بن محمد بغدادی رجوع به حسین دبیلو شود

حسین [ح س] [رخ] ابوالربیع رجوع به حسین قاضی مسگر شود

حسین ابیورثی [ح س] [رخ] کمال الدین رجوع از باورده بهرات شدو ملازمه کچی بصره را گرفته پس بحدی رفتو در بازگشت در تیریز ملازم سلطان یعقوب گشت و پس از چند سال بهرات آمده ملازم میرعلیشیرشد و از طرف بهارات نزد سلطان یعقوب رفت و فراو شد که کلیات جامی را بتوان هدیه برای سلطان یعقوب برد

و چون نزد او رسید سلطان گفت راه شما را بسته نکرده باشد حسین پاسخ داد: هر وقت ملول میقدم لمز مطالعه کلیات مولانا شادبگشتو چون با او باز کردند معلوم شد که اشتباه بجای کلیات جامی فتوحات مکیه را آورده است و در راه هیچ مطالعه نکرده است پس در نظر سلطان یعقوب میل شد و از نظر امیر شیشیر نیز افتاد و در ۹۰۸ ق از طرف سلطان بدیع الزمان بهارات بسخ منصوب شد و در ۹۱۰ ق استغنا داد و در ۹۱۴ ق محمد خان شهبانی او را برسانت نزد شاه ایران فرستاد و در بازگشت در ایبورد بماند و در ۹۲۰ ق همانجا در گذشت. (رجال حبیب السیر ص ۲۰۰-۲۰۲)

حسین اخباری [ح س] [رخ] ابن علی لکونوی وی اواده میرزا محمد اخباری معروف بود و در ۱۲۴۰ ق ۱۸۲۵ م در گذشت. (اعلام الشیعه قرن سیزدهم ص ۴۳۷ و معجم المؤلفین)

حسین اختیارالدین [ح س] [رخ] [رخ] تریبی و حسن تریبی و «اختیارالدین» در حسین لکنه شود

حسین اخلاطی [ح س] [رخ] [رخ]

ابن علی الطیبی اخلاطی ملقب بکمال الدین حسینی اوراست: ذخائر الاحیاء (ذریعه ۲۰ ص ۱۳۰) وی از بزرگان عرفای حروفی کردستان بوده است

حسین ادرهینی [ح س] [رخ] [رخ] ابن عبدالله ملقب بحسینی منوی اوراست: خلاصة النحو و در ۱۳۱۲ ق = ۱۸۹۴ م در گذشت. (هدیه العارفین ۱ ص ۳۳۱ و معجم المؤلفین)

حسین ادرنوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف مغنی کتاب بزازی را او بغدادی گردانید. (کشف الظنون)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اذکوی [ح س] [رخ] [رخ] ابن حسین بن عبدالله شریف مصری اوراست: هیت لادکوی در ترجمه احوال شيوخ خویش، که در اسکندریه در ۱۲۲۷ نگاشته و جز آن (هدیه العارفین - ۲ ص ۲۹۱)

حسین اردکانی [ح س] [رخ] [رخ] ابن محمد اسماعیل اردکانی جباری متولد ۱۲۳۸ ق = ۱۸۲۰ م در متوفی در کربلا ۱۲۰۲ ق = ۱۸۸۵ م. (توابع الافکار استاذش میرزا ابراهیم خورشیدی شرح کرده است. (معجم المؤلفین از امیر الشیعه ۲۲، ۱۳۷) و ذریعه ۱۷۹۱)

حسین اردوبادی [ح س] [رخ] [رخ] ابن شاه ... طاهر محمد صفوی و میرعلیشیر نوائی (ذریعه ۱۹ ص ۴۹۷)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

حسین ارض رومی [ح س] [رخ] [رخ] ابن یوسف متکلم بود اوراست: الرسالة المتعین که در ۱۹۵۴ ق تألیف کرده و تا ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م زنده بود. (معجم المؤلفین از عذبة العارفین ۱ ص ۲۲۵)

**حسین اشعری** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
این عیدانی مدرس دومی متعلم بهمدی  
در گذشته ۹۹۲ ق . ذیلی بره غفایق -  
اندهانه فکاشه است و تا ۹۹۰ ق .  
زمانه است . ( هجرت دارقین ۲۲۰۰ )  
**حسین اشرفی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
( معبد ) متعلم بهطاهر مازندرانی شاعر  
است . ( ذریعه ۹۹ ، ۲۸۰ از آئینکده آذر )

**حسین اشعری** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
ماتب چین ملک وزیر ناصرالدین  
قاجار که نورالدین محمد عوفی کاتب باب  
الایاب را بنام او نوشته است . رجوع  
بهین الملک شود .

**حسین اصفهانی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
سید قوام الدین از نقی بزرگ  
اصفهان و فقه بود . مدتی سمت اقصی -  
القضاة اصفهان داشت و پس از فتح ماوراءالنهر  
بدست شاه مغولی قاضی بلخ بود و سپس  
باصفهان بازگشت . ( رجال حبیب السیر  
ص ۲۴۸ )

**حسین اصفهانی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
این عبدالرحیم نهرانی که در  
۱۲۵۴ ق . در کرمان گذشت . اوراست  
« الفصول فی علم الاصول » وی برادر شیخ  
محمد تقی صاحب هدایة المسترشدين است .  
( ذریعه ۱۶۴ ، ۱۶۵ و رساله الادب )

**حسین اصفهانی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
رجوع به حسین علی ملایری و حسین  
لبنانی شود .

**حسین اصفهانی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
( شاه ) متعب به اعتماد الدوله کمال  
الدین میرزا وزیر شاه حسین صفوی و در کاخ  
هشت بهشت در ۹۲۵ ق . کشته شد ( ذریعه -  
۲۹ ، ۴۹۲ ) و در رجال حبیب السیر ص ۲۴۸  
تحت قوام الدین بار داده است .

**حسین اصیم** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
ابن علی ملقب به امین الدین ( الملک ) اصم .  
صاحب دیوان شعر ( آثار انوزراء و دستور  
الوزراء و حبیب السیر و تعلیقات لباب الایاب  
قرنی ج ۱ ص ۳۰۹ ) و گویا اعیان  
مراغه بی این شعر را در حق وی گفته  
است :

تایان احسان و غزو شاه حسین بن علی  
که ستوده چو حسین و جوعلی صفدر خاست .  
( لباب الایاب ج ۲ ص ۳۷۵ )

**حسین آخرجی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
ابن جعفر بن نصر الدین ملقب به ادها بن حسین  
در گذشته ۹۳۳ ق . اوراست شرح طیبة النثر  
در قرأت وی استاد شهید دوم بوده است .  
( ذریعه ۱۹۳ ، ۳۶۷ )

**حسین افشار** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
ابن محمد علی بن سلیمان . اوراست « خواص  
الاشیاء » در خطب یاقوسی که در ۵۰ باب در  
۱۲۴۹ ق . نگاشته است ( ذریعه ۷۷ ، ۱۷ )  
و نیز اوراست « تشریح د کثر یولاک » چون  
شاکر د کثر یولاک اطاریشی بوده است «

( ذریعه ۱۸۴ ، ۱۸۵ ) و ظاهر آمان ملاحسین  
منجم افشار صاحب تقویم باشد که در ۱۲۷۲ ق  
در گذشت . ( ذریعه ۲۹۰ ، ۸ )

**حسین افطسی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
رجوع به حسین اخلاطی شود .

**حسین الهی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
رجوع به حسین اردبیلی شود .

**حسین امامی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
رجوع به حسین قوجه حسام شود .

**حسین امامی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
ابن رضاعلی هندی . در سامراء ۲۴ ج ۲ -  
۱۳۴۰ ق . در گذشت . اوراست « الادبیه  
والتزیارات » ( معجم المؤلفین از اصحاب الثبته )

**حسین امیر حسینی** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
( ر ا خ ) این عالم بن محمد بن حسین مخوری مروی  
در گذشته ۷۱۸ یا ۷۲۸ ق . جلایی قورا

حسین بن حسن بن سید حسینی و ملقب به  
فخر السادات خوانده است و شمس العین  
سامی اورا حسین بن عالم بن حسن خوانده  
است . غیر از دیوان شعر فارسی منظومه ها  
و رساله های زیور دارد ، زاد المسافرین .  
سی نامه . قندرنامه . کتالرموز . روح الارواح .  
مرآة المستقیم . حرب العجائب . مرآت البدیع .  
نزهة الارواح . و این دود در تاریخ نقشبندیان  
است . ( ذریعه ۹۹ و هدایة العارفین ۱۱ ، ۳۱۴ ) .  
سمرقندی گوید :

سالك مسالك دين و عارف اسرار يقين است  
و در کشف رموز حقایق و دقائق کثر مسانی  
بوده و در فضیلت علوم جیدانی ، خاطر پر نور  
او گلشن را ز طوطی نطق از حد لب خوش  
آرزو و حسین بن عالم بن الحسن الحسینی ،  
اصل سید از غرور ست از کز یوا اما کثر  
اوقات سیاحت کردی در مسکن سید شهر مرآت  
بوده و مستند خرقه سید سلیمان المشایخ شیخ  
شهاب الدین عمر سهروردی میرسد قدس  
الله سره المرکز و سالها بملوک مشغول بوده  
و با بسیاری از اکابر صحبت داشته ، حکایت  
کنند که شیخ عارف فخر الدین عراقی و  
شیخ اوحدی و سید حسینی هر سه فاضل  
مربیان شیخ شهاب الدین سهروردی بوده اند  
و سالی چنین اتفاق افتاد که در کرمان  
بفائده شیخ اوحده الدین هر سه بجلوت نشستند  
و در انتهای اربعین هر کدام از سفره ملوکوت  
سوغاتی بقدمت شیخ رسانیدند شیخ عراقی  
لحاح و شیخ اوحدی ترجمان که بنایت مشهور  
است و سید حسینی کتاب زاد المسافرین .  
بدها که شیخ هر سه نسخه را مطالعه کرد  
فرمود که حق ندانی وجود شریف این هر سه  
در دریای یقین را هوار ما از آفات محفوظ  
دارد و که هیچ مه گوهر از کن حقایق  
بیرون آورده اند ، فلذا چون این فرقه  
مسافران مسانکة یقین اند آنکه زاد المسافرین  
آورده سراج منزل هر فایده است ، چون بقرب  
وصف زاد المسافرین ثبت شد از آن کتاب  
فایده نوشتن واجب نبود . من کتاب زاد  
المسافرین

این طرزه حکایت است بشکر  
روزی مگر از قشاسکندر

میرت وعده سیاه بالو  
سلسشت و مال و خاه بالو

تا که پشرا بی گنو کرد  
بی بی زغرابه سر بند کرد .

پیری نه که آفتاب بر نور  
در چشم سکندر آمان دور

پرسید که این چه شاهداش  
این کیست که مینماید آخر

در گوشه این مذاک دلگیر  
بیموده نباشد ایچنین پیر

چون زاند بدان ملک چون گور  
بید از سر وقت شود تشد دور

چون باز نکرد سوی او چشم  
پرسید سکندرش صد چشم

گفت ای شده قول این گنر گاه  
غافل چو نشسته بی دین دام

هر چه نکردی احترام  
آخر نه سکندرست نامم

دانی که مغم به بخت فیروز  
بشت همه روی عالم امروز .

در پند و آفتاب دایم  
فوق فلک است زیر پایم .

پیر از سر وقت بانگ برزد  
گفت ای همه نیم چون برزد

نه پشت نه روی عالمی تو  
یکدانه ز کشت آدمی تو

دوران غلغله که پیشتر است  
هر ساختش از نو صدها ارادت

نه قون و نه غانم دین گوی  
هشایر از اوام بعد روی

از روز پدید چو آگه من  
چون منتظران دین دهم من

قافل تو که از برای پیشی  
مترود دو روزه عمر خویشی

پامن چه بر آبری گنی تو  
چون بنده بنده منی تو

دو بنده من که هر صحر آزند  
بر تو همه روز سرفرازند

گر بیان شد ازین سخن سکندر  
بفکند کلاه شاهی از سر

از عجلت خود تغییر یزد  
سر بر کف پای پیر یزد

بیر از سر حال ره نمودش  
کالندر همه وقت یاد بودش

وفات سید حسینی در شهر مرآت . بوده شانزدهم  
شوال در سنه شمس و سبعماء و در بیرون

گنبد سید السادات در قبه زه صرح منخون  
است ( تذکره الشراء سمرقندی ) .

**حسین امین الضرب دوم** . [ ح س ر ن آ ] ( ر ا خ )  
کشی ب [ ح ] ( ر ا خ ) ( حاج محمد . . . ) این  
حاج محمد حسن اصفهانی امین الضرب این  
محمد حسین بن مهدی بن محمد رحیم در  
تهران در محرم ۱۲۸۹ ق متولد گردید



دور ۱۲۵۹ ق در گذشت. وی مانند پدرش یکی از یاور کاتبان معتبر ایران در عصره در شرطیت و از نخستین دسته های برزوازی ملی ایران و پایه گذاران صنعت جدید در این کشور میباشد. فعالیت های صنعتی وی و پدرش از برجسته ترین گوشه های آن زمان بشمار است. در آه آن امین الضرب میان مسعود آباد و مل پدرازی ۱۳۴۴ هـ از گز اقمه پسرین و آه های کشور است. امین الضرب در زمان ناصرین شاه پاسد جلال الدین اسد آبادی مسکاری میکرد و سید را در خانه خویش جای داده است.

وی در هنگامیکه پدرش مشغول ایجاد مؤسسات صنعتی و راه آهن و استخراج معادن بوده مورد دشمنی مخالفین صنعتی شدن کشور ایران قرار گرفت و بطوریکه مخیر السلطنه در خاطرات و خطرات م ۱۳۶ گوشزد کرده است امین الضرب نزد داور وزیر دادگستری دوره اخیر گفته است که مخیر السلطنه در زمان مظفر الدین شاه در سال ۱۳۶۶ ق م را مورد شکنجه قرار داد البته مخیر السلطنه این ادعا را تکذیب کرده و او و امین الدوله در خاطرات خود چاپ حافظ قزاقان فراموشان حاجی امین الضرب را و بیخبات در ضرب پول سیاه متهم میکنند. حاجی حسین امین الضرب ضوابط تجارین و کنندگان قانون اساسی ایران بوده و چند دوره بوکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردیده و در دوره اول نائب رئیس مجلس بوده است.

در دوره ریاست مجلس وی در مقابل خود سر پهای محمد علی شاه ایستاد گهرا کرده است که کسروی برخی از آنها را در تاریخ مشروطه م ۲۱۷ چاپ چهارم آورده است و از جمله در جلایی در جواب مشیر الدوله که گفت «ما دولت مشروطه نیستم و دولت پشای مشروطه نداده» مجلسی که دارید جهت وضع قوانین است» حاجی حسین امین الضرب گفت « دولت نمیتواند بگوید من پشای مشروطه ندادم...» او خود را رسماً مشروطه میدانیم و حقوقی که داریم هیچ کس نمیتواند از ما پس گیرد مگر پانخون ملت...»

وی در دوران اخیر اطلاق تجارت تهران را تأسیس کرده و اولین رئیس آن بوده است و شرح حال خود در جزوه بی سال ۱۳۴۷ ق نگاشت و اخیراً در مجله بقا سال ۱۳۴۱ شماره مردادماه چاپ شده است.

رجوع به شرح حال خودش : بتاریخ مشروطه کسروی و مقالات آقای مهدی بهشتی بورد در مجله تهران اگر نویسنده شماره ۴۶۶ و خاطرات امین الدوله چاپ دکتر حافظ فرمالفرمانیان ۱۳۴۹ ش. شود.

**حسین افندی** . [ح' س' ن' آ' ک'] (راخ) رجوع به حسین فرشی شود.

**حسین افندی** . [ح' س' ن' آ' ک'] (راخ) این عاصم این حیان معروف باین عاصم مستوفی در ۱۳۲۰ ق. اوراست آثار اماریه و جز آن (هدیه العارفین م ۲۰۸ ج ۱).

**حسین انصاری** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) این مسعودخان بن عبدالرحیم عضو وزارت خارجه و کارپرداز کتسولی ایران در طهران بود و مصباح السلطنه لقب میداشت. در ۱۳۱۲ ق. در گذشت اوراست تشیه العمیان در دستور زبان فارسی که در ایام آن تغییر خط فارسی را پیشنهاد کرده و در استانبول ۱۳۹۸ ق. چاپ کرده است و نیز اوراست نمونه افکار در باره تاریخ خط ایران در گذشته و حال (نویسه ۴۴۳۱ و ۴۴۸۰ و ۱۵۶۰۸).

**حسین انصاری** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) این حسن انصاری یمنی فقیه متوفی در یومال هند ۱۳۲۷ ق = ۱۹۰۹ م. اوراست «التحفة الرضیة» (بروگلمان بیوست ۸۶۲) و معجم المؤلفین.

**حسین انصاری** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن عبدالله ادیب. از اوست «السینة» وی در ۱۱۴۰ ق. = ۱۷۱۸ م در گذشت. (هدیه العارفین ۱۱۶۰ و ۲۲۵ و ایضاً فاسکون ۴۰۶ و ۱۱۶).

**حسین اولی** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن عسی بن حسین ابن ابی سروال اولی بحرینی بحرینی فقیه. زنده در ۹۵۶ ق. = ۱۵۴۹ م. اوراست «الاعلام الجلیة» شرح الاقیة الشیخیة و جز آن (معجم المؤلفین از اعیان الشیعه ج ۲۷ ص ۲۷).

**حسین اولی** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) خراسانی متخصص به کامی رجوع به کامی و او بر شود.

**حسین اهدل** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن صدیق بن حسین بن عبدالرحمان بن محمد ابن صفوی فقیه نحوی در ۹۰۰ ق. = ۱۴۴۶ م. متولد شد و در مکه بجاورت گردید. (شبه الامع ۱۴۴۳ و بروگلمان بیوست در م ۲۵۱ و معجم المؤلفین کشف الظنون).

**حسین اهدل** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن عبدالرحمان بن ابی بکر بن علی اهدل حسینی عنزی شافعی معروف به بابین اهدل و ملقب بیدر الدین متولد قنبره بزمین ۷۶۹ ق. = ۱۳۷۷ م. و متوفی ۹ محرم ۸۵۵ ق. = ۱۴۵۱ م. اوراست کشف النظاه و کتب دیگر (معجم المؤلفین از کشف الظنون و شواذ الامع).

**حسین اهواری** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن سعید ابن حماد بن سعید بن مهران اهواری کوفی فقیه شافعی که در ۳۰۰ ق. = ۹۱۳ م. بزمین است و مؤلفاتی در فقه و اخبار شافعی دارد که در عداد اصول چهارگانه بشمار است (ابن النیرم ۲۲۱ و فهرست طوسی

۵۸ و تنقیح المقال ۲۲۸ و اعیان الشیعه ج ۲۶ ص ۹۶ و معجم المؤلفین و هدیه العارفین ۳۲۱ و ۱).

**حسین اولی** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن علی بحرینی بحرینی مکنی بابو سروان اوراست انکوا کبیر الذریه فی شرح الرمالة النجیة (نویسه ۴۴۸۰ و ۱۳۰ و ۲۹۹).

**حسین اولی** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن جمال الدین حسین قهستانی. اوراست شرح نسبه ابن سینا در نفس در روح (هسته ۴) (هدیه العارفین ۳۲۲ و ۱).

**حسین ابر الشهر** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) در ۳۰۶ هـ باین شهر و کاظم داده شود. **حسین ایلاقی** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) رجوع به ایلاقی شود.

**حسین ابو انصاری** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن اسماعیل استانبولی امام جماعت بود. اوراست حدیقة الجوامع فی المساجد و الجوامع در تاریخ مسموای فسطاطیه بترکی که در ۱۱۹۲ ق. نگاشته است. (هدیه العارفین ۴۲۷ و ۱).

**حسین بابویه** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) رجوع به حسین بن بابویه قمی شود.

**حسین باجدانی** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن حازم سلمی جزیری باجدانی (قریة نزدیک بغداد) در باجدان در ۲۰۴ ق. = ۸۱۹ م. در گذشت اوراست کتاب «قریب الحدیث» (تعذیب التهذیب ۲: ۳۶۲ و معجم المؤلفین و اصلاح زر کلی ج اول ص ۲۵۶).

**حسین یار** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن محمد ابن عبدالله بن عبد دوس صوفی شاعر در شهر قرین دوعیة در حفر موت در ۱۲۵۰ ق. = ۱۸۲۴ م. متولد شد و در آتجبال ۱۳۳۱ ق. = ۱۹۱۲ م. در گذشت دیوان شعر و رساله در ترجمه احوال همیش احمد بن عبدالله داور (معجم المؤلفین از الاعلام الشرفیة ۱۰۰۳).

**حسین یار** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن محمد بن عبدالوهاب ابن محمد بن حسین در یاس بندادی و مکنی بابو عبدالله ادیب نحوی لغوی شاعر متولد بغداد در صفر ۴۴۲ ق. = و در گذشته در همانجا در جمادی دوم ۵۲۴ ق. = ۱۱۳۰ م. دیوان شعر دارد و نیز اوراست انشاس العیون در فرائد و جز آن (معجم المؤلفین از الواقی ۱۰۶ و ۱۱۱ و ابن خلدان ۱۹۷ و ۱ و معجم الادبیة ۱۰ و ۱۷ و ۱۸ و الرواة ۳۲۸ و ۱ و هیة الواقیة ۲۳۶ و شلوات ۲۴۸ و ۱ و کشف الظنون و روایات ۲۴۸ و اعیان الشیعه ۲۷ و ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و هدیه العارفین ۳۲۱ و ۱).

**حسین یار فروشی** . [ح' س' ن' آ'] (راخ) ابن میرزا علی بن میرزا اشرف ملا ندرانی ساکن نجف بود که در ۱۳۰۸ ق. از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری بود و مرجعیت یافت کتبی در فقه دارد (نویسه ۱۰۱ و ۸۵ و ۲۰).

**حسین یازنی**، [ح س ن ز] (راخ) این عصر مشهور بود خویش و بحدیث است. **حسین باسلامه**، [ح س ن م] (راخ) ابن مهدي الله بن محمد بن سالم عربین عوفین باسلامه از آل باطین کنندی حضرمی مکی موزع در مکه ۱۲۹۶ ق. = ۱۶۸۹ م. متولد شد و در همانجا در ۱۳۵۶ ق. = ۱۹۲۷ م. در گذشت مدتی عضو مجلس شورای بود. او دست «حیات سید العرب» و «تاریخ مکه و جزایرها» (الاعلام زرکلی ۲: ۲۶۳) و «معجم المؤلفین».

**حسین بافضل**، [ح س ن ف] (راخ) رجوع به حسین حضرمی شود.

**حسین بالسی**، [ح س ن س] (راخ) ابن حمزه بن محمد بن عبدالله شیرازی در حجاز بود و سال ۶۸۳ ق. بدمشق شد. او دست «تحفة الروح والانس» (هدیه الماروفین ۳۱۴۹۱) **حسین باقر**، [ح س ن ق] (راخ) ابن امیر منصور ابن باقر ابن عمر شیخ ابن تیمور گورگانی است. در ۹۹۹ ق. در گذشت. متخصص به حسینی گورگانی است و به سفارگان حسین میرزا معروفست دیوان شعری دارد و کتابی بنام «تنزیل» در تصوف بدو منسوب است. و کتاب «مجالس العشاق» (۱) و نیز کمال الدین حسین فتاحی بنام او تألیف



حسین باقرا

کرده و در هند بنام وی چاپ شده است. رجوع به هدیه الماروفین ۱۱، ۲۱۷ و ذریعه ۱۹، ۱۰۰ و فهرست مجالس انبیا و فهرست جلد سوم سبک شناسی و فهرست رجال حبیب السیر و از سعدی تاجلی شود.

**حسین بحر العلوم**، [ح س ن ب] (راخ) (راخ) ابن محمد بن حسین سیله هندی بحر العلوم بود که طباطبائی نجفی، شاعر فقهی اصولی، منظومه چند خویش بحر العلوم را شرح کرد و دیوان شعر او در نجف بساز ۱۳۰۶ ق. در گذشت. (ذریعه ۹۹، ۲۴۸ و معجم المؤلفین از اعیان الشیبه).

**حسین بحرینی**، [ح س ن ب] (راخ) ابن محمد ابن عبدالنیر یلادی نفا مامر احمد جزائری نجفی، (در گذشت ۱۱۵۱ ق. = ۱۷۳۸ م.) او دست «محتاج الاعمال» در اصول دین. (معجم المؤلفین از اعیان الشیبه ۲۰۰، ۲۷).

**حسین بسوی**، [ح س ن ب] (راخ) ابن سامی ابن علوی بسوی شامی مدرس جامع اذهر بود در قاهره در ۱۳۶۲ ق. ۱۹۴۳ م.

در گذشت. او دست «قصه سیدنا داود» و جز آن (معجم المؤلفین از الاعلام الشرقیه ۲۴، ۱۰۵ و فهرست کتابخانه از هر ۶: ۲۰) **حسین برواقی**، [ح س ن ب] (راخ) ابن اسدین - بن نجفی، رجوع به حسون برواقی شود **حسین بروتری**، [ح س ن ب] (راخ) ابن حیدر مرعشی در گذشت ۱۱۷۶ ق. او را است: جامع الکتب و جز آن (هدیه الماروفین ۳۲۷۱۶).

**حسین برلاس**، [ح س ن ب] (راخ) رجوع به برلاس شود.

**حسین بروجرندی**، [ح س ن ب] (راخ) ابن آقا باقر، او دست «لسر الکتب» و در ۱۲۲ ق. در گذشت (ذریعه ۴۳، ۴۴ و ۲۷۱).

**حسین بروجرندی**، [ح س ن ب] (راخ) ابن محمد رضا حسینی مفسر شعر رجال شناس است. او دست منظومه «تجلیه الدقال» در علم رجال و تفسیر سوره بقره، وی در ۱۲۲۸ ق. = ۱۸۲۵ م. متولد شد و در ۱۳۸۴ ق. = ۱۸۶۷ م. در گذشت. (اعلام الشیبه قرن سیزدهم ص ۳۹۱ و اعیان الشیبه ۱۹۱۱۲۷).

**حسین بروجرندی**، [ح س ن ب] (راخ) ابن رضا حسینی نفا اصولی، او دست «زیلعة العقاب» در علم رجال و یک تفسیر دارد و در ۱۲۷۶ ق. در گذشت. (معجم المؤلفین از اعیان الشیبه و ذریعه ۱۱۱: ۶۰).

**حسین بروجرندی**، [ح س ن ب] (راخ) (حاج آقا...) ابن آقایی بن احمد بن علی بن بنی براد طباطبائی بروجرندی (۱۲۹۲ - ۱۲۸۱ ق.) وی از نوادگان سید محمد طباطبائی است که از زواره بیروجرندی رفته و فرزندانش در عراق و ایران تاکنون بچاندان بحر العلوم و طباطبائی شهرت دارند. بروجرندی بروجرندی متولد شده و مدتی در اصفهان و سپس از سال ۱۳۲۰ ق. در نجف تحصیل نمود و در ۱۳۲۸ ق. بیروجرندی باز گشت و پس از مرگ حاج شیخ عبدالنیر بهزندی خانی در ۱۳۶۴ ق. از آنجا بم آمد و مرجعیت عامه شیعه را یافت و تا آخر عمر در این مقام باقی بود. از آثار او مسجد بزرگی است که در جنب حرم معصومه ساخت و بنام مسجد اعظم معروف است و دارای کتابخانه مستقل و قاضی استغاثه میباشد و دیگر مدرسه یک که در نجف ساخته و آن نیز دارای کتابخانه قابل توجه میباشد. تفسیر مساجد و مدرسین بسواز و از جمله تفسیر «درست» مهابدان (۲) واقع در ممدان نیز بکوشش او انجام گرفته است. دامادی شرح احوال آورد در کتابی جداگانه بنام «مخاطرات زندگانی آیه الله العظمی بروجرندی» تألیف و در ۲۰۸ ص. منتشر کرده است.

دور زمان ریاست او بر حوزه روحانی قم برای اولین بار مکاتبات رسمی مذهبی میان این حوزه و حوزه جامع اذهر قاهره صورت گرفت.



حاجی آقا حسین بروجرندی طباطبائی

در کتاب «تأخرات زندگانی حضرت آیه الله العظمی آقای بروجرندی» کتب زیر را از تألیفات وی بر شمرده اند:

- ۱- رساله در اصول.
- ۲- حاشیه بر نهجیه.
- ۳- دوره فقه.
- ۴- حاشیه بر فهرست شیخ و تاجیب الدین.
- ۵- حاشیه بر «مجموعه».
- ۶- مستند صحیفه سجادیه.
- ۷- تجرید مسانید کافی (ذریعه ۱۱۲: ۱۰).
- ۸- بیوت الشیعه.
- ۹- اسانید تهذیب.
- ۱۰- اسانید من لا یحضره الفقیه.
- ۱۱- اسانید رجال کشی.
- ۱۲- اسانید اصحاب.
- ۱۳- اسانید خصال ممدون.
- ۱۴- اسانید اعمالی شیخ صدوق.
- ۱۵- تجرید اسانید علان الشراعی.
- ۱۶- فهرست شیخ.
- ۱۷- تجرید رجال کشی.
- ۱۸- مستدرک رجال شیخ طوسی.

**حسین برهان**، [ح س ن ب] (راخ) (محمد...) ابن توف بریزی، متخلص برهان که برهان قاطع را در ۱۰۸۲ ق. نگاشت. رجوع به برهان تبریزی شود.

**حسین بزوی**، [ح س ن ب] (راخ) خراسانی (شاه...) از شاهان دوران میرعلی شیراز - (ذریعه ۲۳، ۴۱۹).

**حسین بزوفری**، [ح س ن ب] (راخ) ابن علی بن سفیان بن خالد محدث است. و حاد بن ابن موسی المکبری متوفی ۲۸۰ ق. از وی روایت دارد. او دست کتاب «اسکام و امید» و جز آن (ذریعه ۲۹۹، ۱۲۵۵).

**حسین بسوی**، [ح س ن ب] (راخ) معروف به حسین الفتدی رئیس الکتاب دوم و

(۱) در مجالس العشاق داستانهای عشقی و امر داری را به برخی یغیوران و امامان و بزرگان موقیان نسبت داده است. و نسخه چاپی هند این کتب دارای صحت های عکس از این داستانها نیز میباشد. (۲) این مدرسه را مهدقلی خان در ۱۲۳۳ ق. پایه گذاری کرده است. رجوع به مقدمه این افتخاره ص ۲۴۳ شود.

حسین بهلوان

در گذشته ۱۰۹۰ ق. اوراست بدایع انو قایم  
در تاریخ ششانی بشر کی . (هدیه المارین ۹۹  
۳۲۲)

حسین بثنوی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن داود کرد نشار اورا این شهر آشوب حد  
«منایب» آورده زودمه الم المله ۳۶ و ۱۶۷  
نیز اورا یاد کرده است . اوراست ان رسائل  
البثنویة و الملائل ( ذریه ۲۲۶۱۸  
و ۱۰ = ۲۱۴) . و تاریخ کردیاسی م ۸۶ .  
حسین بصری . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن عبد الله معتزلی مکنی بابو عبدالله متکلم  
مؤلفات بسیار داشت و در ۲۶۷ ق = ۹۷۸ م  
در گذشت ( معجم المؤلفین ۱۹۱۵ ) .

حسین بصری . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن علی نمری . ابو عبدالله بغدادی ثنوی .  
رجوع به حسین نمری شود .

حسین بصری . رجوع به حسین خلیع  
و حسین صبیح و حسین بن نصر شود .

حسین بطیطی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن علی (الشیخ العافظ ...) تبره العوام  
مرثی داری از فارسی بصری ترجمه کرده  
است (ذریه ۲۱۲۴)

حسین بغدادی . [ح س ن ب ] (راخ) از  
جریان و مشکلات مده سوم بود . رجوع به  
حسین نجاتین محمد شود .

حسین بغدادی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن عبدالله بن یوسف بن احمد بن حنبل  
بغدادی مکنی بابو علی . شاعر فیلسوف  
پرشک در بدایع معتزله اخبار ۷۴ ق =  
۱۰۸۱ م . در گذشت . او صاحب قصیده دانی  
است که با بن سینا حسوب شده است . (معجم  
الادباء ۲۳۱۱ و معجم المؤلفین) .

آغاز قصیده چنین است  
ربک ایوا فک البدار

آخده ذالسیرام اضر ان  
و این قصیده بر علوطیح و مقام رفیع علمی و  
دوشن بینی وی دلایل است .

حسین بغدادی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن هسان بن ثابت مشریری در ۳۷۸ ق =  
۹۸۸ م در گذشت منظومه بی در قیامت دارد .  
(الوافی و الویات ۱۰۱۴۹۱ و طبقات الفراء  
۲۴۳۱ و منتظم ابن جوزی ۲ : ۱۴۲ و  
معجم المؤلفین) .

حسین بغدادی . رجوع به حسین منجم  
شود .

حسین بقمی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن ابومحمد مطوسی استاد سید نصر الله حائری  
مقتول در ۱۱۶۸ ق . بوده و بوی اجازت داده  
است وی شاگرد مجلسی و محمد امین کاظمی و  
حر عاملی بوده است . (ذریه ۳ و ۱۸۰۶  
۳۰۱) .

حسین بغوی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن مودین محمد معروفه با بن فرام نوری  
شافعی در مرو و رود خراسان در ۹۱۶ ق .  
= ۱۱۲۲ م . پس از هفتاد و اند سال صبر

و دیدن پیش از معتزله در وی حدیث . در گذشت  
اوراست معالم التنزیل در تقسیم و معایب السنة  
و التعلیم و شمائل الشیخ و الجمع بین المصعبین  
(سیر النبلاء ۱۲ ، ۱۰۲ و طبقات الشافعیة  
۲۳۷ و تذکره الحفاظ ۳۰۱ و ابن سلکان  
۴۰۲۰۱ و ظلمات ۴۱۴ و روایات ۲۴۶  
و طبقات المفسرین سیوطی ۱۲ و محتاج  
السادة و کشف الغننون و معجم المؤلفین  
و هدیه العارفين ۱ : ۳۱۲ و تاریخ کردیاسی  
۸۰۹ و ۸۱۳) .

حسین بلاغی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن غالب ابن عباس بن ابراهیم بن حسین بن  
عباس بن حسن بن عباس بن حسن بن محمد علی  
بلاغی دمی کاظمی شاعر نبطی در گذشته  
۱۲۲۰ ق = ۱۹۰۲ م . (معجم المؤلفین .  
۱۳۱۴) .

حسین بلاغی . [ح س ن ب ] (راخ) ابن  
محمد بن خسرو . در شوال ۲۰ ق =  
۱۱۲۶ م . در گذشت . وی با بن خسرو شهرت  
دارد و اخبار ابوحنیفه را گردآوری نموده  
است . (معجم المؤلفین از سیر النبلاء ۱۲ : ۱۳۶  
و الوافی بالوفیات ۱۱ : ۱۰۸ و اسان البزوان  
۲ : ۱۱۲ و کشف الغننون) .

حسین بله جکی . [ح س ن ب ] (راخ) از  
[راخ] ابن محمد . رجوع به حسین حدادی  
شود .

حسین بنگلی . [ح س ن ب ] (راخ) دهی  
است از دهستان چایلق بعضی الیکودرز  
شهرستان پروجر واقع در ۴ هزار گزی شمال  
خاوری الیکودرز کنار راه مالرو حسین آباد  
بشایع آباد . ناحیه بیست واقع در جنگه  
معتدل . دارای ۱۹۷ تن سکنه میباشد .  
فارسی و لری زبانند . از نباتات مشروب میشود  
محصولاتش : غلات . لبنیات . پشم . پنبه .  
اهالی بکشاورزی و گله داری گذران میکنند  
راه مالرو است . ( از فرهنگ جغرافیایی  
ایران ج ۶) .

حسین بهادر . [ح س ن ب ] (راخ)  
رجوع به حسین باشر اشود .

حسین بهجتی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن عبدالله رومی کاتب دیوان و متخلص به  
بهجتی بود در زمان ۱۰۹۵ ق . در گذشت  
دیوان ترکی دارد (هدیه المارین ۳۴۱۹) .

حسین بهشتی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن محمد علی قاری معاصر شاه اسماعیل  
صفوی بوده است . فرداست تجرید القرائن  
و کتاب الحساب (ذریه ۳ : ۶۷۷ و ۳۶۶) .

حسین بیدمانی . [ح س ن ب ] (راخ)  
رجوع به حسین روانی شود .

حسین بیضاوی . [ح س ن ب ] (راخ)  
رجوع به بیضاوی و ریاض العارفين شود .

حسین بیگلوی . [ح س ن ب ] (راخ) دهی  
است از دهستان جای یاره بخش فرعی  
الدین شهرستان شوی واقع در ۴ هزار گزی  
خاورد فرعی الدین و چهار هزار گزی خاورد

حسین بیگلوی . [ح س ن ب ] (راخ)  
حسین بیگلوی . [ح س ن ب ] (راخ)  
حسین بیگلوی . [ح س ن ب ] (راخ)

شود فرعی الدین شوی ناحیه بیست واقع  
در جنگه کنار آغ جای . معتدل مالار باقی  
دارای ۲۵۸ تن سکنه میباشد . ترکی زبانند  
لذات آغ جای و نباتات مشروب میشود محصول  
آن : غلات . حبوبات . اهالی بکشاورزی  
و گله داری گذران میکنند . صنایع دستی  
جاجیم بافی . راه ارا به رو در تابستان از راه  
ارابه رو فرعی الدین میفران اتومبیل برود .  
(از فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۴) .

حسین بیگی . [ح س ن ب ] (راخ)  
دهی است از دهستان هنام و به نام بخش سلسله  
شهرستان خرم آباد واقع در ۱۲ هزار گزی  
خاورد اشتر ۱۲۳ هزار گزی خاورد راه خرم  
آباد به اشتر . ناحیه بیست واقع در جنگه .  
مردسیر مالار باقی دارای ۱۸۰ تن سکنه  
میباشد . فارسی لکی زبانند . از سر آب  
هنام مشروب میشود محصولاتش : غلات .  
نبیبات . پشم . حبوبات اهالی بکشاورزی و  
گله داری گذران میکنند راه مالرو است .  
ساکنین از طبایفه حسنها بوده برای تعلیق  
احشام زمینان قشلاق میروند . (از فرهنگ  
جغرافیایی ایران ج ۶) .

حسین بیهقی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن علی رجوع به حسین کاشی و حسین سلمی  
شود .

حسین بیهقی . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن علی بن محمد در گذشته ۱۱۷۷ ق . اوراست  
مناهیح الکنوز و منبهات القلوب در تصوف  
که برای سلطان باورید تألیف کرده است .  
(هدیه المارین ۳۱۷۱) .

حسین بیهم . [ح س ن ب ] (راخ)  
ابن عمر بن حسین فیهانی بیهم شافعی نثرانیس  
شاعر بود . در بیروت ۱۲۴۹ ق . = ۱۸۳۳ م .  
برایه و بنامندگی از طرف بیروت در یار لکان  
از کت عثمایی شرکت کرد و بر ریاست جمعیت  
علمی مورد بهر گزی به شدت دیوان شعر و یک داستان  
از وی باقی است در ۱۲۹۸ ق . = ۱۸۸۱ م .  
در گذشته (تاریخ آداب الفجر می زیبان .  
۲ : ۲۲۹ و معجم المطبوعات و معجم  
المؤلفین) .

حسین پاشا . [ح س ن ب ] (راخ) ابن محمد  
اقتدی معلم ریاضی مدرسه هندسه اظهذ و در  
۱۲۸۳ ق . با اسماعیل پاشا یاریس رفت و در  
پیشرفت صنعت چاپ مصر کوششها کرد .  
اوراست اسعاف الاسعاف بولاق در ۱۲۹۰ ق .  
و الموعظ النور ترجمه از ترکی بولاق در  
۱۲۹۱ ق . (معجم المطبوعات) .

حسین پاشنه حلائی . [ح س ن ب ] (راخ)  
(راخ) ابن اسماعیل بزی . حاشیه بر حاشیه  
تولید از ملا عبدالله بزی دارد (ذریه ۶  
۶۰) .

حسین پروانه . [ح س ن ب ] (راخ)  
اصفهانی شاعر عجمه فتح هلیشه بود . (ذریه  
۹ : ۱۵۷) .

حسین بهلوان . [ح س ن ب ] (راخ)

دیوانه شاعر عصر عظیم است و احوال او را در مجالس القاسم من ۲۷ و ۵۲ یاد کرده است .

**حسین پورنیا** . [ح' س' ن' ت'] (راج) مؤلف التذکره رجوع به پورنیا و مؤلف التذکره شود .

**حسینة** . [ح' ن'] (ع' ص) رجوع به حسینة شود .

**حسین قاری** . [ح' س' د' ن'] (راج) استغابانی شاعر دوره قاجار دیوان شعری ده هزار بیت است . (ذریعه ۱۹ : ۱۶۰)

**حسین قباغی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن احمد بن تیران . رجوع به قباغی شود .

**حسین قهریزی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) رجوع به حسین قاضی حمام الدین و برهان تبریزی شود .

**حسین قهریزی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن احمد بن محمد تبریزی . اوراسته . محتاج الکتوز و مصباح الرموز (کشف الظنون) .

**حسین قهریزی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) (حافظ . . .) ساکن اصفهان و ملازم میرزا حبیب الله صدر بود و در حدود ۱۰۶۰ ق . در گذشت و بر سرش میرزا علی رضا در همین سال بمقام شیخ الاسلامی منصوب شد . (ذریعه ۲۲ : ۱۹)

**حسین قهریزی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن حیدر تبریزی مرعشی زومی حنفی در گذشته ۱۱۷۶ ق . اوراسته جامع الکتوز و جز آن . (مجموعه المؤلفین بنقل از هدیه المآثرین و فهرست خدیو) .

**حسین قهریزی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن عبدالرزاق خطیب . اوراسته . بنقل از المآثرین . (اعلام الشیعه قرن سیزدهم ۲۹۷ المؤلفین) .

**حسین قهریزی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن عبدالملکی توتنجی متکلم . اوراسته از آل الواسوس در ردیف او در ۱۳۴۶ ق = ۸۶۲۸ هـ زنده بوده است . (مجموعه المؤلفین از بروکدهان پیوست ۱۲ ص ۸۳۹)

**حسین قهریزی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن نجف بن محمد نجفی مکنی بابو العواد متکلم و شاعر . متولد نجف ۱۱۵۹ ق = ۱۷۴۶ م . وموفی در ۲ محرم ۱۲۰۱ ق = ۱۸۳۵ م . اوراسته التمهید المنجیة در مسئله حسن و قبح عقلی و دیوان شعر (اعلام الشیعه قرن سیزدهم ص ۴۴ و اعیان الشیعه ۲۷ : ۲۸۰) و (مجموعه المؤلفین) .

**حسین تجلی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) (مجموعه . . .) شاعر کاشانی بهندرفت و در ۱۰۴۱ ق . در گذشت . (ذریعه ۵۹ : ۱۶۸)

**حسین تجیبی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن محمد بن حسین بن حسین نجفی فرغی اویب مهندس و متجدد شاعر بر این بر محو ریاضی تلمذ کرد و مصرعین شد و در سن در

۴۵۶ ق = ۱۰۶۴ م . در گذشت اوراسته ذریعه مختصر . پرورش دهند سینه (مجموعه المؤلفین و مجمع الادب ۴ : ۹۲ و فتح الطیب ۲۶۶ و هدیه المآثرین ۵۹ : ۴۱۰)

**حسین قرظی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن قاضی فیاض الدین بصری سنی ملقب به اختصار الدین فقیه و قاضی هرات و قاضی اختیار معروف بود اوراسته . المقامات و « اساس الاقتباس » و « مجالس الملوك » (اعلام زر کلی ۲ : ۲۷۵ و مجمع المؤلفین) . رجوع به حسن اختیار الدین و فهرست دانشگاه ۲ : ۶۸۹ - ۶۹۲ شود و در هدیه المآثرین ۳۱۷ : ۳۱۷ مرگ او در ۹۲۸ ق . آورد و مجالس الملوك و مقامات حسینی و « مختار اختیار در میان فضایل روزگار » بوی نسبت داده است .

**حسین قرک** . [ح' س' ن' ت'] (راج) محمد ابن حسن بن حیدر حسینی کوه کسری متولد در ارواق از اواسی تبریز و متوفی در نجف ۲۲ رجب ۱۲۹۹ ق = ۱۸۸۲ م . او فقهی اصولی و مرجع شیعه بود اوراسته « مقدمه واجب » و جز آن . وی بعد از شیخ مرتضی انصاری مرجعیت یافت . (مجموعه المؤلفین از اعیان الشیعه ۲۷ : ۱۵۴ و اعلام الشیعه قرن سیزدهم ص ۲۴۰ و ذریعه ۱۹ : ۱۱۱ و ۳۱۵)

**حسین قرک** . [ح' س' ن' ت'] (راج) شیرازی شاعر . اوراسته « لاله زار » و « هدیه البکانه » جز آنجا . (ذریعه ۱۹ : ۱۶۹)

**حسین قزلباشی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن عقیق بن حسین بن رشید عرسی الاصل ساکن سبت زومی مالکی ملقب به جمال و مکنی بابوعلی شاعر فقیه و اصولی بود . در ۵۴۹ ق = ۱۱۵۴ م . متولد و در ۶۴۳ ق = ۱۲۴۰ م . بصر در گذشت . حدیثی تدویر میکرد . و آیاتی دارد . (از اختیار ناطقه ۱۱ : ۳۰۰ و الذریعه ۱۰۵ و ایضاً المکتون ۲۲۳ : ۲۲۳ و مجمع المؤلفین و هدیه المآثرین ۱۶ : ۴۱۲ و زر کل من ۲۵۲ : ۲۵۲)

**حسین قزلباشی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ناصر قائم محمد بن محمد ذریع جیلانی از علمای سنده و از زعم . اوراسته . تفسیر قرآن . ساکن اصفهان بود در آنجا در گذشت و در قبرستان آب بخش دفن شد . (ذریعه ۱۴ : ۲۶۷)

**حسین قزوی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) شیخ کمال الدین محاسب هرات در زمان سلطان سعید و میرزا حسین بامرا در ۹۸۸ ق . در گذشت (رجال عیوب السیر من ۱۴۷ و ۱۴۲)

**حسین قلعه کبری** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ح' نیا (راج) ابن هارون بن موسی . برادر محمد بن هارون قلعه کبری در گذشته ۳۸۷ ق . است . به دو سر هر دو مدخل اند . شیخ جنوسی متوفی ۴۶۰ ق . از وی و او از پدرش . روایت دارد (ذریعه ۲۸ : ۲۴۲)

**حسین قنکابنی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) رجوع به حسین قنکابنی شود .

**حسین قنکابنی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن ابراهیم . اوراسته . اثبات حدیث الطالم (ذریعه ۱ : ۶۰ و ۹۲ : ۴۹۲)

**حسین توفانی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن عبدالله معروف بابن المدرس . اوراسته شرح عوامل و احوال باب قوس و قروح و در ۹۴۶ ق = ۱۵۲۰ م . در گذشت (اعلام زر کلی ۱۴ : ۲۶۲ و مجمع المؤلفین) و در هدیه المآثرین ۱۱ : ۴۱۷ . او را غوثی میسر عبدالرحمان و ملقب به حاتم الدین زومی نگاشته و یک شرح تخریص او شرح موانع بلوغت داده است .

**حسین توفانی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن عبدالرحمان . رجوع به ماده قبل شود .

**حسین ثعالبی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) رجوع به حسین مرعشی شود .

**حسین ثعلبی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن محمد بن حسین بن عبدالله ابن صالح بن شیب بن قندوبه ثقفی دیوبندی مکنی بابو عبدالله محدث است . در نیشابور در ربيع الآخر ۴۱۴ ق = ۱۰۲۲ م . در گذشت و از ابو بکر ابن السنی روایت دارد . (مجموعه المؤلفین از سیر النبلاء ۱۱ : ۸۵ و دیوان التواریخ ۱۲ : ۱۲ و شذرات الذهب ۳ : ۲۰۰)

**حسین ثمر** . [ح' س' ن' ت'] (راج) (میرزا محمد . . .) شاعر است و شعر تغزل دارد و دیوانش چاپ شده است . (ذریعه ۱۹ : ۱۸۴)

**حسین ثمالی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) مشهوری که در کلمه ثمالی در همین لغتنامه یاد شده است . در هدیه المآثرین ۱۶ : ۳۹۹ و ۲۲۰ و در دیوان یاد شده نخستین را استاد فیض هندی دانسته و فائش را در ۹۷۰ ق . نگاشته و مشغولی « نتایج افکار » در ۱۰ هزار بیت یاد نسبت داده است و دومین را پسر غیاث الدین علی موفی ۹۹۵ ق . و صاحب دیوان شعر دانسته شده است . رجوع به ذریعه ۱۹ : ۱۸۵ شود .

**حسین جالدار** . [ح' س' ن' ت'] (راج) یکی از امرای شاهنشاهی فرمانروای شیراز در قرن هشتم . رجوع به تاریخ عصر حافظ ج ۱ ص ۱۶۸ و ۱۷۰ شود .

**حسین جالدار** . [ح' س' ن' ت'] (راج) رجوع به حسین خاندان شود .

**حسین جدایی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن حدیث مکنی بابو القاسم ثمالی است و از نعمان بن بشیر حدیث شنید . رجوع به ابوالقاسم شود .

**حسین جرجانی** . [ح' س' ن' ت'] (راج) ابن حسن . (باب ابن مکنی بابو القاسم) . اوراسته . جلاء الاذهان در تفسیر قرآن که مختصر تفسیر ابوالفتح است و در ده جلد چاپ شده است . وی در سده دهم میزیست . (ذریعه ۱۵ : ۱۲۴) و فهرست میسلار ج ۱ ص ۱۰۱ و فهرست دانشگاه ج ۱ ص ۸۵ و مقدمه چاپ تفسیر) .

**حسین جزائری** - [ح س ن ج ز] (راج) ابن علی بن جعفر بن علی بن محمد بن خلف عجمی رجال شناس و فاضل بصره و معروف باین ماکولا بود. وی در ۳۶۸ ق = ۹۷۹ م. متولد و در شوال ۴۴۶ ق = ۱۰۵۵ م. درگذشت. اوراست «دالاکمال» در رجال (معجم المؤلفین از طبقات شامیه ۱۵۵ و منتظم ابن جوزی ۱۶۷: ۸ و شذرات الذهب ۲۷۵: ۳ و رجوع به ابن ماکولا شود.

**حسین جزائری** - [ح س ن ج ز] (راج) ابن محمد و دین احمد بن محمد رضا ابن علی جزائری شوشتری خرم آبادی. در جمادی الثانی ۱۳۲۳ ق = ۱۹۰۵ م. درگذشت. اوراست «تجوم النجوم» (اصیان الثبته و معجم المؤلفین).

**حسین جزائری** - [ح س ن ج ز] (راج) ابن رضا بن علی اکبر بن عبدالله شوشتری نجفی فقیه اصولی بود. در شوشتر متولد شد و در نجف سال ۱۲۹۱ ق درگذشت. اوراست «فواکه الاحکام و جزآن» (اعلام الشیعه قرن سیزدهم. ص ۳۹۲ و معجم المؤلفین از اعیان الشیعه).

**حسین جزائری** - [ح س ن ج ز] (راج) ابن عبدالکریم بن محمد جواد بن عبدالله جزائری موسوی شوشتری فقیه بوده است. در کاظمین ۱۲۴۶ ق = ۱۸۳۰ م. درگذشته تألیفاتی دارد. (اعلام الشیعه قرن سیزدهم. ص ۳۹۸ و معجم المؤلفین).

**حسین جزری** - [ح س ن ج ز] (راج) ابن احمد ابن عبدالله شافعی درگذشته ۴۴۴ ق. دیوان شعر و مصباح الزمان دارد (هدیه العارفین ۳۱۰ - ۳۰۹ از صفوة الادباء).

**حسین جزری** - [ح س ن ج ز] (راج) ابن احمد جزری حلبی شاعر از حلب بروم رفت و بازگشت و در دهه ۱۰۳۲ ق. درگذشت. دیوان شعر دارد. (هدیه العارفین ۳۲۱: ۱).

**حسین جسر** - [ح س ن ج] (راج) طرابلسی حنفی طرابلسی روزنامه نگار. متولد ۱۲۶۱ ق = و متوفی در رجب ۱۳۲۷ ق = ۱۹۰۹ م. او روزنامه «طرابلس» را منتشر میکرد و تألیفاتی دارد مانند «المدینه و جزآن» (معجم المؤلفین از فهرست ظاهریه و تراجم علماء طرابلس ص ۱۶۷ و فیهة الشام ص ۱۹۶ و تاریخ آداب اللغة عربی زیدان ۲۵۱ و معجم المطبوعات و اکتفاء التنوع و ابضاح المکتون و فهرستهای تیموریه و جامع ازهر و دارالکتب و ذکر کلی ص ۲۶۰).

**حسین جعل** - [ح س ن ج] (راج) ابن علی ابن ابراهیم معروف بجمل الکافزی متکلم بود. تولد و وفات او را ابن ندیم (۳۰۸ - ۳۹۹ ق.) آورده و در الوانی

(۲۸۹ - ۳۶۹ ق.) و در هدیه العارفین (۲۰۳ - ۳۹۹ ق.) و در بصره و بغداد اذ شده است. اوراست «الایمان» و «الانراذ» و «العرفه» و «درذوانی» و «درذوانی» (اعلام زرکلی ص ۲۵۴ و معجم المؤلفین از سیر النبلا ۲۰۲: ۱۰ و الوانی ۱۰۹: ۱۱ و تاریخ بغداد ۷۳: ۸ و ابن ندیم ۱۷۵ و لسان المیزان ۲: ۳۰۳ و هدیه العارفین ۳۰۷: ۱).

**حسین جلالی** - [ح س ن ج ی] (راج) رجوع به حسین بن اریس و حسین بن ملا الدوله شود.

**حسین جلیسی** - [ح س ن ج] (راج) ابن موسی بن هبة الله بن موسی بن موسی اوراست «تعارف الصائغ» در نهر و بس از ۳۴۰ ق = ۹۵۱ م. درگذشت. (روضات ۳۴۶ و پروکلمان ذیل ۵۱۰: ۱ و معجم المؤلفین در هدیه العارفین ۲۱: ۲۱۰ - ۲۱۱ مرگت او را در ۴۹۰ نوشته است.

**حسین جمعی** - [ح س ن ج] (راج) ابن ملا محمد از قریه نیم وزیر در چهار سنکی سیراف معروف بقاضی جم متوفی در ۲۵ ذیحجه ۱۳۱۹ ق. اوراست جام جم در تاریخ سیراف و بغداد و ریاض المصائب (ذریعه ۵۰۱: ۲۳).

**حسین جنبانی** - [ح س ن ج ب] (راج) ابن حدان حبیبی (۲۶۰ - ۳۴۶ ق) مکنی بابو عبدالله. اوراست «اختیار اصحاب الائمة» و «الهدایة» و «الاخوان» و جز آنها وی استاد تکبیری بوده است. (ذریعه ۳۲۰: ۱۱ و ۲۸۱).

**حسین جوزقانی** - [ح س ن ج ز] (راج) ابن ابراهیم بن جعفر منسوب به جوزق (جوسق = گوشک) کوهی به عنوان است. وی فقیه بود در ۴۳۴ ق = ۱۱۴۸ م. درگذشت اوراست التکلیف و جزآن. (هدیه العارفین ۳۱۳: ۱ و زرکلی ۲۴۱: ۴).

**حسین ججه** - [ح س ن ج] ده از دهستان دهق بخش نجف آباد شهرستان اصفهان ۵۰ هزار گری شمال باختری نجف آباد. کنار راه آدرشاه به انوشیروان جلگه - مدخل. سکنه ۸۳۹ تن. زبان فارسی. آب از قنات. محصول غلات، انگور و سیب زمینی، صیفویه باوادم، کثیرا، شکر، زراعت - صنایع دستی زنان، کرباس بافی. راه فرعی دبستان و بانک کاروانسرای شاه عباسی دارد. (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۱۰).

**حسین جهان سوز** - [ح س ن ج] (راج) رجوع به حسین غوری و کلمه غوریان شود.

**حسین جیانی** - [ح س ن ج ی] (راج) ابن علی ابن عبدالله بن عبدالعزیز بن محمد جانی فهری فرناطی بطنسی حافظ معروف باین ناظر. رجوع به حسین فرناطی شود. **حسین جیانی** - [ح س ن ج ی] (راج)

(راج) ابن محمد بن احمد قسانی الفطری جیانی مکنی بابو علی نسبتا حافظ لغوی شاعر در محرم ۴۲۷ ق = ۳۰۵ - ۴۱۰ م. متولد شد و در ۱۲ شعبان ۴۹۸ ق = ۱۱۰۵ م. درگذشته است. اوراست «تقیید المعانی و تیسیر المشکل» (معجم المؤلفین از سیر النبلا ۲۴۱: ۱۲ و الوانی بالولیات ۱۱: ۱۰۵ و وقایع الاعیان ۱۹۸: ۱ و بنیادیه ابن کثیر ۱: ۱۶۵ و تذکره الحفاظ ۲۰۴ و شذرات الذهب ۴۰۸: ۳ و ۲۳۱: ۳ و مرآت البینان ۴۶: ۳ و کشف الظنون. و هدیه العارفین ۳۱۹: ۱).

**حسین جیلانی** - [ح س ن] (راج) رجوع به حسین ثبانی شود.

**حسین جتالجه وی** - [ح س ن ج] (راج) ابن عبدالله حنفی مدرس. اوراست «الحدیقه الدبیه فی شرح الطریقه الصمدیه» و در ۱۲۳۰ ق = ۱۸۱۵ م. درگذشت. (کشف الظنون و ابضاح المکتون ۳۹۹: ۱ و معجم المؤلفین و هدیه العارفین ۲۲۹: ۱).

**حسین حاسبی** - [ح س ن ج] (راج) ابن عبدالله ادنی وی حنفی ملقب بآلی. اوراست «مقود الجمان» و «دلجاة القات» و جز آن و در ۱۰۵۰ ق = ۱۶۴۰ م. درگذشت. (هدیه العارفین ۲۲۲: ۱ و معجم المؤلفین).

**حسین حاکری** - [ح س ن ج] (راج) ابن محمد بن مرتضی بن محمد بن علی حسینی حاکری شاعر، تذکره شعرا دارد وی در ۱۲۴۶ ق = ۱۸۳۰ م. متولد و در ۱۳۱۹ ق = ۱۹۰۱ م. درگذشت. (معجم المؤلفین از اعیان الشیعه ۱۲۶: ۲۷).

**حسین حاکری** - [ح س ن ج] (راج) ابن محمد بن محمد بن علی حسینی حاکری حاسبی در ۱۲۴۶ ق = ۱۸۳۰ م. متولد و در ۱۳۱۹ ق = ۱۹۰۱ م. درگذشت. (معجم المؤلفین از اعیان الشیعه ۱۲۶: ۲۷).

**حسین حاسب** - [ح س ن ج] (راج) ابن محمد بن عبدالله ابن الونی (۱) بغدادی ظریف غرضی مکنی بابو عبدالله حاسب. درگذشته در بغداد در ۴ ذیحجه ۴۵۰ ق = ۱۰۵۵ م. اوراست «الکافی در المرائض» (معجم المؤلفین از سیر النبلا ۱۱: ۱۷ و الوانی بالوقیات ۱۰۵: ۱۱ و وقایع الاعیان ۱۸۳: ۱ و انساب سنی ۵۸۶ و هدیه العارفین ۳۹۰: ۱).

(۱) ونی [س ن] منسوب به وی از افعال فهدان است. (هدیه العارفین).

حسین حاسبی [ح س ن ح] (راخ) رجوع به حسین هرمزی شود.

حسین حاسبی [ح س ن ح] (راخ) این علمای بن حسین بن حمدان حاسبی مکنی یابو عبدالله و لقب بزین الدین سجاد است و در احکام آن تألیفات دارد و در ۳۴۰ ق = ۹۵۱ م در گذشت. (معجم المؤلفین) رجوع به حاسبی شود.

حسین حبشی [ح س ن ح] (راخ) ابن محمد بن حسین بن عبدالله حبشی صوفی در شهر میون در ۱۲۵۸ ق = ۱۸۴۲ م متولد و در مکه در ۱۳۲۰ ق = ۱۹۰۲ م در گذشت کتابچه ای در زنجیره روایات خویش دارد. (معجم المؤلفین از الاعلام الشرقیة).

حسین حبشی [ح س ن ح] (راخ) ابن علی ابن حسن بن ابراهیم بنی آبی شافعی فقیه حنفی. در ۱۲۰۴ ق = ۱۷۹۰ م متولد و در ۱۲۵۶ ق = ۱۸۴۰ م در شهر ارب در گذشت. اوراست «بلوغ الارادة و نيل الحسنى» و جز آن (معجم المؤلفین از نيل الكوثر ۳۸۰۱).

حسین حدادی [ح س ن ح] (راخ) ابن محمد بن علی رومی لغوی مفسر اوراست «معراج الترابية» در تصحیح (معجم المؤلفین از عذبة العارفين ۲۲۸۱) و ابضاح المکنون (۱).

حسین حرانی [ح س ن ح] (راخ) ابن محمد بن ابی نصر همدانی جزیری مکنی ابو عمرو و به محدث مورخ متولد پس از ۴۲۰ ق = ۸۳۰ م. و متوفی در ۴۱۸ ق = ۹۳۰ م. اوراست تاریخ الجزیرین و جز آن (معجم المؤلفین از سير النبلاء ۲۷۲۹) و فهرست ابن الدیم ۲۴۰ و تذکرة الحفاظ ذهبی ۳۰۴۱۲ و کشف الظنون و فهرست فائزیه و ابضاح المکنون و هدیة العارفين (۲۰۵: ۱).

حسین حسام الدین [ح س ن ح] (راخ) (امیر...) از کتبه امیر ارغون بوده است. (تاریخ جهانگشای جوشی ج ۲ ۱۲۴۴-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۶۰).

حسین حسن آباد [ح س ن ح] (راخ) دهی است از دهستان سنگان بخش رشخوار شهرستان تربت حیدریه - همدان هزار گزی شمال باختری رشخوار چهارمیز از گزی نویبوشوسه همرفی تربت حیدریه به رشخوار تاجیه بیست واقع در جنگه سردسیر دارلای ۶۴ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند از غذات مشروباً میشود محصولاتش فلات بادام، پنبه، اهالی بکشاورزی، کله داری غالبه باقی گنجران میکنند راه مانرواست. (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۹).

حسین حسینی [ح س ن ح] (راخ) ابن محمد بن عبدالله علوی حسینی مکنی یابوعلی کتابی در ترجمه اشوال پیدرش سلطان محمد دارد و بسال ۱۲۱۲ ق.

حسین حاکم [ح س ن ح] (راخ) رجوع به حکیم کوچک شود.

حسین حاکم [ح س ن ح] (راخ) ابن سلیمان بن داود بن حیدر علی حبشی شاعر پزشکی متولد در نجف ۱۲۶۲ ق = ۱۸۴۶ م. و متوفی ۱۳۲۶ ق = ۱۹۱۸ م. همدان در پزشکی دارد. (اعلام الشیخه قرن چهاردهم ۴۶۱ و شعر اهل البلد خاقانی ۱۹۷۲) و معجم المؤلفین.

حسین حاکم [ح س ن ح] (راخ) ابن خلیل الکریدی حنفی مدرس از درقندیه بسال ۱۲۱۸ ق. در گذشت. اوراست «حاشیه سراجیه و اشراط الساعه» و جز آن (هدیه العارفين ۳۲۲۰۱).

حسین حسینی [ح س ن ح] (راخ) ابن محمد کمور، ریاضی دان و داستان سرا بود. در قاهره مدرس مدرسه هندسه بود و تألیقاتی در ریاضی داشت و در ۱۳۰۳ ق. در گذشت (معجم المؤلفین و اعلام زرکلی و معجم المؤلفین).

حسین حسینی [ح س ن ح] (راخ) ابن رستم رومی، از قضایه منیه بود و در بازگشت به مصر در ۱۰۲۳ ق. در گذشت. اوراست «التجويد المصحیح» و جز آن (معجم المؤلفین از کشف الظنون و هدیة العارفين ۲۲۱۰۳).

حسین حسینی [ح س ن ح] (راخ) ابن قدسی ساداتی محدث اصولی در گذشته ۱۰۷۷ ق. اوراست «القون البدیع» (معجم المؤلفین نقل از ذیل دوم پروکلمان من ۴۱۸).

حسین حسینی [ح س ن ح] (راخ) (حاج محمد...) ابن محمد حسن بن محمود قزوینی شیرازی عارف شاعر. در گذشته ۱۲۴۹ ق. اوراست «خسنة حسینی» که پنج منتهی است بنام «الهی نامه» و «اشتر نامه» و «مهر و ماه» و «واقی و قدر» و «وصف الجبل» که در شیراز با شرح او بر دیباچه های منتهی مولوی در ۱۳۲۴ ق. چاپ شده است. (ذریعه ۲۰۷۱۷).

حسین حصاری [ح س ن ح] (راخ) ابن اسماعیل بن مصطفی رومی. اوراست، کشف الکروب که در ۱۲۰۵ ق. تألیف کرده است (هدیه العارفين ۲۲۷۰۱).

حسین حسینی [ح س ن ح] (راخ) ابن مصطفی بن عبدالرحمان بن محمد شافعی در همدان متولد شد و در همدانجا در ۱۰۷۳ ق = ۱۷۶۰ م. در گذشت و در باب التفسیر دقت شد. اوراست حاشیه بر معراج ذریعه شافعی (معجم المؤلفین از سلك العرر ۶۲۱۲).

حسین حسینی [ح س ن ح] (راخ) رجوع به حسین ابن علی بن عبدالرحمان حسینی یا حبشی شود.

حسین حضرمی [ح س ن ح] (راخ) ابن فقیه بن عبدالله بن عبدالرحمان ابن ابوبکر بلخاج، افضل العظمی صوفی مستوفی در ترمیم ۹۷۹ ق = ۱۵۷۱ م. اوراست، «القصور الفتحیه» (معجم المؤلفین از التورود السافر ۳۴۴) و ابضاح المکنون و پروکلمان ۵۶۰۲ و هدیة العارفين ۳۳۰۱۶).

حسین حکیم [ح س ن ح] (راخ) رجوع به حکیم کوچک شود.

حسین حکیم [ح س ن ح] (راخ) ابن سلیمان بن داود بن حیدر علی حبشی شاعر پزشکی متولد در نجف ۱۲۶۲ ق = ۱۸۴۶ م. و متوفی ۱۳۲۶ ق = ۱۹۱۸ م. همدان در پزشکی دارد. (اعلام الشیخه قرن چهاردهم ۴۶۱ و شعر اهل البلد خاقانی ۱۹۷۲) و معجم المؤلفین.

حسین حلاج [ح س ن ح] (راخ) ابن منصور یابو منبیه فارسی پیشاوی بغدادی صوفی که در بغداد در ۲۶۶ ذی قعدة ۲۵۹ ق = ۱۹۲۲ م. به دار کشیده شد. کتابچه از وی باقی است. رجوع به حلاج در همین آنتنامه و تنبیه و اشراق مسعودی ۴۸۷ و فهرس ابن الدیم ۱۹۰ و تاریخ بغداد ۱۱۲۰ و روضات ۲۲۶ و ابن خلکان ۱۸۳: ۱ و منتظم ابن جوزی ۱۶۰۱۶ و دیباچه ابن کثیر ۱۳۲۰۱۱ و لسان المیزان ۳۱۴۱۴ و هدیة العارفين ۳۰۲۱۳ و ابوالفداء ۷۰۱۲ و خدوات ۲۵۳: ۲ و مرآت الجنان ۲: ۳۰۳ و منهج المقال ۱۹۷ و تنقیح المقال ۱: ۳۴۶ و منعه ماسنیون بر دیوانش و تاریخ الخلفاء ۲۵۳ شوت.

حسین حلیمی [ح س ن ح] (راخ) ابن حبیب مغرب پندر الدین. در گذشته ۷۷۹ ق. اوراست «فصول الریح» (کشف الظنون).

حسین حلیمی [ح س ن ح] (راخ) ابن سلیمان طائی. رجوع به حسین طائی و حسین دو انجی شود.

حسین حلیمی [ح س ن ح] (راخ) ابن عرب بن حسین بن عربین حبیب حنبلی لقب به شرف الدین در جمادی دوم ۷۱۲ ق = ۱۳۱۲ م. متولد و در حلب ۷۷۷ ق = ۱۳۷۹ م. در گذشت. اوراست «الفهرست» و «الشیخة». (معجم المؤلفین از خدوات اندهب ۳۵۱۱۶).

حسین حلوانی [ح س ن ح] (راخ) رجوع به حلوانی شود.

حسین حللی [ح س ن ح] (راخ) ابن کمال الدین الابرز الحسینی اعلی ادیب شاعر رچان شادس. اوراست، کتاب الرجال (معجم المؤلفین از شعر اهل البلد خاقانی ۲۰۷۸ و پروکلمان ۲: ۲۷۲ و ذریعه ۲۰۷۸: ۲۰۷۸) و فهرست دانشگاه ۶۷۰۳ و سلافة ۵۴۴).

حسین حللی [ح س ن ح] (راخ) ابن دره نیلی عالم فقیه بود و در نیل در ۶۴۴ ق. در گذشت و جنازه اش را بطله بردند. تصانیف دارد. (معجم المؤلفین نقل از اعیان الشیخه).

حسین حلیمی [ح س ن ح] (راخ) ابن حسن بن محمد بن حلیم بخاری باجرانی شافعی مکنی یابو عبدالله فقیه و محدث و متکلم، ادیب بود در بخارا در ۳۳۸ ق. برادر و در همدانوا بقضاء منصوب و در ریح اول ۴۰۳ ق.

در گذشت. اوراست: «منهاج الدین» در سه جلد. آیات السامعه (معجم الحسین بن علی) از فقهی و سیر النبلاء ۱۱۱۱ و الواوای بالوفیات ۶۵۱۱ و طایفه الشافعیة ۶۹۳ و تذکره الحفاظ و شذرات الذهب و کشف الظنون و هدیة المعارفین (۳۰۸۱).

**حسین حمامی** . [ح س ن ح م] یکی از سران لشکر صاحب الزنج و پیام کننده گان زنگی است. رجوع به صاحب الزنج و این نامه چ ۱۳۰۳ ق. ج ۷ ص ۸۴ شود.

**حسین حمدانی** . [ح س ن ح] ابن حمدان ابن حمدون تلمیذ متوفی ۳۰۶ ق. = ۹۱۸ م. عوی سیف الدولة حمدانی و مؤسس حمدانیان است. در ۲۸۳ ق. بدستور معتقد هارون بن عبدالله خازمی را شکست داد و اسیر کرد. و مقام عالی یافت و در نزد این معتر یا معتز طارقدازی ابن معتر کرد و پس از پیروزی معتز، حسین با خانوادهاش به سوی گریخت. و سپس معتز با او امان داد و امارت قم فرستاد و باز در آنجا باقی شد ولیکن بزودی اطاعت بازگشت و بمنزل دیار ری تبعه یافت و در آنجا با سر بیوجی کرد. لیکن این بار نیز منسوب شد و او را در ۳۰۳ ق. بقتل رسانید. بعضی معتقد انداختند و در ۳۰۶ ق. کشتند. (کامس ابن ابی ۲۴۰۸ و فهرست تجارب الامم و زر کلی ج اول ص ۲۴۸ و مجمل التواریخ ۲۴۸ و تاریخ سیستان ۲۸۹ و رجال حبیب السیر).

**حسین حموی** . [ح س ن ح م] (رخ) ابن عبدالله بن روحه ابن ابراهیم حموی مکنی ابو علی انصاری ادیب در واقعة کا در شعبان ۵۸۵ ق. کشته شد شعر وی در معجم الادب ج ۴ ص ۱۱۲۷ آمده است.

**حسین حناطی** . [ح س ن ح ن] (رخ) ابن محمد ابن حسن طبری شافعی مکنی ابو عبد الله حناطی فقیه بود و در بغداد میزیست و پس از ۴۰۰ ق. = ۱۰۱۰ م. در گذشت. اوراست: «الکفایة والفروق» (معجم المؤلفین از تهذیب الاسماء و طبقات الشافعیة ۱۳۰۳ و کشف الظنون) و در هدیة المعارفین ۱۱۱۱: ۲۱۱ مرگ وی در ۴۹۸ تعیین شده است.

**حسین خاتون آبادی** . [ح س ن] (رخ) ابن محمد صالح بن عبدالواسع حسینی اصفهانی از خاندان خاتون آبادی اصفهان و از هلای معروف سده دوازدهم است و در ۱۱۵۱ ق. = ۱۵۷۶ م. در گذشت است. اوراست: «الالواح السماعیة» و «خزائن الجواهر» و «السیم الثمینی» و جز آنها (ذریعه و ایضاح المکتون و هدیة المعارفین ۱) ۳۲۴ و نجوم السماء ۲۱۰).

**حسین خاتون آبادی** . [ح س ن] ابن مرید الباقی ابن حسین خاتون آبادی بزرگ یادشده در بالاست و در ۱۲۳۳ ق. در گذشت است «رسالة حلب» و در باریادی

مسبحی داشته است. (ذریعه ۱۰۱: ۲۱۰ و ۲۱۰: ۲۱۰).

**حسین خادم** . [ح س ن د] (رخ) از اهلای دیار مأمون عباسی بود. رجوع به حبیب السیر و ابن ابی و عیون الاقباء ص ۱۷۱ شود.

**حسین خاقانی** . [ح س ن] (رخ) ابن عباس بن محمد علی بن صالح اموی فقیه. شرایع را شرح کرده و مؤلفات دیگر نیز دارد وی پیش از ۳۰۰ ق. = ۱۸۸۳ م. در گذشت. (اهلام الشیمة قرن سیزدهم ص ۳۹۶ و معجم المؤلفین).

**حسین خاندی** . [ح س ن د] (رخ) ابن محمد بن موسی بن محمود بن محمد بن صالح بغدادی فقهی نقشه بندی مکنی ابو عبدالله کتاب. متولد ۱۱۵۱ ق. = ۱۷۳۸ م. و متوفی در ندرت در ۱۲۰ ق. = ۱۷۸۶ م. اوراست: «البشارة النبویة» (معجم المؤلفین از سنک الدرر ۲۲۰۲ و هدیة المعارفین ۴۱: ۳۲۸ و ایضاح المکتون ۱۴۲۱ و ۱۸۳).

**حسین خالص** . [ح س ن د] (رخ) شاعر اصفهانی عالم کبیر شام او را امتیاز خان لقب داد. و در ۱۱۲۲ ق. در گذشت. (ذریعه ۲۸۴: ۲۸۴).

**حسین خالص** . [ح س ن د] (رخ) ابن محمد بن جعفر لغوی نحوی خالص یا خالصی شاکر ابو علی فارسی و مرغانی بود. در ۳۳۲ ق. = ۹۴۵ م. متولد و در ۳۸۸ ق. = ۹۹۸ م. در گذشت. اوراست: شرح دیوان ابونصام و «تخیلات العرب» و «الاولیة والعیار» و «جز آنها» (معجم المؤلفین از الواوای بالوفیات ۱۱: ۶۳ و معجم الادب و لسان السیران و کشف الظنون و عیان التیمة ۱۲۷ و ۱۴۹ و تنقیح نامه آل روضا الجنات و اعلام زر کلی و هدیة المعارفین ۳۰۶: ۳۰۶).

**حسین خان** . [ح س ن] (رخ) دهری است از دهمستان نارونی بخش شیب آب شهرستان زابل. واقع در سه هزار گزی خاور سکوها و سه هزار گزی باختر واه فرعی بند زهک زابل. ناحیه بیست واقع در جلگه گرم معتدل دارای ۷۶ تن سکنه میباشد بلوچی و فارسی زبانند. از رودخانه هیرمند مشروب میشود. محصولات: غلات. اهالی بکشاورزی گنران میکنند. راه مال رو است. (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۸).

**حسین خان** . [ح س ن] (رخ) دهری است از دهمستان نجف آباد شهرستان بچار واقع در ۱۴ هزار گزی جنوب خاوری نجف. آباد سه هزار گزی خاور خراسان. ناحیه بیست تپه ماهور - سردسیر. دارای ۱۶۰ تن سکنه میباشد. کردی و فارسی زبانند. از چشمه مشروب میشود. محصولات: غلات. اشیات اهالی بکشاورزی و گله داری میکنند. صنایع زنان قالیچه، گنیم، جاجیم بافی است. راه مال رو است. (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۵).

**حسین خانداندار** . [ح ن] (رخ) ابن شهاب الدین بن حسین بن خاندان شامی بقاهی کرگی (۱۰۱۲ ق. = ۱۶۰۳ م. - ۱۰۷۹ ق. = ۱۶۶۵ م.) در اصفهان میزیست و پسر آباد و کن مهاجرت کرد و در آنجا در گذشت. اوراست: شرح نهج البلاغه و کتب دیگر: (معجم المؤلفین از سلافة العصر ۳۵ و در فضات ۶۵۲ و سلافة الاثر و نجوم السماء ۹۲ و ذریعه ۲۴۷) دو هدیة المعارفین ۱۱: ۴۲۳ و زر کلی ج اول ۲۴۷ او را جاندار باجم نوشته اند.

**حسین خان کندی** . [ح س ن ک] (رخ) دهری است از دهمستان اوشق بخش سرگری شهرستان مشکین شهر واقع در ۴۵ هزار گزی شمال خاوری مشکین شهر ۵۰ هزار گزی شومه گرمی اردبیل. ناحیه بیست کوهستانی معتدل. دارای ۱۷۰ تن سکنه میباشد. ترک زبانند. از چشمه مشروب میشود. محصولات: غلات، حیوانات. اهالی به کشاورزی گله داری گذران میکنند. راه شومه است. (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۴).

**حسین خانلو** . [ح س ن ل] (رخ) دهری است از دهمستان انکوت بخش گرمی شهرستان اردبیل. واقع در ده هزار گزی جنوب باختری گرمی ۱۰ هزار گزی شومه گرمی سیله سواد. ناحیه بیست واقع در جلگه گرمی مازادریاتی دارای ۷۶ تن سکنه میباشد. ترک زبانند. از چشمه و رود سامبور مشروب میشود. محصولات: غلات، حیوانات. اهالی بکشاورزی گله داری گذران میکنند. راه مال رو است. (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۴).

**حسین خانی** . [ح س ن] (رخ) دهری است از دهمستان کاکوت بخش دلفان - شهرستان خرم آباد. واقع در ۴۵ هزار گزی شمال باختری نور آباد ۲۲ هزار گزی باختر راه خرم آباد به کرمانشاه. ناحیه بیست تپه ماهور - سردسیر مازادریاتی. دارای ۱۲۰ تن سکنه میباشد. فارسی واری زبانند. از چشمه، ها مشروب میشود. محصولات: غلات اشیات. اهالی بکشاورزی و گله داری گذران میکنند و راه مال رو است. ساکنین از مطالبه غیب قلاب بوده. برای تعارف احشام زمستان کتلاق میروند. (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۶).

**حسین خانی** . [ح س ن] (رخ) دهری است از دهمستان کهر و کاکان بخش اردکان شهرستان شیراز واقع در ۴۵ هزار گزی شمال باختر اردکان - کنار شومه اردکان به تل خسروی. ناحیه بیست واقع در جلگه سردسیر دارای ۱۲۹ تن سکنه میباشد فارسی زبانند از چشمه مشروب میشود. محصولات: غلات حیوانات. اهالی بکشاورزی گنران میکنند. (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۷).

**حسین ختمی** . [ح س ن خ] (رخ) این بهلور است که بیگک پس از پدرش حاکم خوارزم از طرف سلطان حسین باقرا بود (ذریعه ۲۹۰: ۲۹۰).

حسین خرقی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) این عبدالله ابن احمد شرفی جنبلی مکنی یابو طی فیاضی در ده بند نظر. اوراست؛ مختصر در فروع جنبلی و در ۴۹۹۵ ق = ۹۱۲ م در گذشت ( تاریخ بغداد ۹۰۸ و کامل این ابر ۴۰۸ و معجم المؤلفین ).

حسین خرم. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) (راج) ذانوسی مازندرانی خراسانی الاصل؛ شاعر سنی معاصر هدایت بود و در مجمع الشعراء را یاد کرده است. ( ذریعه ۶ : ۲۹۲ )

حسین خزاز. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) این حسین بن ربیع بن حمید نطنزی کوفی محدث مورخ. در بغداد حدیث گفت و در ذریعه ۸۲ ق. در گذشت تألیفی در تاریخ دارد ( تاریخ بغداد و خطیب ۳۸۰۸ و منتظم ابن الجوزی ۱۵۴۰ و معجم المؤلفین ).

حسین خراسانی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن علی بن محمد بن احمد بن حسین رازی نیشابوری شیعی مکنی یابو الفتح همدانی که در ۵۲ ق = ۱۱۵۷ م. زنده بوده است. رجوع به کلمه ابوالفتح رازی در همین لغتنامه و نیز به ابضاح الکنون ۶ : ۵۸۰ و ۹۱۵ و او ایمن الشیخ ۶۱ : ۲۷ و ذریعه شود.

حسین خسرو شاهی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) (راج) ابن علی خسرو شاهی نیریزی؛ شاکرد سید کاظم رشتی در کربلا بود. ویس از ۱۲۸۱ ق = ۱۸۶۴ م. در گذشت رساله در ده دارد. ( معجم المؤلفین و اعلام النبیه ۴۰۳ )

حسین خصیبی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) رجوع به حسین بن علی بن عبدالرحمان حسینی یا خصیبی شود.

حسین خصیبی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن حمدان بن خصیب مکنی به ابو عبدالله فقه شاعر اوراست؛ اسما النبی و جز آن ( فهرست طوسی و ثمان العیزان و معجم المؤلفین )

حسین خصیبی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) (راج) ابن حمدان بن خصیب مکنی به ابو عبدالله فقه شاعر در گذشت. اوراست ( از معجم حسین خطیبی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن حسن رموی از شرای دینیه المفسر است و نظام المشهور در ۴۶۲ ق. مدح گفت ( ذریعه ۲۹۹ : ۹ )

حسین خفاجی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن عقیل بن سنان حلبی اصولی فقیه. اوراست؛ الدجی بن الفضل و جز آن و در ۵۰۷ ق = ۱۱۱۲ م. در گذشت ( معجم المؤلفین از ایمن النبیه ۳۸ : ۲۶ )

حسین خلوتی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن عبدالله مغربی رجوع به حسین بن علی شود.

حسین خفاف. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن ابوالعلاء. او دو برادرش علی و عبدالحمید از امام سادات روایت دکنند خود

او کتابی بنام « اصل » دارد. ( ذریعه ۲ : ۱۱۶ و ۶۶ : ۲۲۲ )

حسین خفزی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن شمس الدین محمد خفزی. ملقب به قوام الدین. اوراست؛ جفریه در حساب بخاری که بنام شاه سلطان جفر نگاشته است. ( ذریعه ۱۰۹ : ۱۰ )

حسین خلیفانی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن حسن حسینی حنفی در گذشت ۱۰۶۴ ق. حاشیه بر انوار التنزیل و شرح کافیه در رساله در مبدأ دلد. ( هدیه العارفین ۱ : ۳۲۹ و ذریعه ۱۱ : ۱۱ ) و کشف الظنون )

حسین خلیج. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن یاسر بصری ملقب به خلیج و مکنی ابوهی خراسانی مولای فرزندان سلمان بن ربیع باهلی است شاعر است کتابی مشهوره ۱۶۲ ق. و در گذشت ۲۵۰ ق. اورا صدوق نامورده شمر برده است. ( ابن الذریعه ) رجوع به خلیج و ابوعلی خلیج و ذریعه ۲۴۹ شود

حسین خلیفه سلطان. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن محمد بن محمود مرهشی آمدنی اصفهانی مکنی ابوطالب و ملقب به ملا الدین صاحب تصانیف بسیار بود در ۱۰۰۱ ق. = ۱۵۹۳ م. در گذشت. رجوع به خلیفه سلطان شود.

حسین خلیلی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ( حاج میرزا ... ) ابن میرزا خلیل ابن ابراهیم طهرانی از مراجع شیعه در نجف بود در ۱۲۳۶ ق. در گذشت و اجازات وی برای شاگردانش که برخی از ایشان مرجعیت نیز یافتند در ذریعه ج ۱ ص ۱۸۳ یاد شده است. و نیز اوراست؛ ذریعه الوداد؛ وی مدرسه بی در نجف بساخت که هم اکنون بنام وی معروف است. خاندان و فرزندان وی در عراق و ایران به خلیلی شهرت دارند. وی یکی از ارکان سه کاتب مشروطه خواهان ایرانی در عراق بود و آن دو دیگر مرحوم ملا عبدالله مازندرانی متوفی در ۱۳۳۰ ق. و ملا محمد کاظم خراسانی متوفی در ۱۳۲۹ ق بودند. مرحوم حاجی میرزا حسین در ماه شوال هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری جز حدود سی نود سالگی در نجف وفات یافت. ( ذریعه و وفیات معاصرین قزوینی، یادگزاران ۳ شماره ۴ )

حسین خمیس. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن نصر بن محمد بن حسین بن محمد بن حسن کاتب موصلی شافعی مکنی ابوعبدالله فقیه اصولی متولد بهرصل ۴۶۶ ق = ۱۰۷۴ م. مدنی فاضلی بود و پیشداد در ربیع دوم ۵۰۲ ق = ۱۱۰۷ م. در گذشت.

اوراست منقذ الارواح و معامن الاغیاء و منقذ العربیه و جز آنها ( معجم المؤلفین از میره النبیه ۲۱ : ۱۲ و ابن خلیکان ۱۱ : ۱۸۳ ) و کشف الظنون و مرآة العیون و فهرستهای کتبغایها.

حسین خندقی. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن

(راج) ابن مسون محدث است. حسین خوانزده. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) پدر ربیع است که ابوریحان کتاب « الفهم » بناوی تألیف کرد.

حسین خوانزده. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن حسن ملقب به کمال الدین حکمدار ۸۴۰ ق. کشته شد. اوراست؛ « اساس التواریخ » فارسی در حساب و شرح قضیه یرقه بخاری و شرح منتهی مولوی بخاری و المقصد الاقصی در تریقه المستغنی ( هدیه العارفین ۵۱ : ۳۰۳ و فهرست دستکامه ۱۱۶ : ۱۱۶ ) حقیان هرات ادرا تکلیف کرد و شاهرخ وی را به حاکم مذهب کشید و تبرئه شد لیکن از بیکه دست از وی برنداشته او را کشته. ( ذریعه ۱۹ : ۲۵۹ ) و بیخه شناسی ۳ : ۲۲۸ - ۲۲۹ و مجلس الفلاس ۹ : ۱۸۰ و رجال حبی السیر ۶۶ و کشف الظنون )

حسین خوانساری. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ( ابوالفخر ... ) ابن ابوالقاسم جفر بن حسین موسوی خوانساری متوفی ۱۱۹۱ ق. جد صاحب روایات العیون و استاد بحر العلوم است اوراست تصنیفات بر شرح امام و جز آن. ( ذریعه ۱۸۰ : ۹۴۰ و ۹۴۰ بقدر از روایات ۵۱۲ و نجوم السلسله ۳ : ۲۹۷ ) و رجوع به ابوالفخر حسین شود.

حسین خوانساری. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) بزرگه ابن محمد بن حسین ساکن اصفهان متولد ۱۰۱۶ ق = ۱۶۰۸ م. و در گذشت در اصفهان ۱۰۹۹ ق. = ۱۶۷۸ م. فقیه اصولی. اوراست « مشارق الشمس » در شرح کتاب « دروس » و جز آن. ( معجم المؤلفین از هدیه العارفین ۱۱ : ۳۲۴ و اعیان الشیخه ۲۷ : ۱۲۴۱ و ابضاح الکنون و ذریعه در تمام مجلدات بترتیب کتب او ) و روایات ۱۹۹ )

حسین خوانساری. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) کویچک ابن آقا شریف بن آقا رضی بن آقا حسین خوانساری بزرگه شرحی بر « تصحیح » به دستار دارد و در ۱۱۹۱ ق. زنده بوده است. ( ذریعه ۱۲ : ۱۴۲۰ )

حسین خوانساری. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) فاضلی خوانسار در زمان شاه عباس و شاگرد میرزا جان بختوی شیرازی بود. ( ذریعه ۹ : ۲۵۱ )

حسین خوانساری. رجوع به سرور خوانساری و ذریعه خوانساری و حسین بن علی شود.

حسین خوچه. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن علی بن سبیمان توانسی حنفی. رئیس دیوان الانشای تونس بود در ۱۱۹۹ ق = ۱۷۵۶ م. در گذشت. اوراست. « بنائراهل الایمان فی فتوحات آل عثمان ». ( تاریخ آداب الفقه جرجی زینان ۳ : ۲۲۰ و معجم المطبوعه ۶۹ : ۷۶۹ و اطلاع بر کتب ۲۶۹۱۲ و برو کلمان و معجم المؤلفین )

حسین خیاری. [ح' س' ن' خ' ذ] (راج) ابن



ابو بکر. محدث است.  
**حسین خیاط**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 این هلی ابن عبدالله بغدادی معروف به سبط  
 الفیاط و مکنی بابو عبدالله مضطرب متزی است  
 در ۵۸۵ ق = ۱۱۶۶ م متولد و در ۶۵۵ ق  
 در ۷۱ ق = ۱۱۶۹ م در گذشت.  
 اوراست: السبع و جز آن. (معجم المؤلفین  
 از سیر النبلا ۱۶: ۱۷۴).  
**حسین خیل**. [ح س خ ی] (راخ) دهی است  
 بقاصه ۳۵۰۰ گز اطرف جنوب فریه زاهد  
 آباد در عنقه حکومت کلان لو کر مربوط  
 ولایت کابل. (فرهنگ جغرافیای افغانستان -  
 ج ۲).

**حسین خیل**. [ح س خ ی] (راخ) دهی است  
 مربوط به حکومت درجه ۴ بگرامی مربوط  
 ولایت کابل که بین ۶۹ درجه و ۱۵ دقیقه طول  
 البلد شمالی ۳۴ درجه و ۲۷ دقیقه عرض البلد  
 شرقی واقعست. باشندگان آن غالباً از قوم  
 ترک و اندر قد مردم آن زراعت پشته اند  
 و زراعت در می و آب دارد. آب آن گندم جو  
 جواری و سیویلت است خربوزه زریوز  
 پادرنیک زرمه کشت میشود. میوه آن  
 زرد آلو مستجد به مقدار کم اما سیب به مقدار  
 زیاد تر است. آبیاری توسط کان و سنا  
 چونیکه اکثره کمری شرقی بگرامان دارد  
 از حسین خیل میگذرد صورت میگیرد.  
 حیوانات آن گاو خرگوشه و جرات  
 و حدود شمالی آن را چون نیزار بگرامی  
 فرا گرفته که این نیزار باعث تولید پشه  
 زهرناک گردیده هوائی آن در تابستان گرم  
 و در زمستان سرد است. (فرهنگ جغرافیای  
 افغانستان ج ۲).

**حسین داشستانی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن عبدالله شایب بناظم از زریه حجهلی بود.  
 متولد (۱۱۶۳ ق = ۱۷۵۰ م) متوفی  
 ۱۲۷۷ ق = ۱۸۶۰ م. بطنطنیه مهاجرت  
 کرد. اوراست: هدیة العککة و جز آن.  
 (معجم المؤلفین از هدیة الماروفین ۱: ۳۳۱).  
**حسین داشستانی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن عبدالله رومی ناظم متوفی بطنطنیه  
 ۱۲۷۲ ق = ۱۸۵۹ م. اوراست: کلیات  
 الفنون. (معجم المؤلفین از ابیاح المسکون  
 ۲: ۳۸۱).

**حسین دامغانی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن محمد بن ابراهیم مکنی بابو عبدالله و در  
 ۴۷۸ ق = ۱۰۸۵ م در گذشت است.  
 اوراست: الزوائد والنظائر و جز آن  
 (معجم المؤلفین از کشف الظنون و ابیاح  
 المسکون و هدیة الماروفین ۱: ۳۱۰). وی  
 مدتی قاضی بغداد بوده و این جزله از دعوی  
 کار میکرد. (تذریه ۱۱: ۷۳، ۱۲، ۲۵۷).  
**حسین دباس**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 رجوع به حسین بارع شود.  
**حسین دجانی**. [ح س ن خ ی] (راخ) ابن  
 سلیم بن سلام بن سلمان بن عوض بن داود بن  
 سنان دجانی (۱۸۸۸-۱۸۹۸-۱۲۰۲).

۱۲۷۴) شاعر عرب و مثنوی باقا یودر در مکه  
 در گذشت. وی تالیفاتی دارد. (معجم المؤلفین  
 از ابیاح المسکون و هدیة الماروفین ۱: ۳۳۰).  
**حسین دجیلی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن یوسف بن محمد بغدادی مکنی سراج  
 الدین ابو عبدالله فرقی دعوی متولد ۱۱۶۶ ق =  
 ۱۲۶۶ م. متوفی در شعبان در کربلا  
 در ۶۵۵ ق = ۱۲۳۱ م. اورا  
 است نزهة الناظر و تنبیه القائلین و جز آنها  
 (معجم المؤلفین از ذرور الکامنه ۲: ۸۰۲ و شلوات  
 ۹۹۱۶ و ابیاح المسکون و برز کلمان ذیل  
 ۲۰۹۶۲ و هدیة الماروفین ۱: ۳۱۱).

**حسین درعی**. [ح س ن خ ی] (راخ) ابن  
 محمد بن علی بن شرحبیل مودج، متوفی در  
 ۱۱۴۳ ق = ۱۷۴۰ م. اوراست: آذانه  
 البصائر فی ترجمه الشیع ابن ناصر با شرح  
 قصیده محمد بن ناصر (معجم المؤلفین از  
 فهرست خدیوی).

**حسین دمشقی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن محمد بن ابراهیم محدث در گذشت ۴۵۰ ق.  
 اوراست: جز فی الحدیث. (هدیه الماروفین  
 ۳: ۳۱۰).

**حسین دمشقی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن محمد دمشقی صمد الدین شامی وی در  
 ۸۷۷ ق در گذشت است. اوراست: احکام  
 العیسی (هدیه الماروفین ۱: ۳۱۰).

**حسین دمیاطی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن حسن سندی ملقب زین الدین و مکنی  
 ابو عبدالله اوراست: درر البیاح و جز آن  
 (هدیه الماروفین ۱: ۳۳۰).

**حسین دوایلی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن احمد بن ابو بکر (۱۰۹۵-۱۱۷۵ ق)  
 اوراست: قرطالین و جز آن (هدیه الماروفین  
 ۲: ۳۶۰).  
**حسین دهستانی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن احمد بن حسین مویدی صاحب کتاب  
 جامع الکتابات فارسی در ذکر هر چه  
 از شدت است که در بیابان گوید آنرا برای  
 سلطان ظاهر بن زنگی فرمودی نکاشت.  
 صاحب ذریه گوید این کتاب ترجمه بیست  
 باقیه از کتاب الفرج بعد الشدة از  
 تنوخی (تذریه ۵: ۵۰۰ و سبک شناسی ۲: ۲۷۰)  
 و مثل اقبال ۵: ۵۹۸).

**حسین دهن الحصاص**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ج [راخ] ابن هبة بن زاهر موصلی مکنی  
 بابو هلی ضیاء الدین دعوی او نزدیکاً موصول  
 فری داشت لیکن باوی همزد و بنزدک  
 ناصر صلاح الدین شد و در حلب در ۶۰۸ ق  
 در گذشت. اشعارش در معجم الأدباء  
 ج ۳ کلوت ج ۴ ص ۱۰۲ آمده است.  
**حسین دیاربگری**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن محمد بن حسن مودج نقیه متوفی  
 در ۹۶۶ ق = ۱۵۵۹ م. اوراست:  
 تاریخ العیسی فی احوال انفس النبی و جز آن.  
 (معجم المؤلفین از آداب اللغه جرجی زیدان  
 ۳: ۸۱۲ و نهارس کتابخانههای مصر و سوریه

و هدیة الماروفین ۱: ۳۱۱).  
**حسین دیلمی**. [ح س ن خ ی] (راخ) ابن  
 طلی عمروی به درک مسلم مصری که پیش از  
 ۱۲۰۷ ق = ۱۸۹۰ م جزیره کتب  
 و کتابی به نام هبل الماروفین المتواتر دارد.  
 (تاریخ آداب اللغه جرجی زیدان ۲: ۲۱۰  
 و معجم المؤلفین).

**حسین دیلمی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن یحیی ابن ابراهیم بن یحیی بن علی بن  
 ناصر دعوی یعنی ادیب در زهد در رجب  
 ۱۱۴۸ ق = ۱۷۳۵ م متولد شد و در هاجا  
 در ۱۷ ق = ۱۲۴۹ ق = ۱۸۴۴ م  
 در گذشت. اوراست: العروة الوثقی و الانتفاع  
 فی الرد علی من اهل الباطع و جز آن (معجم  
 المؤلفین از ذیل الواعظ ۱: ۹۰۹ و بدر الصالح  
 ۲: ۳۳۱).

**حسین ذکاء الملک**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 رجوع به رجوع به مرفوعی شود.  
**حسین ذکریه**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 رجوع به حسین بن ذکریه شود.

**حسین ذی الذمعة**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن محمد بن حسین بن زید بن حسین شود.  
**حسین رازی**. [ح س ن خ ی] (راخ) ابن  
 صاحب رازی کتاب اوراست هدیة الماروفین ۲: ۳۳۰.  
 (هدیه الماروفین ۲: ۳۳۰).

**حسین رازی**. [ح س ن خ ی] (راخ) ابن علی  
 بن محمد بن احمد بن حسین بن احمد خزاعی  
 نیشابوری رازی مکنی بابو الفتح (م ۵۳۵  
 یا ۵۶۰) رجوع به ابو الفتح شود. و در  
 هدیة الماروفین ۱: ۳۱۲ تبصره الانام در مقلو  
 نعل و الریة السببیه و ابوی نسبت دانست.  
**حسین رازی**. [ح س ن خ ی] (راخ) ابن محمد  
 آمدنی متخلص رازی از کاتبان فریوان بود  
 در ۱۱۲۰ ق در گذشت اوراست: تصایح  
 الابرار و جز آن (هدیه الماروفین ۲: ۳۳۰).

**حسین راعی**. [ح س ن خ ی] (راخ)  
 ابن محمد بن مفضل رجوع به راعی اصهبانی  
 و کتاب تنبیه صوان العککة شود.  
**حسین راعی**. [ح س ن خ ی] (راخ) ریاضی  
 دان ماص مصر و متوفی پس از ۱۲۱۳ ق.  
 اوراست: الدر المنثور فی حساب الشرع  
 و الجودج بولاق ۱۳۱۳. (معجم المؤلفین).  
**حسین راعی**. [ح س ن خ ی] (راخ) متخلص  
 به شباب شاعر ماصر مجرب و افغان بود. (تذریه  
 ۵: ۵۰۹).

**حسین رئیس**. [ح س ن خ ی] (راخ) دهی  
 است از بخش شیب آب شهرستان زابل واقع  
 در ۱۶ هزار گزی شمال باختر سکووه. و نه  
 هزار گزی باختر شومنه زاهدان به زابل  
 تابع بیست و پنج دوچنگه گرمه متعلق دارای  
 ۱۶۰ تن سکنه میباشد. فارسی و بلوچی  
 زبانند از رودخانه هم رفته مشروب میشود.  
 محصولاتش غلات. اهالی بکشاورزی گذران  
 میکنند. راه مالرواست (فرهنگ جغرافیای  
 ایران ج ۸).

حسین زجر احمی، [ح س ر ن ذ] (راخ) این طبرین طایفه شو شادی در گذشته ۸۹۹ ق. اوراست الفوائد الجنبلة، (هدیه العارفین ۱۹۰۶) ۳۱۶.

حسین زشیدی، [ح س ر ن ذ] (راخ) این سببان شامی فقهی. وی منظومه ایرماد را در ۱۲۰۵ ق. و ۱۲۹۹ ق. شرح کرده است. (معجم المؤلفین و ایضاح المکتوب).

حسین رضا، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن همت دومی، دزیری ادیب بود. اوراست، باب الامتاع ۴ و جز آن، و در ۱۳۲ ق. در گذشت. (معجم المؤلفین از ایضاح المکتوب).

حسین رضوی، [ح س ر ن ذ] (راخ) رجوع به حسین نقوی شود.

حسین رفیعی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن طعمه ابن محمد شامی پیشانی الاصل دمشقی میدانی قادری صوفی، در دمشق سال ۱۱۷۵ ق. = ۱۲۶۲ م. در گذشته اوراست، الفتوحات الربانیة و دیوان شعر و جز آن، (معجم المؤلفین از سلك المدر و هدیه العارفین ۳۲۶ و ایضاح المکتوب). حسین رفیعی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن عبدالله بر روی معروف به وفعت معلم (۱۲۰۹-۱۳۲۲ ق) دیوان ترکی دارد. (هدیه العارفین ۱: ۲۲۹).

حسین رفیقی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ارمغانی شاعر معروف، بلا حسین سبزی فروش متخلص رفیق، دیوانش شش هزار بیت شعر دارد و نسخه اش در پربیتش موجود است وی معاصر عاتق بود در ۱۲۱۲ ق. در گذشت. (ذریعه ۹: ۹۸۹).

حسین رهزی، [ح س ر ن ذ] (راخ) پزشک مصری، در گذشته ۱۳۱۲ ق. اوراست، حفظ صفة السروج و العازب. (معجم المؤلفین).

حسین رویی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن عبدالرحمان حنفی ملقب به حسان الدین در شهر برومه تدریس میکرد و همانجا در ۹۲۶ ق. = ۱۵۲۰ م. در گذشت تألیفاتی دارد که در معجم المؤلفین یاد شده است. (معجم المؤلفین) نقل از شذرات الذهب ۸، ۹۲ و حقائق نماییه ۱: ۶۱۰ و کشف الظنون).

حسین زرقی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن عباس قسطنطنی حنفی واعظ جامع حاج ارحم در ۱۱۰۰ ق. = ۱۶۹۴ م. در گذشته است و مؤلفاتی دارد. (معجم المؤلفین از هدیه العارفین ۱: ۲۲۴).

حسین زکری، [ح س ر ن ذ] (راخ) همی است از دهستان چغاپور بخش خورموج شهرستان بو شهر واقع در چهارده مزارگزی جنوب خاوری خورموج، جنوب کوه خاک و کنار راه فرعی خورموج پدر نامه بیست واقع در جلگه، گرمسیر و مالاریایی، دارای ۲۱۷ تن سکنه میباشد. فارسی زبانند.

لذیچاه مشروب میشود. معصولاتش خللات، غرمان اهالی بکشاوردی گذران میکنند. راه مالرواست. (فرهنگ جغرافیائی ایران- ج ۷).

حسین زکری، [ح س ر ن ذ] (راخ) حنفی است از دهستان دلاور بخش دشتیاری شهرستان چاهپور واقع در ۲۳ هزار گزی شمال باختری دشتیاری و کنار راه مالرو پدر چکسر قند، قاضی بیست واقع در جلگه گرمسیر مالاریائی دارای ۲۵۰ تن سکنه میباشد، پارسی زبانند از بازار مشروب میشود. معصولاتش توت، سیببات، لیمبات، اهالی بکشاوردی، گدازاری گذران میکنند. راه مالرواست ساکنین از جانب میروند زاتی هستند.

(فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۸).

حسین زراغونی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن محمد بن حسین بن علی بن یاقوب مروزی از دی مکنی باور عبدالله محدث لغت شناس و حافظ است. میان سالهای ۴۷۰ و ۴۸۰ ق. متولد شد در ۶۳ ج ۲-۵۹۹ ق. = ۱۱۶۴ م. در گذشت. (معجم المؤلفین از تذکره الحفاظ ۱۲۷: ۴).

حسین زراید، [ح س ر ن ذ] (راخ) ازهری فلسفی منجم. اوراست، «المطلع السید فی حسابات الکواکب علی الرصد الجدید» که در قاهره ۱۳۰۲ ق. در حیات مؤلف چاپ شده است. (معجم المؤلفین از ایضاح المکتوب).

حسین زریدانی، [ح س ر ن ذ] (راخ) شیرازی لغوی ضریر، اوراست، «شرح مقامات حریری» وی در ۶۹۵ ق. زنده بود. (معجم المؤلفین از ایضاح المکتوب).

حسین زریبلی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن مبارک بن محمد بن یحیی ابن مسلم بن موسی بن عرار از مزیدی الاصل بغدادی حنبلی ملقب به راج الدین فقه ادیب در بغداد و حلب و دمشق درس گفت. وی در ۵۴۹ ق. = ۱۱۵۱ م. متولد و در بغداد ۶۴۱ ق. = ۱۲۳۳ م. در گذشت. چند منظومه در فرانت و «الذیلة» در فقه تألیف اوست. (معجم المؤلفین از شذرات الذهب ۵: ۱۴۴).

حسین زریبلی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن علی بن محمد بن موسی مکنی باور عبدالله معروف باین قم [ق] زیدی بنی دوزید در ۵۳۰ متولد شد و در ۸۱۱ ق. در گذشت. ادیب و کتاب شاعر بنی است. امواتش در معجم الادباء، ۸۱۰-۸۸۸ م. است.

حسین زرنگور، [ح س ر ن ذ] (راخ) (راخ) امتهانی (محد...). شاعر بود و در ۱۲۷۰ ق. در گذشت و دیوانش را المقت چاپ کرد (ذریعه ۱۰: ۴۰۹).

حسین زعفرانی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن محمد بن علی اصطغانی مکنی باور صمیم محدث مفسر، اوراست، المستند، وی در ۳۶۹ ق. = ۹۷۹ م. در گذشت (معجم

المؤلفین از سیر النبلاء ۱۰: ۲۷۳ و هیون التواریخ ۱۲: ۱۸۶ و الوائی ۱۱: ۱۱۰ و طبقات المفسرین سیوطی ۱۲ و تذکره الحفاظ ۱۰۷۲: ۳ و ایضاح المکتوب و هدیه العارفین ۳۰۹: ۱۱).

حسین زکریویه، [ح س ر ن ذ] (راخ) رجوع به حسین بن زکریویه شود.

حسین زکری، [ح س ر ن ذ] (راخ) مورخ اوراست «تاریخ الامم الشرقیة القدیمة» که در نیات مؤلف در عصر پسال ۱۸۹۲ م. چاپ شده است. (معجم المؤلفین).

حسین زرنجانی، [ح س ر ن ذ] (راخ) رجوع به حسین قلی اوردوبائی شود.

حسین زرنجانی، [ح س ر ن ذ] (راخ) مجامی مفسر و اصول دان در گذشته ۱۳۲۳ ق. ۱۹۰۴ م. اوراست، شرح اصول کافی حدیث جلد و تفسیر سوره زمر (معجم المؤلفین و نقل از اعیان الشیعة ج ۹ ص ۹۵).

حسین زرنجوستی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن یحیی بن علی بن عبدالله مکنی باور علی بغاری متوفی پیرامن ۴۰۰ ق. اوراست «روضة المسلم» (هدیه العارفین ۲۰۷: ۴ و کشف الظنون).

حسین زرنوزی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن عبدالله، برادر ملا علی زرنوزی مدرس حکیم است و اتفاق ملاحسن معلاتی و ملا هاشم کاشی تقویم استخراج کرد (ذریعه ۲۱۹: ۸ از السائر والاکتار ص ۲۳۰).

حسین زرنوزی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن محمد بن حسین متوفی ۴۸۶ ق. صاحب «المصادر» و شرح معاملات و ترجمان قرآن و هدیه العارفین ۱: ۳۱۰ کتابی بنام کتاب اللغة الفارسیه باو منسوب داشته است، رجوع به مقدمه این لغت نامه ص ۲۹۸ و روایات ص ۲۳۸ شود.

حسین زریدانی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن محمود بن حسن زریدانی ملقب به مظهر اندین محدث است و در ۷۲۷ ق. = ۱۳۲۷ م. در گذشت اوراست، «المطایب فی حل مشکلات الصایح» (کشف الظنون و معجم المؤلفین و هدیه العارفین ۳۱۴: ۱).

حسین زریبلی، [ح س ر ن ذ] (راخ) رجوع به حسین صغانی شود.

حسین زریبلی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن محمد بن یحیی زیدی حسینی، اوراست، دستور المنجین فارسی که در ۸۹۱ ق. نگاشته است (ذریعه ۱۸: ۱۶۸).

حسین زریبلی، [ح س ر ن ذ] (راخ) رجوع به زریبلی در حسین لغتنامه و ذکری ۱: ۲۵۸ شود.

حسین زریبلی زاده، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن احمد رومی در گذشته ۱۱۶۸ ق. اوراست الفوائد العارفین در امر اب کالیه و جز آن (هدیه العارفین ۲۲۶: ۱).

حسین ساعدی، [ح س ر ن ذ] (راخ) ابن

شمس الدین ماهدی ملقب بتاج الدین اوراسته  
شاهه بر ساشیه جرجانی بر مختصر این صاحب  
که در ۹۷۲ ق. نگاشته است (ذریعه ۱۶  
۱۲۸۵۲۰)

**حسین ساقی** : [ ح س ن ] ( راج )  
در ۹۶۹ حسین ساقی بن علی شون  
**حسین ساقی** : [ ح س ن ] ( راج )  
شاعر معاصر سام میرزا صفوی و متوفی در  
دامغان ۹۱۱ ق. (ذریعه ۹۹۷۰۴)

**حسین سیزواری** : [ ح س ن ] ( راج )  
( راج ) این معین جلوی سیزواری معروف  
به حاج میرزا حسین فقه فیلوف مشوله  
۱۲۶۸ ق = ۱۸۵۲ م. متوفی در سیزوار  
۱۳۵۳ ق = ۱۹۳۳ م. اوراسته از جوزم  
در تفسیر آیه الغلظه و جز آنها  
(معجم المؤلفین از ایمان الشیه ۲۷۰ ۱۲۵  
و طغای معاصرین ص ۱۶۸)

**حسین سیزواری** : [ ح س ن ] ( راج )  
( راج ) رجوع حسین کاشفی شود.  
**حسین سبک** : [ ح س ن ] ( راج )  
لقب حسین بن علی بن ایغالب است. رجوع  
پان گفته شود

**حسین سبط الخياط** : [ ح س ن ] ( راج )  
طال [ ح ی با ] ( راج ) رجوع به حسین  
خیاط شود .

**حسین سبکی** : [ ح س ن ] ( راج )  
این علی بن عبدالکافی بن علی بن یوسف  
سبکی به ابو الطیب ملقب به جمال الدین رجال  
شناس. وی در قاهره ۷۲۲ ق = ۱۳۲۲ م.  
متولد و در دمشق در رمضان ۷۵۵ ق =  
۱۳۵۴ م. در گذشت. مدرس و تالیف فاضی  
دمشق بود و کتابی در کسانیه که حسین بن  
حلی نام دارند تألیف کرده است. (معجم  
المؤلفین از در الکاتبه ۲ : ۶۱ و حسن  
المعاضره ۲۸۱۶ و کشف الظنون . و اثره  
النسارف اسلام و هدیة العارین ۳۱۴۰۹)  
**حسین سپهسالار** : [ ح س ن ] ( راج )  
( راج ) سپهسالار اعظم حسین خان ( ۱۲۴۱ -  
۱۲۹۸ ق = ۱۸۲۶ - ۱۸۸۱ م ) پسر میرزا  
نسی پسر ابر القاسم مازندرانی است . که  
ساکن قزوین و از بزرگان دربار قاجار بود  
و بوسیله میرزا قلی خان امیر کبیر بمقامیائی  
رسیده بود . سپهسالار سه برادر داشت که  
بترقیبیبی ( مشیر الدوله ) و نصر الله ( نصر  
الملک ) و عبدالله ( علامه الملک ) نام داشته و هر  
و امقامی عالی در دربار بود .

سپهسالار در ۱۲۶۷ = ۱۸۵۱ م .  
بکاربرداری و نماینده کی ایران در پیشی  
رفت و باز آمدن ابران اسکلیسی آشنا شد پس

از قبل امیر کبیر و صدایت میرزا آقاخان  
نوری سپهسالار و شهر ان احضار در ۱۲۷۱ ق.  
۱۸۵۵ م. مامور تفتیس شد و در آنجا  
سیاست تر اها آشنا گردید و در ۱۲۷۷ ق.  
= ۱۸۵۹ م. باست وزیر مختاری (۱) بدر بار  
شمانی اهرام شد و با او متابع آن امیر اتوری آشنا  
گردید و در ۱۲۷۹ ق. = ۱۸۶۲ م مغری  
بعجاز رفت و در ۱۲۸۰ ق. = ۱۸۶۳ م  
بتهران احضار و بعضویت شورای دولتی  
منصوب شد و سپس دیواره پاستانبول گسیل  
شد در ۱۲۸۷ ق = ۱۸۷۰ م که ناصر الدین  
شاه عراق عرب رفت او نیز بر ساق آمد و در  
و در بغداد فرمان وزارت و صدایت سپهسالار  
صادر شد . و او متحد العالمی تا بر بر منح  
شکسته و مشربته بن جکاپولایات صادر  
گرد و در ۱۲۸۸ ق . = ۱۸۷۱ م . درجه  
سپهسالاری و صدراعظمی از طرف شاه بدو  
داده شد و مانند امیر کبیر از بر فشار روشن  
فکران و بشوق برخی اروپا رفتگان آن  
دوره دست به برخی اصلاحات زد و افتونهای  
چند وضع کرد . لیکن بعدها مانند برخی  
سیاستمداران ضعیف پیشرفت را در جلب  
سرمایه های اروپا با کسب حمایت سیاستهای  
اروپائی تشخیص داد . و در ۱۲۹۰ ق =  
۱۸۷۳ م . امتیاز بخشی از خط آهن را به  
بلژیکها داد . لذا مردم برهبری روسانی  
معروف حاجی کتی بیغالتت بر آمده و در  
مراجعت شاه از اروپا هنگامیکه پشمر  
انزلی رسیده تلگراف برای وی فرستادند  
که : « اگر بافروشی بطهران میآید  
نیاید که ما شما را نمی پذیریم »



حسین سپهسالار

شاه ناچار بصورت ظاهر سپهسالار را عزل  
و امتیاز را لغو کرده لیکن پس از آنکه کی در  
۱۲۹۱ ق = ۱۸۷۴ م. وزارت خارجه بر او  
داد سپهسالار در ۱۲۹۲ ق = ۱۸۷۵ م .

« حسین صاحبقرانی شاه را بر آه انماخت  
و در ۱۲۹۵ ق = ۱۸۷۸ م شاه را بطریق پرد  
و پس از بلا گشت بقلعه عالیخان مشای از وی  
مجلس مشورتی از شاهزادگان و اشراف  
بوجود آورد اما (۱) جوی شاه حسین امر ناچیز  
را نیز موجب بندوبست اختیارات بمقتضای خود  
فرد سپهسالار در ۱۲۹۷ ق = ۱۸۸۰ م .  
عزل و مشرفی المنالک و بصدایت مخصوص  
گرفت و برای دور کردن سپهسالار از امر کوزا  
دو الو خراسان کرد و سپهسالار در کنگال  
در ۲۶ ذیحجه = نوامبر ۱۲۸۶ م . در آنجا  
در گذشت و بگفته تاریخ پیداری ایرانیان  
مسموم شد .

سپهسالار در ۱۲۴۶ ق = ۱۸۲۹ م. کتخود  
را از گرفتاری سر فزشت امیر کبیر در زمان  
نیدینه در صدد بر آمد اثر نیکی از خویش  
بیاد کار گذارد . پس نقشه ایجاد جامع و  
دانشگاهی همچون « جامع اظهر » را  
بر ریخت و در زمینی که در جنوب باغ خانه  
خود داشت پس های آن را استوار ساخت.  
عزل او در ۱۲۹۷ ق = ۱۸۸۰ م . بر شتاب  
او در بیابان رسانیدن کار مدرسه بیافروید و  
دره قتم شوال ۱۲۹۷ ق = سپتامبر ۱۸۸۰ م .  
و فغانه را نوشت و در مجلس با حضور  
روحانیون معروف . زمان در خانه خویش  
صفتی وقف را جاری کرد ( برای آنکه  
تا از نفع است از گرفته در ایران در امان باشد  
در همان مجلس تولیت را که در زمان حیات  
یا خود او بود ، شاهزاده اعتماد السلطنه  
سپرد و پس از مرگش بیار شاه زمان واگذار  
کرد و سپس کتابخانه این شاهزاده را بیهای  
سنگین خریداری و وقف کرد و فغانه مدرس را  
سید زین العابدین امام جده وقت و آقامحمد  
نجم آبادی و سید مرتضی الحسینی و ملا هدایت الرحیم  
تیارندی و شیخ محمد حسن قاسمی امضا کردند .  
ساختمان مدرسه ناصری که از ۱۲۹۶ ق .  
= ۱۸۷۹ م آغاز شده و پس از عزل سپهسالار  
در ۱۲۹۷ ق . = ۱۸۸۰ م . تکمیل شد و سپس  
در ۱۲۹۸ ق = ۱۸۸۱ م . از نو آغاز گردید  
و هنگام مرگ سپهسالار بخشی از طبقه زیرین  
قابل سکونت بود و پس از مرگ وی  
بر اندیش مدیر مشیر الدوله مشغول تکمیل آن  
شد . و هنوز تکمیل نشده بود که او نیز در  
۱۳۰۹ ق = ۱۸۹۲ م . در گذشت .

دو کار ساختمان و کاشی کاری شهرستان زیر  
گنبد و درون گنبدتون مسجد سنگی در روزگار  
فایان تولیت « ملک الملک ساخته شده است .  
(وفیات معاصرین قزوینی مجله یادگار سال ۳  
شماره و مقدمه جلد سوم فهرست سپهسالار)

(۱) سپهسالار نخستین ایرانی است که این حکم را یافته است . (۲) مرحوم دهخدا بعضی خویش نوشته است . پس از کودتای محمد  
علیشاه که من بارویا و سپس پاستانبول در قتم دوسه بار مرا بمجلس دعوت کردند . محمد علی بیگ حمدانی که وکیل کر بلا در مجلس شمانی بود  
و مرا دو شکست نیده از تعجب من بر سید و از اینکه من همه جاهای ندیده آنرا می شناسم و از پیش وضع آنرا خبر میدهم متعجب بود و این  
بعان هلت بود که ساختمان و عده اطاقها و زورگی و کوچکی و مست و ارتفاع و انحناس بناها در مست مانند مجلس شورا یعنی طهران بود حتی زیشتها  
از قبیل آینه ها و غیره عینا یکی بود این بنا را مدحت یا شا برای مجلس شورای اول شمانی ساخته بود و سپهسالار عین آنرا تقلید و در طهران  
ساخته است . آری بهریت اینکه آنجا هم مجلس شورای ایران بشود آری بدون هیچ شک

حسین سنجابی. [ح س ن س] (ا.خ)

رجوع به حسین ذنجانی شود.  
حسین سرخسی. [ح س ن س] (ا.خ)  
(ا.خ) این فضل بلخی متوفی ۳۸۲ ق. اوراست.  
الادب الرواحیة که برای خدمت یافتگی  
نگاشته. (هدیه العارفین ۴۱۹-۳۰ و کشف  
الظنون و حیب السیر).

حسین سمرقانی. [ح س ن س] (ا.خ)

این حسن ابن ابی‌عقیل سمرقانی. اوراست.  
«المرالسقون» در صرفه که نسخه مورخ  
۱۰۳۸ ق. آنرا اسافیز پاشا دیده و در هدیه  
العارفین ۲۲۲ نقل کرده است.

حسین سرور. [ح س ن س] (ا.خ)

خواه انسانی. رجوع به سرور خوا انسانی شود.

حسین سری. [ح س ن س] (ا.خ)

رجوع به حسین نواز سری شود.

حسین صفایی. [ح س ن س] (ا.خ)

این عبدالله سعد مکنی یا ابو عبدالله سعدی  
شعبی اعماسی. اوراست اكمال الاسلام. مقام  
الاسلام. حرمة الاسلام. دعائم الاسلام. مقام  
الاسلام. فضل الاسلام. نوادر الاسلام. الايمان  
دعائم الايمان. حقیقة الايمان. صلاح الايمان.  
شعب الايمان. طعم الايمان. فضل الايمان.  
نفس الايمان. نوادر الايمان. و جز آنها  
(هدیه العارفین ۱، ۲۲۲ و فهرست اعلام  
ذریعاً مکتوراً و نامه دانشوران ج ۲ ص-  
۶۴۴).

حسین صفایی. [ح س ن س] (ا.خ)

رجوع به حسین دیلمی شود.

حسین سقایی. [ح س ن س] (ا.خ)

رجوع به حسین صفاتی شود.

حسین سلیمی. [ح س ن س] (ا.خ)

این احمد بیهقی مکنی یا بولعی. اوراست.  
«ولات خراسان» و «تف الطرف»  
(معجم الادب ج ۱ ص ۱۱۸).

حسین سلطان العلماء. [ح س ن س]

و نذیر علی. (ا.خ) رجوع به حسین خلیفه  
سلطان شود.

حسین سلمی. [ح س ن س] (ا.خ)

این علی بن عبدالله بن محمد. ابوی سلمی متسوب  
یکی از فراموشی. کتابی در فرائد داشت در  
مشق در رمضان ۴۱۴ ق. = ۱۰۲۳ م.  
در گذشت. (معجم المؤلفین از ابن الجوزی  
۲۴۵۱۱).

حسین سلمی. [ح س ن س] (ا.خ)

رجوع به حسین حرانی شود.

حسین سمرقانی. [ح س ن س] (ا.خ)

این عبدالله بن حسین مشرف  
مکنی حبشی نسابة. اوراست «نقطة الطالب»  
بمعرفه من ینتسب الی عبدالله ابی النبی و عمه  
ابیطالب و در ۱۰۴۳ ق. = ۱۶۳۳ م.  
در گذشت. (هدیه العارفین ۱، ۳۲۲ و  
معجم المؤلفین).

حسین سمعانی. [ح س ن س] (ا.خ)

این محمد حنفی. اوراست «خرات العرفین»  
که در ۷۴۰ ق. یا بان یافته است. (هدیه  
العارفین ۲۱۰۹) و ظاهر آنکه سمیع مستغانی  
(سمنانی) است.

حسین سمنانی. [ح س ن س] (ا.خ)

(ا.خ) این محمد سمنانی (سمنانی) حنفی  
فقیه. اوراست «خرات العرفین» که در ۷۴۰ ق.  
= ۱۳۳۹ م. نگاشته و الشافعی فی شرح الوافی  
(کشف الظنون و بروکلمان ۲، ۱۶۳ و  
پیوست ۲، ۲۰۴ و معجم المؤلفین) و در  
هدیه العارفین حسین سمنانی آمده است.

حسین سماللی. [ح س ن س] (ا.خ)

این عبدالرحمان حتی مکنی یا بولعی مؤلفاتی  
دارد. و در ۱۳۰۹ ق. = ۱۸۹۱ م. در گذشت.  
(معجم المؤلفین).

حسین سمنقانی. [ح س ن س] (ا.خ)

(ا.خ) رجوع به حسین سمنگانی شود.

حسین سبغی. [ح س ن س] (ا.خ)

ادیب و سلفته رئیس فرهنگستان ایران بوده  
رجوع به سبغی شود.

حسین سنجری. [ح س ن س] (ا.خ)

(ا.خ) ابن ابراهیم خواص منصوروی اوراست.  
عبود النظامیه بهذف التکثیر (هدیه  
العارفین ۱، ۲۳۲).

حسین سنجی. [ح س ن س] (ا.خ)

این شعیب مروزی شاعر مکنی یا بولعی فقیه.  
او «التلخیص» ابو عباس بن قاسم را شرح کرده  
در ۴۳۰ ق. = ۱۰۳۹ م. در گذشته است.  
وی مؤلفات دیگری نیز دارد. (معجم المؤلفین  
از عبود النظامیه این شاکر ۱۱۲، ۱۸۳ و  
وفیات الامیة ابن خلکان و البهجة ابن کثیر  
و کشف الظنون) و در هدیه العارفین ۱، ۳۰۹  
مرگش در سال ۴۳۳ ق. یاد شده است.

حسین سوائی. [ح س ن س] (ا.خ)

این عبدالله ابن رطبه شعبی محدث و مکنی  
یا ابو عبدالله بود بخراسان وزی رفت و در ج ۱  
۴۷۹ ق. = ۱۱۸۳ م. در گذشت (لسان  
السیان ۲، ۳۱۶ و معجم المؤلفین).

حسین سهوی آجی. [ح س ن س] (ا.خ)

این محمد شاعر متوفی بعد در ۴۰۰ ق.  
= ۱۰۱۰ م. اوراست «کتاب فوائدی»  
(معجم المؤلفین از فوات الوفيات ۱، ۱۳۳  
و الفوائد بالوفیات ۲، ۲۸۱ و معجم الادب  
۱، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲).

حسین سهوی. [ح س ن س] (ا.خ)

تبریزی خطاط شاعر - پس از حمله عثمانیان  
از تبریز بکاشان آمد و در اوایل سال سکونت  
گزی بد و بهند رفت و در ۱۰۰۲ ق. در آنجا  
در گذشت. (ذریعاً ۱، ۴۷۹ و خط و خطاطان).

حسین میر آبی. [ح س ن س] (ا.خ)

در برخی از نسخ حیب السیر و کشف الظنون  
چنین آمده است و صحیح حسن معانی میباشد.

حسین شاکر. [ح س ن س] (ا.خ) این  
مصطفی بن حسین رومی حنفی ملقب بشاکر  
فقیه شاعر. و نامی و مدرس حلب بود و در  
۱۱۰۶ ق. = ۱۷۱۳ م. در گذشت. و چون  
شعری از وی باقی است. (هدیه العارفین ۱،  
۳۲۰ و معجم المؤلفین).

حسین شافعی. [ح س ن س] (ا.خ)

این شاعر مشهور ۳۷۴ ق. و متوفی ۴۴۰ ق.  
رجوع به شافعی شود.

حسین شاملو. [ح س ن س] (ا.خ) (رجوع)

به سینقلی شاملو شود.

حسین شامی. [ح س ن س] (ا.خ) (مولا س.)

رجوع به حسین شامی شود.

حسین شاه شرقی. [ح س ن س] (ا.خ)

(ا.خ) ابن محمود ششمین پادشاه از سلاطین  
چونبورد هند بوده از ۸۶۴ ق. = ۱۰۵۲ ق.  
فرمانروائی کرد و در این سال به بنگاله  
گریخت. و در همانجا به آن سال در گذشت.  
(قاموس الاعلام ترکی و تاریخ علم کلام سلجوقی  
ص ۴۵).

حسین شاهرودی. [ح س ن س] (ا.خ)

شرفی ابن ابراهیم اوراست شرح خلاصة  
الغصاب که برای سلطان قطب شاه ساخته  
است. (ذریعاً ۱، ۲۲۹).

حسین شباسی. [ح س ن س] (ا.خ)

وی «معرف الی اعلی قیل النبی» را در صرف  
سال ۱۲۹۹ ق. = ۱۸۸۲ م. تألیف کرده  
است. (معجم المؤلفین ۱، ۱۱۰).

حسین شبلی. [ح س ن س] (ا.خ)

این عبدالله بن مسعود شبلی مسعودی نحوی  
مقری ادیب شاعر. اوراست «الاعراب فی  
الاعراب» و در ۱۱۴۶ ق. = ۱۷۳۳ م.  
در گذشت. (معجم المؤلفین).

حسین شهابکار. [ح س ن س] (ا.خ)

(ا.خ) برادر شردر خواجه سیف الله بن  
مظفر ملازم سلطان بدیع الزمان بود و  
سپس بوزارت محمدخان شبلی رسید و در  
جنگ وی پادشاه ایران کشته شد. (رجال  
حیب السیر ص ۱۶۷).

حسین شرامی. [ح س ن س] (ا.خ)

شراپدار مأمون عباسی. رجوع به ابن اثیر  
و حیب السیر شود.

حسین شرقی. [ح س ن س] (ا.خ)

رجوع به حسین شاه شرقی شود.

حسین شریف. [ح س ن س] (ا.خ)

این علی شریف مکه. رجوع به حسین بن  
علی بن محمد بن عبدالله بن حسین شود.



حسین شریف مکه

(۱) صحیح الزفرای مروی بوده است.

حسین شریف . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن محمد طاهر و حیدر زریبی . مکتبی بابو  
محمد . اوراست . شرح شواهد معجم الیلین .  
(ذریه ۱۲ : ۲۴۱۱)

حسین شمال . [ح س ن ش ع ع]  
[راخ] ابن عبد الله بن عمر شمس دمشقی  
قاصی در حلب متولد شد و به سبط علیّه آمد و در  
۱۰۶۹ ق . = ۱۶۵۹ در گذشت اوراست .  
فضیده فرحشده و به تفسیر قرآنی قواعد  
التجربیه ( کشف الظنون و معنی العارفين  
۳۲۲۰۱ و معجم المؤلفین ) .

حسین شهابی . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن نصر شریر بنداری و کتبی تألیف  
کرده است . و پیش از ۶۵۰ ق . = ۱۲۵۲ م .  
میزیت . ( بقیة البوعاد ۲۳۷ و معجم المؤلفین )

حسین شفیق . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن محمد نور شاعر روزنامه نگار مصری  
در قاهره سال ۱۲۹۹ ق = ۱۸۸۲ م . متولد  
و در ۱۳۶۷ ق = ۱۹۴۸ م . در قاهره  
در گذشت . اوراست منظومه « ابو نواس  
الجدیده » و جز آن . ( معجم المؤلفین از اسلام  
زر کلی ۲۵۸ : ۲ ) .

حسین شهری . [ح س ن ش] [راخ]  
رجوع به حسین هونی بن عبدالله شود .

حسین شمس . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن علی شمس از صوفیان سغد در ازم  
هجری . اوراست « الرافد العفریه فی راجان  
العلیة الخلیفة » ( معجم المؤلفین از ایضاح  
المکتون ۵۷۶ : ۱ ) .

حسین شهرستانی . [ح س ن ش] [راخ]  
[راخ] ( میرزا محمد . . ) ابن مصد علی  
ابن محمد حسین مرعشی . در کرمانشاه در  
۱۲۴۵ ق . متولد و در کرمانشاه ۱۳۱۵ ق .  
در گذشت مؤلفات بسیار از وی باقی است .  
( ذریه ۴۶۱ و ۱۹۱۲ ) و جز آن .

حسین شهریار . [ح س ن ش] [راخ]  
شاعر معاصر تبریزی . رجوع به شهریار  
تبریزی شود .

حسین شهودی . [ح س ن ش] [راخ]  
اسفهانلی شاعر و مال بود و احوالش در تذکره  
نصر آبادی آمده است . ( ذریه ۱۹ - ) .

حسین شیرازی . [ح س ن ش] [راخ]  
رجوع به شاعر شیرازی و شمیم و شهرت و  
شیفة و عالی و عزیزی و حسین حسینی و حسین  
مغانی و حسین صدر العالی شود .

حسین شیرازی . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن محمد مقلب به شمس الدین ۱۰۶۲ ق .  
مجاور مکه بود . اوراست تذکرات ( ذریه  
۹۶ : ۴ و ۱۱۳ و ۱۹۰ از ریاض المطالع نجوم  
السما ) .

حسین شیرازی . [ح س ن ش] [راخ]  
مترجم ناصر الدین شاه بود و مقالات برآید  
همرا ترجمه میکرد و در ۱۳۰۸ . در گذشت  
( ذریه ۹۳ : ۴ ) .

حسین شیرازی . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن عبدالله شیرازی فقیه متکلم ساکن ماوراء النهر  
بود . در ۱۱۷۷ ق . = ۱۷۵۰ م . اوراست .  
الاحکام الدینیة ( بی و کسان و معجم المؤلفین ) .

حسین شیرازی . [ح س ن ش] [راخ]  
( معتمد . ) ابن محمد بن حسین شیرازی . حاشیه  
بر شرح قدیم تجرید آورده . ( ذریه ۱۱۸ : ۶ ) .  
حسین شیرازی . [ح س ن ش] [راخ]  
رجوع به ذوالنظار شیرازی شود .

حسین شیعی . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن محمد بن زکریا مکتبی بابو عبدالله رجوع  
به ابو عبدالله شیمی در زکلی ج ۲ ص ۲۴۲  
شود .

حسین صاحب الفخ . [ح س ن ش] [راخ]  
[راخ] رجوع به صاحب فنج شود .  
حسین صاحب الشامه . [ح س ن ش] [راخ]  
بشیر شام [راخ] رجوع به حسین بن زکریا  
شود .

حسین صاعدی . [ح س ن ش] [راخ]  
تاج الدین . معلم شیخ بهائی . رجوع به حرف  
تا صفحه ۷۵ همین نشنامه شود .

حسین صایغ . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن علی بن یزید بن داود بن یزید انشا بوری  
مکتبی بابو هنی . وی محدث و بر کار و صاحب  
مؤلفات بود در ۲۷۷ ق = ۸۹۰ م . متولد  
شد و برای سماع حدیث بساقت پرداخت  
و به عشق و پیغمبر حدیث گفت و شنید . و در  
نیشابور در ۱۵ ج ۱ - ۲۴۹ ق = ۸۶۰ م .  
در گذشت . ( معجم المؤلفین از تاریخ بغداد  
۷ : ۲۱۱ و منتظم ابن جوزی ۶ : ۳۹۶ و  
تذکره الحفاظ از مرآت الجنان و شذرات  
الذهب و زر کلی ۲۵۴ ج اول ) .

حسین صباح . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن حسن صباح بصری قتلش به امر پدرش  
حسن صباح کشته شده . ( از حبیب السیر ) .

حسین صبغی . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن عبدالله بن بکر مکتبی بابو الحسن صبغی  
بصری . جامی در نقعات الاثنی گوید  
از بزرگان آغاز قرن چهارم است و برخی  
او را ابو عبدالله حسن نوشته اند و در آنجا  
در ۳۲۰ ق . در گذشت است . و صبغی  
منسوب به صیحه قلعه بی در دیار بکراست .  
( از نامه دانشوران ۳ : ۳۲ بنظر از نقعات  
الاثنی ) .

حسین صبوحی . [ح س ن ش] [راخ]  
[راخ] شاعر موسیقی دان و هنرمند سده  
یازدهم بود از خوانساری خاست و به تبریز  
شده و از آنجا با اتفاق ملا و صاحب بگیلان رفت  
و نزد سیرا عبدالله وزیر لاهیجان مقرب  
گردید چهار تار نیکو می نواخت و قصه حسنة  
و شاهنامه خوب می خواند و هفت مثنوی سرود  
و در ۱۰۷۸ ق . در گذشت ( ذریه ۹ :  
۵۹۵ ) .

حسین صبوری . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن علی تبریزی شاعر متخلص به صبوری از

ایران مردم شهید ۱۲۹۹ ق . در گذشت  
ذیابن شعر فارسی و ترکی دارد ( هدیه  
العارفین ۶ : ۳۲۹ ) زکریا هوساست که در  
ریحانة الادب بتخلص عبور تبریزی یاد شده  
است . ( ذریه ۹ : ۵۹۶ - ۵۹۷ ) .

حسین صدر جهان . [ح س ن ش] [راخ]  
[راخ] ابن روح الله طبنسی متخلص به  
« لسان » وی « صدریه » و « ذخیره » برای  
طلب علم و کتب مثنوی ۹۸۸ ق . نگاشته است .  
( ذریه ۱۰ : ۱۰ ) .

حسین صدر المعالی . [ح س ن ش] [راخ]  
[راخ] ( سید . . ) شیرازی در گذشت  
۱۳۲۲ ق . اوراست ترجمه « بوسمة هندیة »  
از جرجی زیدان بخارسی ( ذریه ۱۳ : ۱۵۵ ) .

حسین صدیقی . [ح س ن ش] [راخ]  
[راخ] ابن محمد ابن قهرمان حیون معروف  
با بن سکره مدنی و مکتبی بابو علی . قیة اهل  
سرفیحة بود و بقضا نشست و اندلس را  
گردش کرد . و در بلنسیه و مکه و بصره و  
واسط حدیث شنید و در بغداد پنج سال ماند .

اوراست « المعجم » و جز آن . در ۴۵۰ ق =  
۱۰۶۲ م . متولد شد و در ۵۱۴ ق =  
۱۱۲۰ م . در گذشت ( معجم المؤلفین و تاریخ  
دمشق ابن عساکر ۶۲۰ و الوانی بالوفیات ۱۱۱ ) .

۱۰۹ و شذرات الذهب ۴ : ۴۰۴ و مرآة الجنان  
۳ : ۲۹۰ و کشف الظنون و هدیه العارفين  
۱ : ۳۱۱ ) .

حسین صفائی . [ح س ن ش] [راخ]  
ابن علی بن حجاج بن علی حنفی مقلب به صام  
الدین فقه اصونی متکلم نحوی بود . در حلب در  
رجب ۱۲۱۱ ق = ۱۳۱۱ م . در گذشت  
« اصول بزوی » را شرح کرده و « الکافی »  
تألیف است . مؤلفات دیگر نیز دارد ( معجم  
المؤلفین از مفتاح السعادة ۲ : ۱۲۹ و بقیة  
البوعاد ۲۳۵ و کشف الظنون و برو کلان )  
و در حدیة العارفين ۱ : ۳۱۴ سقناق باسین  
آمده است .

حسین صفار . [ح س ن ش] [راخ]  
[راخ] ابن شاذویه قی صحاف صفار . کتاب  
حدیث و کتاب اسما امیر المؤمنین دارد ( ذریه  
۱۲ : ۶۴ و ۲۲۴ ) .

حسین صفوی . [ح س ن ش] [راخ]  
[راخ] ( شاه سلطای . . ) ( ۱۶۹۴ - ۱۷۲۲ م )  
فرزند شاه سلیمان اول ( شاه صفی دوم ) صفوی  
فرزند شاه عباس دوم فرزند شاه صفی اول  
فرزند شاه عباس اول صفوی است . شاه سلطان  
حسین شش برادر کوچکتر از خود داشت  
و پدرش شاه سلیمان هنگام مرگ وصیت کرد  
که تخت و تاج به سلطان مرتضی که از نظر  
سن کمتر و از نظر عقل برتر از سلطان حسین  
بود تعلق گیرد . لیکن امرا پس از مرگ  
او سلطان حسین که بزرگترین فرزند شاه  
سلیمان بود تخت نشاندند .

هدایت در یازده روز کار او می نویسد :  
« در اقصای کابلی هرگز تر از پلان (ابلی  
بودند و تولیان شیرازی مجرم تر از دلبران  
ققازی، میدانهای متضاد با یوانهای زلف  
تعبیرات و مضاررزم به مزماریم، از باب  
رمانت را ششک منر خوانند. و حکما

- ۱ - شاه قلی پسر شیخعلی زنگنه .
- ۲ - محمد مؤمن شاملو .
- ۳ - میرزا ظاهر وحید قزوینی .
- ۴ - فتحعلیخان دهلستانی پیرانام میرزا  
این ایلد رم .
- ۵ - آخرین وزیر وی محمد قلیخان بود که



شاه سلطان حسین صفوی

را مبتدع نام کردند . . . و پس از اشاره  
به ملحد و اشراج طلمای مانند ملا محمد صادق  
اردستانی گوید : قدرت بامت زنان و مردم  
سرایان افتاده بود و سپس داستان خرابی  
اوضاع قندهار و آمدن میروس قلیجانی برای  
عرض حال باصفهان، و عدم توجه اولیای امر  
بخواسته های وی، و یازگشت او بر آفرآشتن  
علم حنفیان و استقلال در قندهار یاد کرده  
است . و چنانکه مبدانیم پس از مرگ  
میروس برادرش عبدالعزیز جای وی  
بگرفت و بهرات را نیز بگشود و پس از  
او پسرش محمود نشست و چون شاه  
سلطان حسین قدرت عزل او نداشت فرمان  
حکومت و لقب صوفی صافی ضمیر برایش  
فرستاد اما ارفاق نشد و بطرف کرمان و سپس  
شیراز حمله برد و اصفهان را محاصره کرد .  
هدایت گوید در این حال علما و روحانیون  
اصفهان تمویذ و دعای جوشن صغیر می نوشتند  
و یازوی شاه می مستمعانیت درآمده اند .  
۱۲ محرم ۱۱۲۵ ق . شاه سلطان حسین  
صفوی باجمعی از امرا از شهر درآمده در  
فرج آباد بنزد محمود خلیجانی افغان آمده  
خود را خلع کرد و تاج را بر سر محمود  
نهاد و روز چهاردهم محمود بشهر در آمد و  
و شام اندرون زندانی کرد و در ۱۴۱۹ ق .  
چون اشکر همدانی پیشه شاهی از ضرب ایران را  
اشغال کرده و شاه سلطان حسین را از  
محمود خواسته او شاه زندانی را گشت و  
سرس را برای ایشان فرستاد . و چنانچه اش  
را در قم دفن کردند . از آثاری مدرسه  
چهارباغ و کاخ فرج آباد و ضمیر چهل ستون  
باقی است وزیران وی بترتیب عبارتند از :

بدست افغانها گشته شد .  
پسرش طهماسب میرزا در هنگام محاصره  
اصفهان بولایت عهد منصوب شده بود پس  
از ششیدن خبر قتل پدر در قزوین خود را شاه  
خواند . رجوع به طهماسب دوم وروضه -  
الصفای ناصری و ذریعه ۸۴۰۲ و فهرست  
سبک شناسی ج ۳ و مسکوکات زاپیتو ص  
۴ - و تاریخ مشروطه کمردی ص ۴۸۴ -  
شود .  
**حسین صنعانی** . [ح س ن م] [راخ] .  
ابن علی بن اسماعیل زیدی ملقب به شرف الدین  
دیوان شمر دارد و در ۱۱۴۹ ق = ۱۷۲۶ م  
در گذشت . (معجم المؤلفین از هدیة العارفين  
۱ : ۲۲۵) .  
**حسین صنعانی** . [ح س ن] [راخ] . این  
علی بن اسماعیل زیدی ملقب به شرف الدین  
متوفی ۱۱۴۹ ق . دیوان شمر دارد .  
(هدایة العارفين ۱ : ۲۲۵) .  
**حسین صنعانی** . [ح س ن م] [راخ] .  
این مهمله در ابن علی بن مهملی محدث .  
در روضه از اعزاز مستماد در ربیع یکم ۱۱۲۰ ق .  
= ۱۸۰۸ م . متولد شد و در ۲۷ محرم  
۱۱۹۸ ق = ۱۷۸۴ م . در گذشت مؤلف  
و مستفاد است . (معجم المؤلفین) .  
**حسین صنعانی** . [ح س ن م] [راخ] .  
رجوع به حسین مری شود .  
**حسین صوفی** . [ح س ن م] [راخ] . این  
علی بن امین منصور صوفی ، الکی ساکن مصر  
و ملقب به معنی الدین ، اوراست کتاب الرسالة  
وی در ۱۸۲۲ ق . = ۱۲۸۲ م . در گذشت

است . (ایضاح السکون و معجم المؤلفین و  
روضات - ۲۲۶) .  
**حسین صوفی قرقخان** . [ح س ن م] [راخ] .  
رجوع به صوفی قرقخان در جلال و حسیب  
السیر شود .  
**حسین صیادی** . [ح س ن م] [راخ] .  
این عبدالعالم بن عبدالشرف صافی رحبی  
صوفی محدث مفری . در ذریع از قرقان بصره  
در نیمه شعبان ۱۰۹۶ ق . = ۱۶۸۵ م . متولد  
شده و پیشداد شد و در ۱۱۴۶ ق . = ۱۷۲۲ م .  
در گذشت اوراست الاتقان فی تصویر القرائن .  
(معجم المؤلفین از قنور الاضداد) .  
**حسین صیرفی** . [ح س ن م] [راخ] .  
ابن مبارک . مکنی بابوعلی صوفی متوفی  
۶۳۱ ق . اوراست مناقب العباد . (هدایة  
العارفين ۱ : ۳۱۴) .  
**حسین صیرفی** . [ح س ن م] [راخ] .  
ابن علی بن عیسی بن حسن بن علی لثمی  
صیرفی ملقب به شرف الدین و مکنی بابو  
محمد محدث . منولی مشیخه فارغانیه وی در  
۲۴ ذیحجه ۶۹۹ ق . = ۱۲۴۰ م . در گذشت  
است . اوراست درجۃ الخاطره (شذرات  
النمب ۴۴۲۵ و معجم المؤلفین) .  
**حسین صیهری** . [ح س ن م] [راخ] .  
ابن مفلح بن حسن بحرینی ملقب  
به نصیر الدین فقیه صوفی در محرم ۹۳۳ ق .  
= ۱۵۲۶ م . در سن هشتاد سالگی در  
گذشت و در سلم آباد خوزستان دفن شد .  
اوراست متاسک صغیر و متاسک کبیر و رساله  
در جواز حکومت شرعی و غایة العرف فی  
شرح شرایع الاسلام و جزآنها . (ذریعه و  
ایمان الشبه ۲۷ : ۲۸۴) و ایضاح السکون  
و معجم المؤلفین و هدیة العارفين ۱ : ۳۱۷) .  
**حسین صیهری** . [ح س ن م] [راخ] .  
ابن علی بن محمد جعفر صیهری  
مکنی بابو عبدالله فقیه رجائشکن از اعالی  
مدیر خوزستان و قاضی مدائن (تیسفون) بود .  
وی در ۳۵۱ ق . = ۹۶۲ م . متولد و در  
بناد در شمال ۴۳۶ ق . = ۱۰۴۵ م . در گذشت .  
اوراست ۵ اخبار ای جنبه ۴ و شرح مختصر  
طحاوی و جزآن . (کشف الظنون و اعلام  
زر کلی ۲ : ۲۶۸) و معجم المؤلفین و هدیة  
العارفين ۱ : ۳۰۹) .  
**حسین ضحی** . [ح س ن م] [راخ] .  
ابن هارون ابو عبدالله بندادی محدث متوفی  
۳۷۸ ق . اوراست الامالی . (هدایة العارفين  
۱ : ۳۰۵) .  
**حسین ضمیری** . [ح س ن م] [راخ] .  
ابن محمد کمال الدین اصفهانی . رجوع به  
ضمیری کمال الدین و هدیة العارفين ۱ : ۲۱۹) و  
ذریعه ۲ : ۲۶۰) .  
**حسین طالقانی** . [ح س ن م] [راخ] .  
ابن علی بن عبدالشکور طالقانی حریری معروف